

معجزه زبان ترکی

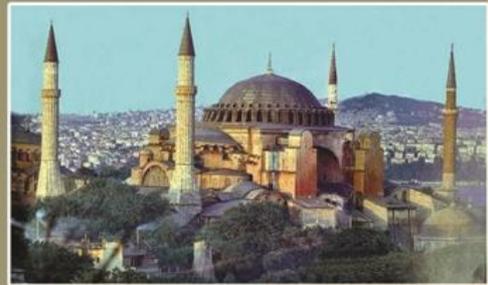
فرهاد رحیمی

معجزه زبان ترکی

TÜRKÇENİN MUCİZESİ

Ferhad Rehimi

Türkün dili tek sevgili, istekli dil olmaz,
Özge dile katsan, bu esil dil esil olmaz.



فرهاد رحیمی



تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگرشاهی
پاساز فیروز، شماره ۴، پلاک ۱۸۰۰۳۳۱، تلفن: ۶۶۴۴۳۳۳۱

سرشناسه : رحيمي ، فرهاد
عنوان و نام پديد آو : معجزه زبان ترکي : بررسي تطبيقي ترکي استانبولي با ترکي
آذربايجاني
قابل استفاده براي... نويسنده فرهاد رحيمي
مشخصات نشر : تهران ، اندیشه نو ، 1386
مشخصات ظاهري : 228 ص .
شابک : 9789646149373
وضعيت فهرست نويسي : فيبا
موضوع : زبان ترکي - - دستور زبان تطبيقي - - زبان ترکي آذربايجاني
رده بندي کنگره : م 71386 م 3 / ر 118 pl
رده بندي ديويي : 494 / 355
شماره کتابشناسي ملي : 1116099

معجزه زبان ترکي

(بررسي تطبيقي ترکي استانبولي با
ترکي آذربايجاني)

نويسنده : مهندس فرهاد رحيمي

طرح روي جلد: علي رضايي

چاپ اول: تهران - 1386

چاپ دوم: تهران - 1387

تيراز: 500

قطع : وزيري - 228 ص.

قيمت : 4000 تومان

ISBN شابک : 3 - 37 - 6149 - 964 - 978

ناشر : تهران، ميدان انقلاب ، اول خيابان

کارگر شمالي، پاساژ فيروز،

طبقه دوم، تلفن : 66427371

انتشارات اندیشه نو

معجزه زبان ترکی

(بررسی تطبیقی ترکی استانبولی با ترکی آذربایجانی)

قابل استفاده برای دانشگاهیان،

اساتید، دانشجویان وعموم مردم

نویسنده: مهندس فرهاد رحیمی

فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی امیرکبیر

نام کتاب: معجزه زبان ترکی (بررسی تطبیقی ترکی استانبولی با ترکی آذربایجانی)
نویسنده کتاب: مهندس فرهاد رحیمی (فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی امیرکبیر)
طرح روی جلد: مهیار علیزاده (آیخان)

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۸۶

ناشر: اندیشه نو (تهران، م انقلاب، اول کارگر شمالی، پاساژ فیروز، ط ۲، تلفن ۶۶۴۲۷۳۷۱)

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۴۹-۳۷-۳

فهرست

عنوان	صفحه	
مقدمه	۷	giriş
نحوه استفاده از کتاب	۸	
الفبا	۹	alfabe
حروف صدادار	۱۰	ünlüler
ضمیر شخصی	۱۱	kişi adılı (kişi zamiri)
ضمایر ملکی متصل	۱۳	iyelik ekleri
ضمیر بازگشتی (مرجوعی)	۱۶	dönüşlü adıl
ضمیر	۱۷	adıl
پسوندهای وضعیت اسم	۲۵	ad durumu ekleri
فعل	۲۹	eylem (fiil)
زمان حال	۲۹	şimdiki zaman
صیغه امر	۳۳	emir kipi
صیغه خواست، طلب	۳۶	istek kipi
جملات اسمی	۳۹	ad tümceleri
زمان گذشته صریح	۴۲	belirli geçmiş zaman
گذشته صریح در جملات اسمی	۴۴	belirli geçmiş ad tümcelerinde
زمان آینده	۴۶	gelecek zaman
آینده در جملات اسمی	۴۹	gelecek ad tümcelerinde
زمان گذشته غیر صریح	۵۲	belirsiz geçmiş zaman
گذشته غیر صریح در جملات اسمی	۵۷	belirsiz geçmiş ad tümcelerinde
حدس و پیش بینی (dır)	۵۹	tahmin (dır)
آگهی و مکاتبه (dır)	۶۰	duyuru, yazışma (dır)
زمان عمومی (مضارع)	۶۱	geniş zaman
فعل توانائی، کفایت (اقتداری)	۶۶	yeterlilik eylemi
صیغه وجوب	۸۷	gereklilik kipi

عنوان	صفحه	
فعل مشارکت	۹۰	işteşlik eylemi
فعل حکایتی صیغه خواست	۹۱	istek kipinin hikayesi
صیغه آرزو	۹۳	dilek kipi
فعل حکایتی صیغه آرزو	۹۵	dilek kipinin hikayesi
فعل بازگشتی (مرجوعی)	۹۷	dönüşlü eylem
صیغه شرط	۹۹	şart kipi
شرط در جملات اسمی	۱۰۰	şart ad tümcelerinde
فعل حکایتی صیغه شرط	۱۰۱	şart kipinin hikayesi
زمان ترکیبی شرطی	۱۰۲	koşul bileşik zamanı
زمان ترکیبی حکایتی	۱۰۵	hikaye bileşik zamanı
زمان ترکیبی روایتی	۱۰۷	rivayet bileşik zamanı
فعل oldurgan و ettirgen	۱۱۰	oldurgan, ettirgen eylem
فعل مجهول	۱۱۴	edilgen eylem
افعال با قالب ترکیبی	۱۱۷	bileşik çatılı eylemler
افعال کمکی	۱۱۹	yardımcı eylemler
فعل سرعت، تندی	۱۲۱	tezlik eylemi
فعل تداوم	۱۲۲	sürerlilik eylemi
فعل نزدیکی	۱۲۲	yaklaşma eylemi
انحراف مفهوم در صیغه فعل	۱۲۳	anlam kayması eylem kipinde
توضیح غیرمستقیم (نقل قول)	۱۲۶	dolaylı anlatım
فعل متعدی و لازم	۱۳۰	geçişli ve geçişsiz eylem
وضعیت تصریح	۱۳۱	belirtme durumu
پسوند صرف	۱۳۳	çekim eki
اسم	۱۳۴	ad
پسوند اسم ساز lik	۱۴۰	lik ad yapma eki

عنوان	صفحه	
اسم سازی	۱۴۰	adlaştırma
مضاف و مضاف الیه	۱۴۶	ad tamlaması
قیدهها	۱۵۳	ulaçlar
قیود زمان	۱۵۶	zaman ulaçları
قید ken	۱۵۸	ken ulacı
قیود شروع	۱۶۰	başlama ulaçları
قیود پایان	۱۶۰	bitim ulaçları
قیود وضعیت	۱۶۱	durum ulaçları
قید نفی	۱۶۲	olumsuzluk ulacı
قیود پیوستگی	۱۶۳	süreklilik ulaçları
قیود سبب	۱۶۴	sebeup ulaçları
قیود تشبیه	۱۶۶	benzetme ulaçları
قیود تضاد	۱۶۸	zıtlık ulaçları
صفت	۱۷۰	sıfat (ön ad)
اعداد	۱۸۳	sayılar
پسوند صفت ساز li	۱۸۳	li sıfat yapma eki
پسوند صفت ساز siz	۱۸۳	siz sıfat yapma eki
مقایسه با daha، en	۱۸۴	daha ,en ile karşılaştırma
صفت فعلی	۱۸۵	sıfat eylem (ortaç)
ظرف	۱۹۱	belirteç
ظروف زمان	۱۹۹	zaman belirteçleri
عناصر جمله	۲۰۰	cümle öğeleri
حرف ربط	۲۱۸	bağlaç
که	۲۱۸	ki
حروف ربط با مفهوم انتخاب	۲۲۰	seçme anlamlı bağlaçlar

عنوان	صفحه	
رابطه علت و معلول	۲۲۰	neden-sonuç ilgisi
همچنین، وگرنه، پس	۲۲۱	ise, yoksa, o zaman, öyleyse
ادات	۲۲۱	ilgeç
با، و	۲۲۲	ile
مقایسه با kadar, gibi	۲۲۴	gibi, kadar ile karşılaştırma
göre و پسوند ca/ce	۲۲۵	göre ve ca/ce eki
درحین، بموجب، بشرط	۲۲۶	üzere
برای	۲۲۷	için
علامت ندا (!)	۲۲۷	ünlem işareti
علامت برش (')	۲۲۸	kesme işareti

بنام خدا

مقدمه ----- giriş

هدف از نوشتن این کتاب در اصل ارتقاء سطح دانش قواعد زبان ترکی می باشد. همانطوریکه می دانیم زبان ترکی از لحاظ قواعد و گرامر و هماهنگی اصوات یکی از قویترین زبانهای زنده دنیا محسوب می شود. از نظر سازمان جهانی یونسکو نیز زبان ترکی سومین زبان قدرتمند و غنی دنیا می باشد و به این مسئله نه تنها ترکهای ایران بلکه همه ایرانیان باید افتخار کنند. بنابراین غفلت از این زبان و این گنجینه باستانی و نپرداختن به آن در این سرزمین، غیرقابل بخشش بوده و بعنوان یک خطای تاریخی و یک لکه ننگی به حساب نسل کنونی ایران گذاشته خواهد شد بطوریکه نسلهای آینده نیز ما را نخواهند بخشود. پس برای ایفای دین خویش باید دست به قلم گرفت و روشنگری نمود. امید است که بتوانیم وظیفه خود را نسبت به این زبان بزرگ دنیا ادا نمائیم.

از آنجائیکه زبانهای ترکی موجود در دنیا دارای لهجه ها و شاخه های مختلف می باشد ولی در اصل یک زبان ترکی در جهان بیشتر وجود ندارد هر چند که بنا به مصالح سیاسی در طول تاریخ به شاخه های مختلف ازبکی، قزاقی، قرقیزی، ترکمنی، تاتاری، آذربایجانی، استانبولی و ... تقسیم شده باشد.

از آنجائیکه زبان ترکی استانبولی نسبت به شاخه های دیگر زبان ترکی رشد بیشتری داشته و قواعد زبان ترکی در این زبان بیشتر از زبانهای دیگر ترکی رعایت می گردد این زبان را انتخاب نموده ایم ولی برای قابل استفاده بودن برای ایرانیان نیز مقایسه ای با گرامر زبان ترکی آذربایجانی انجام گردیده است البته حتی اگر این مقایسه هم انجام نمی شد باز هم برای خوانندگان عزیز قابل استفاده بود چون همانطور که گفتیم یک زبان ترکی بیشتر وجود ندارد و لو لهجه های مختلفی هم به مرور زمان به علت فاصله افتادن بین اقوام ترک به میدان آمده باشد.

البته قابل ذکر است که زبان ترکی آذربایجانی و استانبولی بسیار بهم نزدیکند و هر شخص آذربایجانی میتواند با کمی همت به راحتی زبان ترکی استانبولی را فراگیرد. از آنجائیکه این کتاب هم مانند هر کتاب دیگری نمی تواند خالی از لغزشها و کمبودها و اشتباهات باشد خوانندگان عزیز به بزرگواری خویش ما را مورد عفو خود قرار دهند و ما را هم از انتقادات، پیشنهادات و نظرات خود بی بهره نگذارند. (farhad_rahimi۲۰۰۷@yahoo.com)

در این کتاب در بخشهای مربوط به افعال، قیدها، ادات، حروف ربط و غیره از مجموعه کتب هیتیت، نیز در بخشهای با عناوین اسم، ضمیر، صفت، ظرف، عناصر جمله و غیره از محیط اینترنت استفاده گردیده است.

در اینجا از راهنمائیهای اساتید بزرگوار اسمعیل هادی، دکتر داشقین، دکتر صدیق و دکتر بهزادی کمال تشکر را دارم.

این کتاب را به تمام کسانی که در راه اعتلای زبان مادری گامهایی برداشته اند تقدیم میدارم.

نحوه استفاده از کتاب:

توجه داشته باشید که برای استفاده از این کتاب حتماً بخش الفبا چندین مرتبه خوانده شود و پس از مسلط شدن به الفبای ترکی بخشهای دیگر براحتی قابل استفاده خواهند بود.

توجه: در این کتاب ممکن است که ترجمه های فارسی مثالها غیر سلیس به نظر برسد ولی ترجمه به این شکل جهت یادگیری مفاهیم گرامری یعنی با محوریت قواعد دستوری زبان در نظر گرفته شده است؛ در بعضی موارد ترجمه سلیس آن نیز داخل پارانترز ذکر گردیده است.

توجه: بعلت تکرار کلمه ترکی آذربایجانی در این کتاب به جای آن (ت. آ) نیز بکار رفته است

alfabe

الفبا

الفبای زبان ترکی استانبولی از ۲۹ حرف تشکیل می‌گردد که عبارتند از:

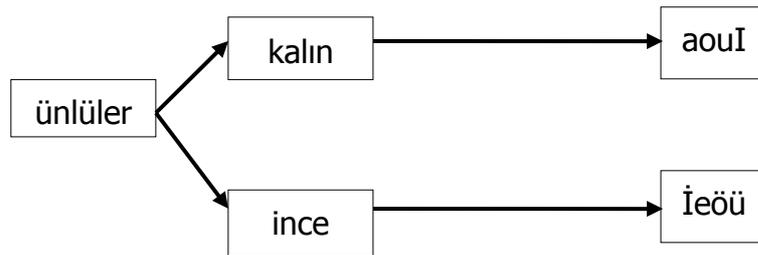
حرف ترکی	معادل فارسی	مثال	معنی فارسی مثال	حرف ترکی	معادل فارسی	مثال	معنی فارسی مثال
A-a	آ	at	اسب	M-m	م	gülmek	خندیدن
B-b	ب	baba	بابا	N-n	ن	ana	مادر
C-c	ج	Baca	سوراخ	O-o	أ	boş	خالی
Ç-ç	چ	çörek	نان	Ö-ö	-	öz	خود
D-d	د	diş	دندان	P-p	پ	öpmek	بوسیدن
E-e	ا، آ، اِ	ev	خانه	R-r	ر	dar	تنگ
F-f	ف	alfabe	الفبا	S-s	س	su	آب
G-g	ق، گ	gün	روز	Ş-ş	ش	beş	پنج
Ğ-ğ	غ	dağ	کوه	T-t	ت	at	اسب
H-h	ح	halı	قالی	U-u	او	su	آب
İ-ı	ا (الف ساکن)	ağız	دهان	Ü-ü	-	gülmek	خندیدن
Î-i	ای	bilmek	دانستن	V-v	و	ev	خانه
J-j	ژ	jeton	ژتون	Y-y	ی	yaz	بنویس
K-k	ک	kapı	در	Z-z	ز	yaz	بنویس
L-l	ل	gül	گل				

توجه: صداهای دیگری نیز وجود دارند که جزو الفبای استاندارد زبان ترکی آورده نشده است مانند آ کشیده که به صورت (Â-â) نشان داده می‌شود مانند: هنوز hâlâ

توجه: همه موارد فوق در ترکی آذربایجانی هم صادق است البته می‌توان برای کامل شدن حروف الفبا صداهای دیگری را هم به صداهای فوق اضافه نمود مانند: حرف X (خ).

حروف صدادار ----- ünlüler

حروف صدادار عبارتند از (aouİİeöü) که از این ۸ حرف ۴ حرف (aouİ) را حروف صدادار کلفت (kalın) و ۴ حرف (İeöü) را حروف صدادار نازک (ince) میگویند.



قاعده هماهنگی حروف با صدا (ünlü uyumu): معمولا در یک کلمه همه حروف صدادار یا kalın

هستند و یا همه حروف صدادار ince هستند مانند:

kapı (در)	درست
kapi	اشتباه
gülmek (خندیدن)	درست
gülmak	اشتباه
hüseyin (حسین)	درست
hoseyn	اشتباه
saatlar (ساعتها)	درست
saatler	اشتباه
altı (شش)	درست
alti	اشتباه

البته همانطوریکه گفتیم این قاعده معمولا صدق میکند و استثنا هم وجود دارد مانند: **Kitap**

توجه: در زبان ترکی آذربایجانی نیز این قاعده در اکثر لهجه ها رعایت می شود.

ضمیر شخصی ----- Kişi adılı (kişi zamiri)

ضمایر شخصی متصل (Kişi ekleri):

Kişi adılı	Kişi ekleri	
Ben	(y)um/üm/ım/im	I kişi tekil (اول شخص مفرد)
Sen	sun/sün/sın/sin	II kişi tekil (دوم شخص مفرد)
O	-	III kişi tekil (سوم شخص مفرد)
Biz	(y)uz/üz/ız/iz	I kişi çoğul (اول شخص جمع)
Siz	sunuz/sünüz/sınız/siniz	II kişi çoğul (دوم شخص جمع)
Onlar	lar/ler	III kişi çoğul (سوم شخص جمع)

که **y** در **ben/biz** زمانی بکار می‌رود که آخرین حرف کلمه قبلی ضمیر شخصی، باصدا باشد.

توجه: در جدول فوق مثلاً برای اول شخص مفرد

um زمانی می‌آید که در کلمه قبلی آن آخرین حرف باصدا **u/o** باشد و

üm زمانی می‌آید که در کلمه قبلی آن آخرین حرف باصدا **ü/ö** باشد و

ım زمانی می‌آید که در کلمه قبلی آن آخرین حرف باصدا **I/a** باشد و

im زمانی می‌آید که در کلمه قبلی آن آخرین حرف باصدا **İ/e** باشد و

در مورد دوم شخص مفرد، اول شخص جمع، دوم شخص جمع نیز مشابه فوق است.

در سوم شخص جمع:

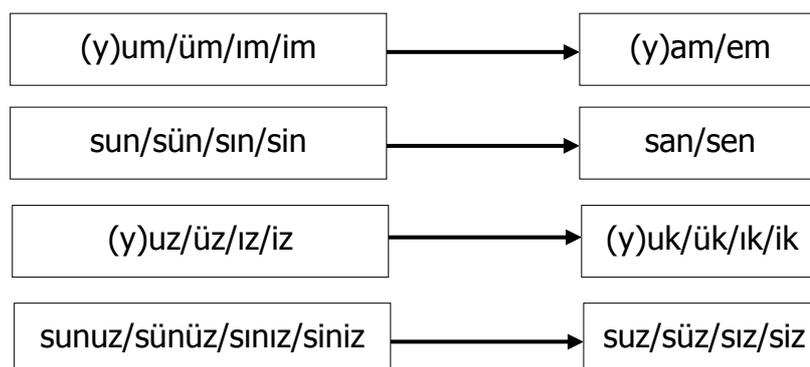
ları زمانی می‌آید که در کلمه قبلی آخرین حرف باصدا **kalın** باشد و

leri زمانی می‌آید که در کلمه قبلی آخرین حرف باصدا **ince** باشد.

و دلیل آن هم رعایت قاعده **ünlü uyumu** میباشد.

نکته: به مثالهای مربوط به زمان حال دقت کنید.

توجه: در (ت. آ) معمولاً بجای (y)um/üm/ım/im در اول شخص مفرد (y)am/em و بجای sun/sün/sın/sin در دوم شخص مفرد san/sen و بجای (y)uz/üz/ız/iz در اول شخص جمع (y)uk/ük/ık/ik و بجای sunuz/sünüz/sınız/siniz در دوم شخص جمع suz/süz/sız/siz بکار می رود. به مثالهای مربوط به زمان حال دقت کنید.

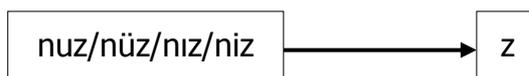


و نیز بجای ben، men و بجای onlar، onlar هم می توان بکار برد.

ضمیر شخصی متصل نوع ۲ (kişi eki): در بعضی موارد مانند زمان گذشته صریح، صیغه شرط، صیغه آرزو و غیره بجای kişi eki از kişi eki استفاده می شود.

Kişi adlı	Kişi eki
ben	m
sen	n
o	-
biz	k
siz	nuz/nüz/nız/niz
onlar	lar/ler

توجه: در (ت. آ) معمولاً بجای nuz/nüz/nız/niz در دوم شخص جمع Z بکار می رود.



iyelik ekleri ----- ضمایر ملکی متصل

ضمایری هستند که مالکیت را نشان میدهند و در جواب مال چه کسی؟ (kime ait?) بکار برده میشوند.

son ses ünsüz	son ses ünlü
um/üm/ım/im	m
un/ün/ın/in	n
u/ü/ı/i	su/sü/sı/si
umuz/ümüz/ımız/imiz	muz/müz/mız/miz
unuz/ünüz/ınız/iniz	nuz/nüz/nız/niz
ları/leri	ları/leri

اگر در اسم قبل از این ضمایر آخرین حرف، بی صدا باشد ستون اول وگرنه ستون دوم استفاده می گردد.
در جدول فوق **um/un/u/su/umuz/muz/unuz/nuz** موقعی بکار میرود که در اسم قبل از این ضمایر آخرین حرف باصدا **u/o** باشد و

üm/ün/ü/sü/ümüz/müz/ünüz/nüz موقعی بکار میرود که در اسم قبل از این ضمایر آخرین حرف باصدا **ü/ö** باشد و

ım/ın/ı/sı/ımız/mız/ınız/nız موقعی بکار میرود که در اسم قبل از این ضمایر آخرین حرف باصدا **I/a** باشد و

im/in/i/si/imiz/miz/iniz/niz موقعی بکار میرود که در اسم قبل از این ضمایر آخرین حرف باصدا **İ/e** باشد.

مثالها برای اسامی kız (دختر)، iş (کار)، kol (بازو)، köy (روستا)، baba (بابا)، anne (مادر)، kuzu (بره)، ütü (اتو) مطابق جدول فوق:

kolum/köyüm/kızım/işim	kuzum/ütüm/babam/annem
kolun/köyün/kızın/işin	kuzun/ütün/baban/annen
kolu/köyü/kızı/işi	kuzusu/ütüsü/babası/annesi
kolumuz/köyümüz/kızımız/işimiz	kuzumuz/ütümüz/babamız/annemiz
kolunuz/köyünüz/kızınız/işiniz	kuzunuz/ütünüz/babanız/anneniz
kolları/kızları/köyleri/işleri	Kuzuları/babaları/ütüleri/anneleri

که مثلا kızım (دخترم)، kızın (دخترت)، kızı (دخترش)، kızımız (دخترمان)، kızınız (دخترتان)، kızları (دخترشان) می شود.

توجه: در (ت. آ) معمولا بجای unuz/ünüz/ınız/iniz/nuz/nüz/nız/niz دووم شخص جمع uz/üz/ız/iz/z بکار می رود. مانند:

koluz/köyüz/kızız/işiz/kuzuz/ütüz/babaz/nenez

در دووم شخص مفرد موقعی که بعد از iyelik eki یک حرف صدا دار بیاید میتوان بجای n/un/ün/in/in استفاده نمود مانند: خانه ات را evini/evivi

چند مثال دیگر:

Bizim öğretmenimiz çok iyi معلم ما خیلی خوب است

Senin kaç oğlun var? تو چند بچه داری؟

قاعده ünlü düşmesi (افتادن حرف با صدا): در مواردی مانند موارد زیر افتادن حرف با صدا را خواهیم داشت مثلا وقتی به کلمه burun (بینی)، حرف u اضافه میکنیم یعنی burunu آنهم به burnu (بینی اش) تبدیل می شود. یا در مورد کلمه sizi (درد، سوزش) با اضافه کردن lamak. sizilamak میشود که آن هم به sizilamak (نالیدن، سوختن) تبدیل میشود. یا باز کلمه koku (بو) با اضافه کردن lamak. kokulamak میشود که آن هم به koklamak (بوئیدن) تبدیل میشود. یا باز هم کلمه sabir (صبر) با اضافه کردن etmek (کردن)، sabiretmek میشود که آن هم به sabiretmek (صبر کردن) تبدیل میشود.

توجه: همانطوریکه در مثال قبل از قاعده هم می بینید oğul+un یعنی oğulun به oğlun (پسرت) تبدیل شده است.

به مثالهای زیر توجه کنید:

kızına .kızında .kızından .odasına .odasında .odasından
evlerine .evlerinde .evlerinden

همانطوریکه می بینید حرف n بین ضمیر ملکی سوم شخص مفرد یا جمع (III kişi iyelik eki) و a/e/da/de/dan/den قرار میگیرد. یعنی:

ad+u/ü/ı/i/su/sü/sı/si/ları/leri+n+a/e/da/de/dan/den

توجه: همه قواعد گفته شده در بالا در زبان (ت. آ) هم عینا رعایت می گردد.

ضمیر بازگشتی (مرجوعی) ----- dönüşlü adlı

kendim	خودم
kendin	خودت
kendi	خودش
kendimiz	خودمان
kendiniz	خودتان
kendileri	خودشان

مثال:

Bu problemi kendin çözmelisin

این مشکل را خودت باید حل کنی

Ona kötü davrandım. Kendimi suçlu hissediyorum

با او به بدی رفتار کردم. خودم را گناهکار حس می کنم (احساس گناه می کنم)

Ödevlerinizi kendi kendinize yapın. Bu sizin için daha yararlı olur

تکالیفتان را برای خودتان انجام دهید. این برای شما مفیدتر می باشد

Bu kıpkırmızı kazağı kendine mi aldın?

این پلیور کاملاً قرمز را برای خودت خریدی؟

توجه: در (ت. آ) بجای kendi از öz نیز استفاده می شود یعنی:

özüm	خودم
özün	خودت
özü	خودش
özümüz	خودمان
özünüz	خودتان
özleri	خودشان

مثال:

Bu problemi özün çözmelisen

این مشکل را خودت باید حل کنی

Ona kötü davrandım. özümü suçlu hissedirem

با او به بدی رفتار کردم. خودم را گناهکار حس می کنم (احساس گناه می کنم)

Bu kıpkırmızı kazağı özüne aldın?

این پلیور کاملاً قرمز را برای خودت خریدی؟

ضمیر ----- adıl (zampir)

جای اسم نشستہ و آن را به خود می گیرد مانند:

Polis aniden yere düştü, onu gördün mü?

ad

zampir

پلیس به یکباره زمین خورد، او را دیدی؟

۱- ضمیر شخصی (kişi adılı): قبلا گفته شده است مانند:

Olanlara ben de çok üzüldüm

من هم به رخدادها خیلی ناراحت شدم

İsterseniz, bir de siz bakın

یکبار هم اگر می خواهید شما نگاه کنید

Sabahtan uğradım ben bir güzele

من از صبح به یک خوشگل مبتلا شدم

Güzel ağlatmadı, güldürdü beni

خوب نگریاند، مرا خندانند

توجه: کلمه kendi اگر بجای اسم انسان بکار رود ضمیر شخصی خواهد بود مانند:

Bakalım kendisi ne diyor?

ببینیم خودش چه می گوید؟

Bu konuda kendin karar vermelisin

در این موضوع، خودت باید تصمیم بگیری

توجه: کلمه kendi اگر با ضمیر شخصی دیگری بکار رود بر مفهوم آن ضمیر شخصی تاکید می نماید یعنی

بصورت:

o kendisi .sen kendin .ben kendim

من خودم، تو خودت، او خودش

onlar kendileri .siz kendiniz .biz kendimiz

ما خودمان، شما خودتان، آنها خودشان

مانند:

Ben geldim

من آمدم

Ben, kendim geldim

من، خودم آمدم

Q düşünmüş

او فکر کرده است

Q, kendisi düşünmüş

او، خودش فکر کرده است

توجه: کلمه **kendi** اگر بصورت تثنيه بکار رود و فعل را توصیف نماید ظرف وضعیت (*durum zarfı*) خواهد بود مانند:

Çocuk kendi kendine oynuyor (Nasıl oynuyor?)

بچه، به خودی خود بازی می کند (چگونه بازی می کند؟)

Kadın kendi kendine söylendi (Nasıl söylendi?)

زن، به خودی خود غر زد (چگونه غر زد؟)

توجه: کلمه **kendi** اگر یکی بودن فاعل و مفعول را فراهم کند ضمیر مرجوعی (*dönüşlü adıl*) خواهد بود مانند:

Adam kendini yaktı

یارو خودش را سوزاند

Çocuk kendini asmış

بچه خودش را دار زده

توجه: ضمیر شخصی می تواند **tamlayan** باشد ولی **tamlanan** نمی تواند باشد مانند:

onun gönlü, senin isteklerin, benim arkadaşım

دوست من، خواسته های تو، دل او

çocuğun kendisi, kendisinin sözleri

حرفهای خودش، خود بچه

توجه: اگر کلمه **O** بجای غیر انسان بنشینند بعنوان ضمیر اشاره خواهد بود مانند:

O bu işe çok kızacak (kişi zamiri)

او، به این کار خیلی عصبانی خواهد شد (ضمیر شخصی)

O, dosyaları kaldırıldı (işaret zamiri)

آن، پرونده شده و - بعد از پرونده شدن - برداشته شد (ضمیر اشاره)

۲- ضمیر اشاره (**işaret adılı**): عبارتند از **bu** (اشاره به نزدیک)، **şu** (اشاره به کمی دور)، **O** (اشاره به دورتر)،

bunlar, **şunlar**, **onlar**, **bura**, **şura** (اینجا) و ... مانند:

Bunu bir de babama soralım

این را یکبار هم از بابام بپرسم

Şu, Fatih zamanından beri ayakta

این، از زمان سلطان فاتح به این سو پا برجاست

Onları, bana ver, şunları, sen al

آنها را به من بده، اینها را تو بردار

توجه: اگر ضمیر اشاره **bu/bunlar/şu/şunlar/o/onlar** بجای اسم انسان بنشینند ضمیر شخصی ولی اگر

بجای غیر انسان بنشینند ضمیر اشاره خواهد بود مانند:

O, sınıfın duvarına asılacak (işaret zamiri)

آن، به دیوار کلاس آویخته خواهد شد (ضمیر اشاره)

O, kitabı beğenmediğini söyledi (kişi zamiri)

او، نپسندیدن کتاب را ذکر کرد (ضمیر شخصی)

Bu, adam çağırırdı (kişi zamiri)

این (او)، شخصی را صدا زد (ضمیر شخصی)

Şu, insanlara kızıyor (kişi zamiri)

این (او)، به انسانها عصبانی می شود (ضمیر شخصی)

توجه: اگر buna (به این)، şuna (به این)، ona (به آن)، öteki (آن یکی)، beriki (این یکی)، böyle (اینطور)، şöyle (اینطور)، öyle (آنطور) نیز بجای اسم بنشیند ضمیر اشاره خواهند بود مانند:

Burayı sen temizle(işaret zamiri)

اینجا را تو تمیز کن (ضمیر اشاره)

Gel de **böylesine** inan(işaret zamiri)

بیا و همینطور باور کن (ضمیر اشاره)

Öteki, başını eğip dinledi(işaret zamiri)

آن یکی، سرش را خم کرده و گوش داد (ضمیر اشاره)

توجه: در ad tamlaması ، یا tamlayan و یا tamlanan می تواند ضمیر اشاره باشد مانند:

insanın böylesi .öbürünün derdi .evin şurası .bunun acısı

تلخی این، اینجای خانه، درد آن دیگری، انسان اینطوری

توجه: همانطور که قبلا هم گفتیم ضمیر اشاره اگر قبل از اسم بکار رود صفت اشاره خواهد بود مانند:

Bu, kitabın önsözüne eklenecek(işaret zamiri)

این، به پیش گفتار کتاب اضافه خواهد شد (ضمیر اشاره)

Bu kitabın önsözüne eklenecek(işaret sıfatı)

به پیش گفتار این کتاب اضافه خواهد شد (صفت اشاره)

۳- ضمیر مبهم (belgisiz adıl): جای اسم می نشیند ولی دقیقا جای کدام اسم می نشیند معین نیست. اسمها را از نظر تعداد یا مقدار یا فاعل، بصورت مبهم، مشخص می کند.

بعضی از ضمایر مبهم عبارتند از:

kimisi (بعضی)، kimileri (بعضی ها)، kimi (بعضی)، biri (کسی)، birisi (کسی)، birileri (کسانی)، birkaçı (تعدادی)، bazısı (بعضی)، bazıları (بعضیها)، çoğu (بیشترش)، birçoğu (بسیاری)، birçokları (بسیاری ها)، başkası (دیگری)، birazı (کمی)، fazlası (بیشترش)، bir kısmı (یک قسمی)، hepsi (همه اش)، kimse (کسی، هیچکس)، tümü (همگی)، herkes (همه)، hepimiz (همه مان)، şey (چیز)، filan (فلانی)، falan (فلانی)

مثال:

Kimsenin ahı kimsede kalmaz

آه هیچ کس، در کسی نمی ماند

Çoğu gitti, azı kaldı

زیادش رفت، کمش ماند

Birçoğu, bu durumdan habersiz

بسیاری، از این وضعیت بی خبرند

Hepsine benden selam söyle

به همه شان از طرف من سلام برسان

Kimi ağlarken kimi gülüyor

در حالی که بعضی ها گریه می کنند بعضی ها می خندند

Başkalarını değil, biraz da bizi düşün

نه به دیگران، کمی هم به ما فکر کن

İçlerinden birisi bana çok tanıdık geldi

از بینشان یکی برایم خیلی آشنا آمد

Çarşıdan şey aldım

از بازار، چیزی خریدم

Şey sordu

چیزی پرسید

یادآوری: البته اگر ضمایر فوق قبل از اسم بیایند صفت مبهم خواهند بود.

توجه: در **belirtili ad tamlaması** می تواند **tamlayan** یا **tamlanan** ضمیر مبهم باشد که اگر **tamlanan** باشد بجای پسوند **tamlayan** می توان از **dan/den** استفاده نمود مثال:

Birkaçının düşüncesi

فکر عده ای

Çocukların birkaçı

تعدادی از بچه ها

توجه: بعضی از ضمائر شخصی یا اشاره اگر بصورت تشبیه استفاده شوند ضمیر مبهم خواهند بود مانند:

Onun bunun sözüne uyma

از حرف این و آن پیروی نکن

Seni beni hiç dinler mi o?

او اصلا حرف من و تو را گوش می دهد؟

۴- ضمیر سوالی (**soru adılı**): جای اسم را از طریق پرسش می گیرند مانند:

Bu kitabı kim yırttı? (Ali yırttı)

این کتاب را چه کسی پاره کرد؟ (علی پاره کرد)

Senden ne istiyor? (Para istiyor)

از تو چه می خواهد؟ (پول می خواهد)

Dün akşam nereden geliyordun? (sinemadan)

دیروز عصر از کجا می آمدی؟ (از سینما)

Hangisini daha çok beğendin? (şunu)

کدام را بیشتر پسندیدی؟ (این را)

Yolda kime rastlamış? (bir arkadaşına)

در راه به چه کسی برخوردی؟ (به یک دوستش)

یادآوری: اگر کلمه سوالی بر مفهوم فعل تاثیر بگذارد ظرف سوالی (soru zarfı) خواهد بود مانند:

Buralarda ne dolaşip duruyorsun?

چیه، همه اش در اینجاها می گردی؟

Bu havada buraya nasıl gelmiş?

در این هوا چگونه به اینجا آمده است؟

توجه: در belirtili ad tamlaması می تواند tamlayan یا tamlanan ضمیر سوالی باشد مانند:

Kimlerin parası?

پول چه کسانی؟

Çocukların hangisi?

کدامیک از بچه ها؟

Adamın nesi?

چه چیز مرد؟

توجه: ضمیر سوالی می تواند به جمله مفهوم سوالی ندهد.

یادآوری: اگر کلمه سوالی قبل از اسم آمده و از طریق پرسش اسم را مشخص کند صفت سوالی (soru sıfatı)

خواهد بود مانند:

Hangi okulu bitirmiş?

از کدام مدرسه، فارغ التحصیل شده؟

Bunlara kaç para verdiniz?

به اینها، چقدر پول دادید؟

Ne iş yapıyormuş?

چه کار می کرده است؟

۵- ضمیر عطف (ilgi adılı): قبلا گفته شده است مانند:

Salonun duvarları temiz ama odalarındaki kirli (odaların duvarları)

دیوارهای سالن، تمیز است ولی مال اتاقها کثیف است (دیوارهای اتاقها)

Benim kalemim seninkinden iyi yazıyor (senin kalemin)

قلم من از مال تو خوب می نویسد (قلم تو)

۶- ضمیر ملکی (iyelik adılı): قبلا گفته شده است (iyelik ekleri).

وظیفه ضمیر در جمله: در جمله می تواند نقش فاعل (özne)، مفعول (nesne)، متمم (dolaylı

tümleç) یا مسند (yüklem) بگیرد مانند:

Seni buraya babam çağırdı

nesne dolaylı tümleç

پدرم تو را به اینجا دعوت کرد

Bu işin aslını bir de biz araştıralım

özne

واقعیت این مسئله را یکبار هم ما بررسی کنیم

Aradığımız ev şuradaymış

yüklem

خانه ای که دنبالش بودیم، اینجا بوده است

ضمیر ساده (basit adıl): ضمیری که yapım eki نگرفته باشند و در صورت گرفتن پسوند فقط

çekim eki گرفته باشند مانند:

onun .bizlerden .kim .bazıları .şunda .ben

من، در این، بعضیها، چه کسی، از ماها، مال او

ضمیر مشتق (türemiş adıl): ضمیری که با اضافه نمودن yapım eki به ضمیر ایجاد می شوند

مانند:

şu-ra .bu-ra

اینجا، اینجا

ضمیر مرکب (bileşik adıl): از ترکیب دو کلمه ایجاد می شود مانند:

herhangi biri .birkaçı .kimse .birçoğu

بسیاری، کسی، تعدادی، هرکدام یک

توجه: موارد گفته شده برای ضمیر، در (ت. آ) هم صادق است.

پسوندهای وضعیت اسم ----- ad durumu ekleri

۱- وضعیت حضور ----- bulunma durumu

در جواب **nerede?/ kimde?** (در که؟/ در کجا؟) استفاده می‌گردد: **ad+da/de**

توجه: در فرمول فوق اگر آخرین حرف باصدای اسم (ad)، **kalın** باشد **da** و اگر **ince** باشد **de** بکار می‌رود.

توجه: در زبان (ت. آ) فرمول فوق در جواب **harda?/ kimde?** (در که؟/ در کجا؟) بکار می‌رود.

توجه: در فرمول فوق، اسم (ad)، در جمله در نقش متمم (tümleç) بکار می‌رود.

مثال:

Mete evde yemek yiyor; ama okulda yemiyor

مته در خانه غذا می‌خورد اما در مدرسه نمی‌خورد.

در پاکت چیست؟ **Pakette ne var?**

در کمد تلویزیون است **Dolapta televizyon var**

قاعده **ünsüz sertleşmesi** (سفت شدن حرف بی صدا): اگر آخر کلمه ای، یکی از حروف

(fstkçşhp) باشد و به این کلمه **d** اضافه گردد **d** به **t** تبدیل می‌گردد و اگر **c** اضافه گردد **c** به **ç** تبدیل

می‌گردد و اگر **g** اضافه گردد **g** به **k** تبدیل می‌گردد.



مانند:

beşte (در ساعت پنج) که تبدیل میشود به **beşde**

sebetçi (سبدچی) که تبدیل میشود به **sebetçi**

توجه: در مثالهای قبل از قاعده نیز طبق این قاعده **dolapta** به **dolapda** و **pakette** به **paketde** تبدیل شده است.

توجه: اگر بخواهیم به **o** (او)، **da** اضافه کنیم بصورت **o+n+da** خواهد بود. مانند:
ما در خانه او می مانیم **Biz onda kalıyoruz**

توجه: قواعد گفته شده در بالا در زبان (ت. آ) هم رعایت می گردد.

۲- وضعیت دور شدن ----- uzaklaşma durumu

در جواب **nereden?/ kimden?** (از چه کسی؟/از کجا؟) استفاده میگردد: **ad+dan/den**

توجه: در فرمول فوق اگر آخرین حرف باصدای اسم (**ad**)، **kalın** باشد **dan** و اگر **ince** باشد **den** بکار میرود.

توجه: در زبان (ت. آ) فرمول فوق در جواب **hardan?/ kimden?** (از چه کسی؟/از کجا؟) بکار میرود.

توجه: در فرمول فوق اسم (**ad**)، در جمله در نقش متمم (**tümleç**) بکار میرود.

مثال:

مادرت از پنجره به ما نگاه میکند **Annen pencereden bize bakıyor**
گوشت را از قصاب، نان را از بقال میخریم **Eti kasaptan, ekmeği bakkaldan alıyoruz**

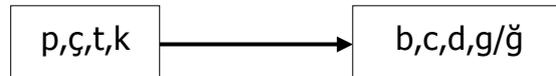
قاعده ünsüz yumuşaması (نرم شدن حرف بی صدا): اگر آخر کلمه ای، یکی از حروف (pçtk) باشد و به این کلمه بخواهیم یک حرف صدadar اضافه کنیم p به b تبدیل میگردد و ç به c تبدیل میگردد و t به d تبدیل میگردد و k به g/ğ تبدیل میگردد.

مگر اسامی خاص (اسامی که با حرف بزرگ شروع می شوند) مانند:

Ahmet'e به احمد

و نیز اغلب کلمات تک هجائی مانند: ساقه اش sapi، به گوشت ete، مویش saçı.

و همچنین اغلب کلمات خارجی مانند: به حقوق hukuka



مانند: dolap (کمد را) که تبدیل به dolabi میگردد.

توجه: در مثال قبل از قاعده نیز طبق این قاعده ekmeği به ekmeki تبدیل شده است.

توجه: اگر بخواهیم به o dan اضافه کنیم بصورت o+n+dan خواهد بود. مانند:

از او کتاب میگیرم Ondan kitap alıyorum

توجه: قواعد گفته شده در بالا در زبان (ت. آ) هم رعایت می گردد.

۳- وضعیت جهت گیری ----- yönelme durumu

در جواب nereye?/ kime? (به چه کسی؟/به کجا؟) استفاده می‌گردد: ad+a/e

توجه: در فرمول فوق اگر آخرین حرفِ باصدای اسم (ad)، kalın باشد a و اگر ince باشد e بکار می‌رود.

توجه: در زبان (ت. آ) فرمول فوق در جواب hara?/ kime? (به چه کسی؟/ به کجا؟) بکار می‌رود.

توجه: در فرمول فوق اسم (ad)، در جمله در نقش متمم (tümlec) بکار می‌رود.

مثال:

Babam akşam eve geç dönüyor پدرم عصر دیر به خانه برمی‌گردد
Yolcular uçacağına biniyorlar مسافران سوار هواپیما می‌شوند

توجه: uçaka طبق قاعده ünsüz yumuşaması تبدیل به uçacağına شده است.

توجه: اگر بخواهیم به a, o اضافه کنیم بصورت o+n+a خواهد بود. مانند:

Siz ona hediye alıyor musunuz? شما برای او هدیه می‌خرید؟

نکته: اگر بخواهیم به e, ben/sen اضافه نمائیم بصورت bana/sana خواهد بود. مانند:

Bana elma ver

به من سیب بده

Bu kitabı sana veriyorum

این کتاب را به تو می‌دهم

توجه: قواعد گفته شده در بالا در زبان (ت. آ) هم رعایت می‌گردد فقط موقع اضافه نمودن e به men/sen

تبدیلی نخواهیم داشت: mene/sene.

۴- وضعیت تصریح: بعدا گفته خواهد شد.

eylem (fiil) ----- **فعل**

انجام کار را می رساند که میتوان با اضافه نمودن مثلا mak/mek به آن مصدر ساخت.

şimdiki zaman ----- **زمان حال**

بر وقوع فعل در زمان حال دلالت می کند.

olumlu ----- ۱- مثبت

eylem+u/ü/I/İ+yor+kışı eki

توجه: در فرمول فوق

u زمانی می آید که در eylem آخرین حرف باصدا u/o باشد و
 ü زمانی می آید که در eylem آخرین حرف باصدا ü/ö باشد و
 I زمانی می آید که در eylem آخرین حرف باصدا I/a باشد و
 İ زمانی می آید که در eylem آخرین حرف باصدا İ/e باشد و
 ları زمانی می آید که در eylem آخرین حرف باصدا kalın باشد و
 leri زمانی می آید که در eylem آخرین حرف باصدا ince باشد.
 و دلیل آن هم رعایت قاعده ünlü uyumu میباشد.

چند مثال:

buluyorsunuz	پیدا می کنید
ölüyorum	می میرم
gidiyorsun	می روی
alıyoruz	میگیریم
seyrediyor	تماشا می کند
yyiyorlar	می خورند

توجه: موقع ساختن زمان حال مثبت، اگر آخرین حرف eylem، باصدا باشد ابتدا حرف باصدا حذف شده سپس از فرمول استفاده می گردد مانند:

Lokantada yemek yyiyor در رستوران غذا می خورد

olumsuz ----- ۲- منفی

eylem+mu/mü/mI/mİ+yor+kişi eki

مثال:

Ben hiç türkçe bilmiyorum (من اصلا ترکی نمی دانم (بلد نیستم)

olumlu soru ----- ۳- سوالی مثبت

eylem+u/ü/I/İ+yor mu+kişi eki? (غیر از سوم شخص جمع)

eylem+u/ü/I/İ+yor+lar mı? (سوم شخص جمع)

مثال:

Sabahları kahvaltı yapıyor musun? (صبحها (صبح) صبحانه درست می کنی؟

olumsuz soru ----- ۴- سوالی منفی

eylem+mu/mü/mI/mİ+yor mu+kişi eki? (غیر از سوم شخص جمع)

eylem+mu/mü/mI/mİ+yor+lar mı? (سوم شخص جمع)

مثال:

Sen hiç kitap okumuyor musun? (تو اصلا کتاب نمی خوانی؟)

مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	seviyorum	sevmiyorum	seviyor muyum?	sevmiyor muyum?
sen	seviyorsun	sevmiyorsun	seviyor musun?	sevmiyor musun?
o	seviyor	sevmiyor	seviyor mu?	sevmiyor mu?
biz	seviyoruz	sevmiyoruz	seviyor muyuz?	sevmiyor muyuz?
siz	seviyorsunuz	sevmiyorsunuz	seviyor musunuz?	sevmiyor musunuz?
onlar	seviyorlar	sevmiyorlar	seviyorlar mı?	sevmiyorlar mı?

که مثلا **seviyorum** (دوست دارم)، **seviyorsun** (دوست داری)،
seviyor (دوست دارد)، **seviyoruz** (دوست داریم)،
seviyorsunuz (دوست دارید)، **seviyorlar** (دوست دارند) میشود.

نکته: همانطوریکه در جدول فوق هم می بینید **mu/mü/mı/mi** ادات پرسش است که به صورت جدا نوشته می شود و فقط پسوندهای بعد از **mu/mü/mı/mi** به آن می چسبند.

توجه: موقع ساختن زمان حال سوالی مثبت، اگر آخرین حرف **eylem** باصدا باشد ابتدا حرف باصدا حذف شده سپس از فرمول استفاده می گردد مانند:

در رستوران غذا می خورد؟ **Lokantada yemek yiyor mu?**

توجه: در افعالی مانند **git, et, tat** موقع ساختن زمان حال، **t** تبدیل به **d** می شود (طبق قاعده **ünsüz yumuşaması** که بعدا گفته خواهد شد). مانند:

Her akşam iki saat televizyon seyrediyorum

عصرها دو ساعت تلویزیون تماشا می کنم

تعطیلات کجا میروی؟ **Tatilde nereye gidiyorsun?**

قاعده **kaynaşma** (پیوند) بوسیله حروف **ünsüz** (بیصدا): در زبان ترکی دو حرف صدادار پشت سر هم نمی آیند و در صورت لزوم یکی از حروف (**y, s, ş, n**) بینشان قرار میگیرد. مانند:

dereyi رود را

annesini مادرش

buşu این را

ikişer هرکدام دو تا

توجه: همانطوریکه می بینید در جدول قبل در **seviyor muyuz** هم **y** طبق قاعده **kaynaşma** بین دو حرف **u** قرار گرفته است.

توجه: در زبان (ت. آ) در زمان حال مثبت، فرمول زیر بکار می‌رود:

$eylem+(y)u/\ddot{u}/I/\ddot{I}+r+ki\ddot{s}i\ eki$

که y زمانی بکار می‌رود که آخرین حرف $eylem$ ، باصدا باشد.

در زمان حال منفی نیز فقط بجای yor از r استفاده می‌شود یعنی:

$eylem+mu/m\ddot{u}/mI/m\ddot{I}+r+ki\ddot{s}i\ eki$

بدیهی است که $ki\ddot{s}i\ eki$ ، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش

$(Ki\ddot{s}i\ ekleri$

همچنین $mu/m\ddot{u}/mI/m\ddot{I}$ ادات پرسش در (ت. آ) کمتر استفاده می‌گردد و از لحن جمله متوجه سوالی بودن

جمله خواهیم شد.

مثال:

men gelirem من می‌آیم

alırsan می‌گیری

olur می‌شود

ölürük می‌میریم

gelmirsiz نمی‌آید

olar gelirler? آنها می‌آیند؟

بقیه موارد و قواعد گفته شده در فوق نیز در ترکی آذر بایجانی وجود دارد.

emir kipi ----- صیغه امر

بر امر و نهی دلالت می کند.

olumlu ----- ۱- مثبت

ben	eylem+(y)a/e+y+ım/im
sen	eylem
o	eylem+sun/sün/sın/sin
biz	eylem+(y)a/e+lım/lim
siz	eylem+(y)un/ün/ın/in/unuz/ünüz/ınız/iniz
onlar	eylem+sun/sün/sın/sin+lar/ler

مثال: در امتحان قلم سربی (مداد) استفاده کنید kullanın Sınavda kurşun kalem

توجه: در برخی موارد این صیغه در مفهوم آرزو (dilek) بکار می رود مانند:

Tanrım, bana yardım et

خدای من، کمکم کن

Dünyada hiç aç insan olmasın

ای کاش در دنیا هیچ انسان گرسنه ای نباشد (پیدا نشود)

توجه: در (ت. آ) معمولاً در اول شخص مفرد از فرمول $eylem+(y)um/üm/ım/im$ و بجای $lım/lim$ در اول شخص جمع k و یا در بعضی مناطق مانند اورمیّه $ğın/ğin$ استفاده می گردد. نیز در siz از $eylem+(y)un/ün/ın/in/uz/üz/ız/iz$ استفاده می گردد بقیه موارد مشابه فوق است.

olumsuz

۲- منفی

ben	eylem+ma/me+y+a/e+y+ım/im
sen	eylem+ma/me
o	eylem+ma/me+sın/sin
biz	eylem+ma/me+y+a/e+lım/lim
siz	eylem+ma/me+y+ın/in/ınız/iniz
onlar	eylem+ma/me+sın/sin+lar/ler

مثال: در کلاس سیگار نکشید ıçmeyin Sınıfta sigara

توجه: در (ت. آ) معمولاً در اول شخص مفرد از فرمول eylem+ma/me+y+ım/im و بجای lım/lim در اول شخص جمع k و یا در بعضی مناطق مانند اورمییه ğın/ğin استفاده می‌گردد. نیز در siz از eylem+ma/me+y+ın/in/ınız/iniz استفاده می‌گردد بقیه موارد مشابه فوق است.

olumlu soru

۳- سوالی مثبت

ben	eylem+(y)a/e+y+ım/im mı/mi?
o	eylem+sun/sün/sın/sin mu/mü/mı/mi?
biz	eylem+(y)a/e+lım/lim mı/mi?
onlar	eylem+sun/sün/sın/sin+lar/ler mı/mi?

مثال: Anne, babam telefonda soruyor. Ekmek alsın mı?

مادر، پدرم در تلفن میپرسد. نان بخرد؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu soru مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

ben	eylem+ma/me+y+a/e+y+ım/im mı/mi?
o	eylem+ma/me+sın/sin mı/mi?
biz	eylem+ma/me+y+a/e+lım/lim mı/mi?
onlar	eylem+ma/me+sın/sin+lar/ler mı/mi?

مثال:

Niçin itiraz ediyorsunuz? Öğretmenler yanlışlarınızı söylemesinler mi?

چرا اعتراض میکنید؟ معلمها اشتباهاتتان را نگویند؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz است بعلاوه یک علامت سوال.

یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	gideyim	gitmeyeyim	gideyim mi?	gitmeyeyim mi?
sen	git	gitme	-	-
o	gitsin	gitmesin	gitsin mi?	gitmesin mi?
biz	gidelim	gitmeyelim	gidelim mi?	gitmeyelim mi?
siz	gidin/gidiniz	gitmeyin/gitmeyiniz	-	-
onlar	gitsinler	gitmesinler	gitsinler mi?	gitmesinler mi?

که مثلا gideyim (بروم)، git (برو)، gitsin (برود)،

gidelim (برویم)، gidin/gidiniz (بروید)، gitsinler (بروند) میشود.

istek kipi ----- **صيغه خواست، طلب**

خواست و طلب را می‌رساند.

olumlu ----- **۱- مثبت**

ben	eylem+(y)a/e+y+ım/im
biz	eylem+(y)a/e+lım/lim
بقیه	eylem+(y)a/e+kişi eki

مثال:

Akşam birlikte sinamaya gidelim عصر باهم به سینما برویم

توجه: این صیغه غیر از خواست، می‌تواند مفهوم ضرورت (gereklilik) یا نصیحت (öğüt) نیز داشته باشد مانند:

Kimsesizlere yardım edelim (öğüt)

به بی‌کسان کمک کنیم (نصیحت)

Derslerimize düzenli çalışalım (gereklilik)

باید درسهایمان را منظم بخوانیم (ضرورت)

توجه: در(ت. آ) معمولا در اول شخص مفرد از فرمول **eylem+(y)am/em** و بجای **lım/lim** در اول شخص جمع **k** و یا در بعضی مناطق مانند اورمیه **ğın/ğın** استفاده می‌گردد بقیه موارد مشابه فوق است. بدیهی است که **kişi eki** در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**) مانند:

gelem، **biyelim**، **gelek**، **alok**، **alok** بگیرم، **alam** بگیرم

در (ت. آ) معمولا بجای صیغه آرزو (**dilek kipi**) از این صیغه استفاده می‌گردد.

olumsuz

۲- منفی

ben	eylem+ma/me+y+a/e+y+ım/im
biz	eylem+ma/me+y+a/e+lım/lim
بقیه	eylem+ma/me+y+a/e+kişi eki

مثال: خیلی خسته ام، دیگه کار نکنم Çok yorgunum, artık çalışmayım

توجه: در(ت. آ) معمولا در اول شخص مفرد از فرمول eylem+ma/me+y+am/em و بجای lim/lim در اول شخص جمع k و یا در بعضی مناطق مانند اورمییه ğın/ğin استفاده می گردد بقیه موارد مشابه فوق است. بدیهی است که kişi eki، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش Kişi ekleri) مانند:

نیایم gelmeyem، نیاییم gelmeyek، نگیریم almayak، نگیرم almayam
در (ت. آ) معمولا بجای صیغه آرزو (dilek kipi) از این صیغه استفاده می گردد.

olumlu soru

۳- سوالی مثبت

ben	eylem+(y)a/e+y+ım/im mı/mi?
sen,o,siz	eylem+(y)a/e mı/mi+kişi eki?
biz	eylem+(y)a/e+lım/lim mı/mi?
onlar	eylem+(y)a/e+lar/ler mı/mi?

مثال: Sınav notum çok kötü. Sence öğretmenle konuşayım mı?

نمره امتحانی ام خیلی بد است. به نظر تو با معلم صحبت کنم؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu soru مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

ben	eylem+ma/me+y+a/e+y+ım/im mı/mi?
sen,o,siz	eylem+ma/me+y+a/e mı/mi+kişi eki?
biz	eylem+ma/me+y+a/e+lım/lim mı/mi?
onlar	eylem+ma/me+y+a/e+lar/ler mı/mi?

مثال: Görmüyor musun? Kırmızı ışık yanıyor, durmayayım mı?

نمی بینی؟ چراغ قرمز روشن است، نایستم؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	gideyim	gitmeyeyim	gideyim mi?	gitmeyeyim mi?
sen	gidesin	gitmeyesin	gide misin?	gitmeye misin?
o	gide	gitmeye	gide mi?	gitmeye mi?
biz	gidelim	gitmeyelim	gidelim mi?	gitmeyelim mi?
siz	gidesiniz	gitmeyesiniz	gide misiniz?	gitmeye misiniz?
onlar	gideler	gitmeyeler	gideler mi?	gitmeyeler mi?

که مثلا gideyim (بروم)، gidesin (بروی)، gide (برود)، gidelim (برویم)، gidesiniz (بروید)، gideler (بروند) میشود.

جملات اسمی ----- **ad tümceleri**

جملاتی هستند که در فعل (مسند) آنها، اسم یا کلمه ای از خانواده اسم وجود داشته باشد.

۱- مثبت ----- **olumlu**

ad/sıfat+kişi eki

مثال:

Ben yirmi dokuz yaşındayım ve Ankara Üniversitesi'nde doktorum

من ۲۹ ساله ام و در دانشگاه آنکارا دکترم

Çocuklar çok sevimpliler بچه ها خیلی دوست داشتنی اند

Siz çok iyi bir öğretmensiniz شما یک معلم خیلی خوبی هستید

توجه: در (ت. آ) نیز مشابه فوق است فقط بعد از **ad/sıfat** در سوم شخص مفرد یا جمع یک **du/dü/dı/di**

هم معمولا اضافه می گردد (البته این **du/dü/dı/di** در اصل **dur/dür/dır/dir** می باشد).

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش

Kişi ekleri) مانند:

زیبایم **gözelem**، زیبائی **gözelsen**، زیباست **gözel/gözeldi**

زیباییم **gözelik**، زیبائید **gözelsiz**، زیبایند **gözeldiler**

مثال:

Ben yirmi dokuz yaşındayam ve Ankara Üniversitesi'nde doktoram

من ۲۹ ساله ام و در دانشگاه آنکارا دکترم

Uşaklar çok sevimplidiler بچه ها خیلی دوست داشتنی اند

Siz çok iyi bir öğretmensiz شما یک معلم خیلی خوب هستید

۲- منفی ----- **olumsuz**

ad/sıfat değil+kişi eki

مثال:

Sen benim dostumsun, düşmanım değilsin تو دوست منی، دشمنم نیستی

O çok çalışıyor, tembel değil او زیاد کار می کند، تنبل نیست

توجه: در (ت. آ) نیز مشابه فوق است.

قاعده **ünsüz uyumu** (تطابق حرف بی صدا): اگر بعد از n حرف b بیاید n به m تبدیل می‌گردد مثلاً tenbel (تنبل) به tembel, penbe (صورتی) به pembe تبدیل می‌شود.

توجه: در مثال قبل از قاعده نیز tenbel طبق این قاعده تبدیل به tembel شده است.

توجه: در (ت. آ) نیز قاعده فوق صادق است.

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru

ad/sıfat mu/mü/mı/mi+kişi eki?

فقط در سوم شخص جمع بصورت mı/mi? ad/sıfat+lar/ler خواهد شد.

مثال:

Siz alman mısınız? شما آلمانی هستید؟

Türkiye'nin en kalabalık şehri İstanbul mu?

شلوغترین شهر ترکیه استانبول است؟

توجه: در (ت. آ) معمولاً ادات پرسش وجود ندارد و بعد از ad/sıfat در سوم شخص مفرد یا جمع یک du/dü/dı/di هم اضافه می‌گردد (البته این du/dü/dı/di در اصل dur/dür/dır/dir می‌باشد) مانند:

زیبایم؟ gözelem، زیبائی؟ gözelsen، زیباست؟ gözeldi؟

زیباییم؟ gözelik، زیبائید؟ gözelsiz، زیبایند؟ gözeldiler؟

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

ad/sıfat değil mi+kişi eki?

فقط در سوم شخص جمع بصورت ad/sıfat değil mi? خواهد شد.

مثال:

Onların yüzü hiç gülmüyor. Mutlu değiller mi?

روی آنها اصلاً نمی خندد. شاد نیستند؟

Niçin bana her şeyi anlatmıyorsun? Dostun değil miyim?

چرا هر چیزی را به من نمی گوئی؟ من دوستت نیستم؟

توجه: در (ت. آ) نیز قاعده فوق صادق است غیر از اینکه ادات پرسش وجود ندارد.

یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	güzelim	güzel değilim	güzel miyim?	güzel değil miyim?
sen	güzelsin	güzel değilsin	güzel misin?	güzel değil misin?
o	güzel	güzel değil	güzel mi?	güzel değil mi?
biz	güzeliz	güzel değiliz	güzel miyiz?	güzel değil miyiz?
siz	güzelsiniz	güzel değilsiniz	güzel misiniz?	güzel değil misiniz?
onlar	güzeller	güzel değiller	güzeller mi?	güzel değiller mi?

که مثلاً güzelim (زیبایم)، güzelsin (زیبایی)، güzel (زیباست)، güzeliz (زیباییم)، güzelsiniz (زیبایید)، güzeller (زیبایند) میشود.

توجه: جملاتی که فعلشان var (هست، وجود دارد)، yok (نیست، وجود ندارد) باشد نیز جملات اسمی اند مانند:

Kitabın var کتابت هست (کتاب داری)

Kitabın yok کتابت نیست (کتاب نداری)

زمان گذشته صریح ----- belirli geçmiş zaman

بر خلاف زمان گذشته غیر صریح، قطعیت را در زمان گذشته می رساند.
این زمان را **görülen** (شهودی) نیز می گویند.

۱- مثبت ----- olumlu

eylem+du/dü/dı/di+kişi eki

مثال:

Dün gece çok yağmur yağdı دیشب خیلی باران بارید
Geçen yıl tatilde nereye gittiniz? پارسال تعطیلات کجا رفتید؟

توجه: همانطور که در مثال فوق مشاهده می کنید با اینکه جمله سوالی است از فعل مثبت استفاده شده است چون در جمله ضمیر سوالی (**sozu adlı**) یعنی **nereye** وجود دارد.

یادآوری: در مثال فوق، چون آخرین حرف **eylem** یکی از حروف **fstkçşhp** می باشد **di** به **ti** تبدیل شده است.

توجه: در (ت. آ) نیز زمان گذشته صریح مثبت دقیقا مثل فوق است.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**) مانند:

پارسال تعطیلات کجا رفتید؟ **Geçen il tetilde hara gettiz?**

۲- منفی ----- olumsuz

eylem+ma/me+dı/di+kişi eki

مثال:

Hindistan'a daha önce hiç gitmedim قبلا به هندوستان اصلا نرفتم
Siz geçen hafta beni aramadınız شما هفته پیش به من زنگ نزدید

توجه: در (ت. آ) نیز زمان گذشته صریح منفی دقیقا مثل فوق است.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**) مانند:

Siz geçen هفته beni aramadız شما هفته پیش به من زنگ نزدید

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru
 olumlu mu/mü/mı/mi?

مثال:

Anneler günü için annene hediye aldın mı?

برای مادرت هدیه روز مادر خریدی؟

Şimdiye kadar hiç türk kahvesi ıçtin mi? تا حالا اصلا قهوه ترک خوردی؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu soru مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

İndiye kadar hiç türk kahvesi ıçtin? تا حالا اصلا قهوه ترک خوردی؟

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru
 olumsuz mı/mi?

مثال:

Dün gece yağmur yağmadı mı?

دیشب باران نبارید؟

Şimdiye kadar hiç tatil yapmadınız mı? تا به حال اصلا تعطیل نکردید؟ (به تعطیلات نرفتید؟)

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

İndiye kadar hiç tetil etmediz? تا به حال اصلا تعطیل نکردید؟ (به تعطیلات نرفتید؟)

یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	aldım	almadım	aldım mı?	almadım mı?
sen	aldın	almadın	aldın mı?	almadın mı?
o	aldı	almadı	aldı mı?	almadı mı?
biz	aldık	almadık	aldık mı?	almadık mı?
siz	aldınız	almadınız	aldınız mı?	almadınız mı?
onlar	aldılar	almadılar	aldılar mı?	almadılar mı?

که مثلا aldım (گرفتم)، aldın (گرفتی)، aldı (گرفت).

aldık (گرفتیم)، aldınız (گرفتید)، aldılar (گرفتند) میشود.

گذشته صریح در جملات اسمی ----- belirli geçmiş ad tümcelerinde

۱- مثبت ----- olumlu

ad/sıfat+(y)du/dü/dı/di+kişi eki

که Y زمانی بکار می رود که آخرین حرف ad/sıfat باصدا (ünlü) باشد.

مثال:

Gençliğinde çok güzel bir kızdı در جوانی اش دختر خیلی زیبایی بود
Dün çok yorgundunuz. Şimdi nasılsınız? دیروز خیلی خسته بودید. الان چطورید؟

توجه: در (ت. آ)، گذشته صریح مثبت در جملات اسمی با اندکی تغییر بصورت زیر نیز خواهد

ad/sıfat+y/uy/üy/ıy/iy/u/ü/ı/i+du/dü/dı/di+kişi eki بود:

که Y زمانی بکار می رود که آخرین حرف ad/sıfat باصدا (ünlü) باشد در غیر اینصورت یا uy/üy/ıy/iy
بکار می رود و یا u/ü/ı/i استفاده می شود.

بدیهی است که kişi eki، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه
به بخش Kişi ekleri).

مثال:

Gençliğinde çok güzel bir kızdı/ Gençliğinde çok güzel bir kızıydı

در جوانی اش دختر خیلی زیبایی بود
Dünen çok yorgunuduz./ Dünen çok yorgunuyduz. İndi necesiz?

دیروز خیلی خسته بودید. الان چطورید؟

۲- منفی ----- olumsuz

ad/sıfat değil+di+kişi eki

مثال:

Üniversitede hiç çalışkan bir öğrenci değildim

در دانشگاه اصلاً دانشجوی کوشایی نبودم

Daha önce bu kadar zayıf değildin قبلاً این قدر ضعیف نبودى

توجه: در (ت. آ)، گذشته صریح منفی در جملات اسمی دقیقاً مثل فوق است.
 بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**) مانند:

Üniversitede hiç çalışkan bir öğrenci değildim

در دانشگاه اصلاً دانشجوی کوشایی نبودم

Üniversitede hiç çalışkan bir öğrenci değildiz

در دانشگاه اصلاً دانشجوی کوشایی نبودید

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru

ad/sıfat mu/mü/mı/mi+y+du/dü/dı/di+kişi eki?

مثال:

امتحان دیروز سخت بود؟ **Dünkü sınav zor muydu?**

شما در دبیرستان دوست هم کلاسی بودید؟ **Siz lisede sınıf arkadaşımı mıydınız?**

توجه: در (ت. آ)، **olumlu soru** مشابه **olumlu** در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

شما در دبیرستان دوست هم کلاسی بودید؟ **Siz lisede sınıf arkadaşınız mıydınız?**

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

ad/sıfat değil mi+y+di+kişi eki?

مثال:

Bu öğrencinin kağıdı çok kötü. Sınıfın en çalışkanı değil miydi?

برگه این دانشجو خیلی بد است. کوشاترین فرد کلاس نبود؟

Sorularımın cevabını bilmiyorsun. Sen Türkçe öğretmeni değil miydin?

جواب سوالاتم را نمی دانی. تو معلم زبان ترکی نبودی؟

توجه: در (ت. آ)، **olumsuz soru** مشابه **olumsuz** در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

Bu öğrencinin kağıdı çok kötü. Sınıfın lap çalışkanı değildi?

برگه این دانشجو خیلی بد است. کوشاترین فرد کلاس نبود؟

Sorularımın cevabını bilmiyorsun. Sen Türkçe öğretmeni değildin?

جواب سوالاتم را نمی دانی. تو معلم زبان ترکی نبودی؟

gelecek zaman ----- زمان آینده

بر وقوع فعل در زمان آینده دلالت می‌کند.

olumlu ----- مثبت ۱-

eylem+(y)a/e+cak/cek+kişi eki

توجه: موقع ساختن زمان آینده مثبت یا سوالی مثبت، اگر آخرین حرف **eylem**، حرف **e** باشد **e** تبدیل به **i** می‌شود مانند:

Lokantada yemek yiyecek در رستوران غذا خواهد خورد

توجه: در افعالی مانند **git, et, tat** موقع ساختن زمان آینده، **t** تبدیل به **d** می‌شود (طبق قاعده **ünsüz yumuşaması**). مانند:

Yarın sabah tekneyle Çeşme'ye gideceğim فردا صبح با قایق به شهر چشمه خواهیم رفت

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول فوق صادق است. بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**) مانند:

خواهم رفت **gideceğim**، خواهی رفت **gideceksen**، خواهد رفت **gidecek**.

خواهیم رفت **gideceğik**، خواهید رفت **gideceksiz**، خواهند رفت **gidecekler**.

olumsuz ----- ۲- منفی
eylem+ma/me+y+a/e+cak/cek+kişi eki

مثال:

Bundan sonra çok fazla kahve ıçmeyeceksin

بعد از این، زیاد قهوه نخواهی خورد

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول فوق صادق است. بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).
مانند:

Bundan sonra çok fazla kahve ıçmeyeceksen

بعد از این، زیاد قهوه نخواهی خورد

olumlu soru ----- ۳- سوالی مثبت

eylem+(y)a/e+cak/cek mı/mi+kişi eki? (غیر از سوم شخص جمع)
eylem+(y)a/e+cak/cek+lar/ler mı/mi? (سوم شخص جمع)

مثال:

Bu akşam benimle partiye gelecek misin? عصر با من به مهمانی خواهی آمد؟

توجه: در (ت. آ)، **olumlu soru** مشابه **olumlu** در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

Bu akşam bennen partiye geleceksen? عصر با من به مهمانی خواهی آمد؟

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

eylem+ma/me+y+a/e+cak/cek mı/mi+kişi eki? (غیر از سوم شخص جمع)
 eylem+ma/me+y+a/e+cak/cek+lar/ler mı/mi? (سوم شخص جمع)

مثال:

امروز غذا درست نخواهیم کرد؟ Bugün yemek yapmayacak mıyız?

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

امروز غذا درست نخواهیم کرد؟ Bugün yemek yapmayacağız?

یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	geleceğim	gelmeyeceğim	gelecek miyim?	gelmeyecek miyim?
sen	geleceksin	gelmeyeceksin	gelecek misin?	gelmeyecek misin?
o	gelecek	gelmeyecek	gelecek mi?	gelmeyecek mi?
biz	geleceğiz	gelmeyeceğiz	gelecek miyiz?	gelmeyecek miyiz?
siz	geleceksiniz	gelmeyeceksiniz	gelecek misiniz?	gelmeyecek misiniz?
onlar	gelecekler	gelmeyecekler	gelecekler mi?	gelmeyecekler mi?

که مثلا geleceğim (خواهم آمد)، geleceksin (خواهی آمد)، gelecek (خواهد آمد)، geleceğiz (خواهیم آمد)، geleceksiniz (خواهید آمد)، gelecekler (خواهند آمد) میشود.

gelecek ad tümcelerinde ----- آینده در جملات اسمی

olumlu ----- ۱- مثبت

ad/sıfat ol+a+cak+kişi eki

مانند:

olacaksın خواهی شد، olacağım خواهم شد
olacak خواهد شد، olacağız خواهیم شد
olacaksınız خواهید شد، olacaklar خواهند شد

مثال:

Bundan sonra her şey daha iyi olacak بعد از این، همه چیز بهتر خواهد شد

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول فوق صادق است. بدیهی است که kişi eki، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش Kişi ekleri) مانند:

olacaksan خواهی شد، olacağam خواهم شد
olacağık خواهیم شد، olacak خواهد شد
olacaksınız خواهید شد، olacaklar خواهند شد

olumsuz ----- ۲- منفی

ad/sıfat ol+ma+y+a+cak+kişi eki

مانند:

olmayacaksın نخواهی شد، olmayacağım نخواهم شد
olmayacak نخواهد شد، olmayacağız نخواهیم شد
olmayacaksınız نخواهید شد، olmayacaklar نخواهند شد

مثال:

Para konusu sorun olmayacak موضوع پول، مشکلی نخواهد بود

توجه: در (ت. آ)، نیز فرمول فوق صادق است. بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).
مانند:

نخواهم شد **olmayacağam**، نخواهی شد **olmayacaksan**.
نخواهد شد **olmayacak**، نخواهیم شد **olmayacağız**.
نخواهید شد **olmayacaksınız**، خواهند شد **olmayacaklar**.

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru

ad/sıfat ol+a+cak mı+kişi eki? (غیر از سوم شخص جمع)
ad/sıfat ol+a+cak+lar mı? (سوم شخص جمع)

مانند:

خواهم شد؟ **olacak mıyım?**، خواهی شد؟ **olacak mısın?**
خواهد شد؟ **olacak mı?**، خواهیم شد؟ **olacak mıyız?**
خواهید شد؟ **olacak mısınız?**، خواهند شد؟ **olacaklar mı?**

مثال:

امروز وقت خالی خواهید داشت؟ **Bugün boş vaktiniz olacak mı?**

توجه: در (ت. آ)، **olumlu soru** مشابه **olumlu** در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:
خواهم شد؟ **olacağam?**، خواهی شد؟ **olacaksan?**
خواهد شد؟ **olacak?**، خواهیم شد؟ **olacağız?**
خواهید شد؟ **olacaksınız?**، خواهند شد؟ **olacaklar?**

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

ad/sıfat ol+ma+y+a+cak mı+kışi eki? (غیر از سوم شخص جمع)
ad/sıfat ol+ma+y+a+cak+lar mı? (سوم شخص جمع)

مانند:

olmayacak mısın? نخواهی شد؟
olmayacak mıyım? نخواهم شد؟
olmayacak mı? نخواهد شد؟
olmayacaklar mı? نخواهند شد؟

مثال:

Sizce bu davranışımız yanlış olmayacak mı?

بنظر شما این رفتارمان اشتباه نخواهد بود؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

olmayacağam? نخواهم شد؟
olmayacaksan? نخواهی شد؟
olmayacak? نخواهد شد؟
olmayacaksınız? نخواهند شد؟

زمان گذشته غیر صریح ----- belirsiz geçmiş zaman

بر خلاف زمان گذشته صریح، عدم قطعیت در گذشته را می رساند (ماضی نقلی یا غیر شهودی).
این زمان را **duyulan** (شنیده شده) نیز می گویند (از دیگری شنیده شده) مانند:

Ben Selim. Dün otuz yaşına girdim

من سلیم هستم. دیروز وارد ۳۰ سال شدم

Selim dün otuz yaşına girmiş

سلیم دیروز وارد ۳۰ سال شده است

این صیغه برای فعلی که بصورت غیر ارادی انجام شده نیز بکار می رود مانند:

Öyle bir dalmışız ki, sabah olmuş

خوابمان برده و بدون اینکه بفهمیم صبح شده

Bir de ne diyeyim herkes gitmiş

دیگر چی بگویم، همه رفته اند

همچنین این صیغه در وضعیتهای شاهد بودن برای تحقق یک فعل بکار می رود مانند:

Eline sağlık, çayda çay olmuş

دستت درد نکند، چایی هم عجب چایی شده

Kısa sürede iyice yıpranmışsın

در مدت کمی، حسابی شکسته شده ای

یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	çmişim	çmemişim	çmiş miyim?	çmemiş miyim?
sen	çmişsin	çmemişsin	çmiş misin?	çmemiş misin?
o	çmiş	çmemiş	çmiş mi?	çmemiş mi?
biz	çmişiz	çmemişiz	çmiş miyiz?	çmemiş miyiz?
siz	çmişsiniz	çmemişsiniz	çmiş misiniz?	çmemiş misiniz?
onlar	çmişler	çmemişler	çmişler mi?	çmemişler mi?

که مثلا **çmişim** (خورده ام)، **çmişsin** (خورده ای)، **çmiş** (خورده است)،
çmişiz (خورده ایم)، **çmişsiniz** (خورده اید)، **çmişler** (خورده اند) میشود.

olumlu ----- ۱- مثبت

eylem+muş/müş/mış/miş+kişi eki

مثال:

Aa!Ceketimin düğmesi kopmuş آا! دگمه ژاکتم کنده شده
Maçta iki takımın taraftarları kavga etmiş ve birçok kişi yaralanmış
در مسابقه طرفداران دو تیم دعوا کرده و تعداد زیادی آدم زخمی شده اند

توجه: همانند مثال فوق کلمات **birçok** (مقدار زیادی، تعداد زیادی)، **birkaç** (تعدادی، چندتایی)، **biraz** (یک کمی)، **hiçbir** (هیچ یک)، **bugün** (امروز)، **herhangi** (هر کدام) چسبیده نوشته می شوند.
در مورد کلمه **birtakım** هم اگر بمعنی (دسته ای، مقداری، نوعی) باشد چسبیده ولی اگر **bir** آن بعنوان عدد باشد که بتوان عدد دیگری هم بجایش گذاشت، جدا نوشته میشود مانند:
یک دست مبل **bir takım koltuk**
دو دست مبل **iki takım koltuk**

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق در اول شخص مفرد و اول شخص جمع بکار میرود
در بقیه غیر از فرمول فوق از فرمول:

eylem+(y)up/üp/ıp/ip+kişi eki (غیر از اول شخص)

نیز استفاده می گردد.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

مثلا

içmişem (خورده ام)، **içmişsen/içipsen** (خورده ای)، **içmiş/içip** (خورده است)،
içmişik (خورده ایم)، **içmişsiz/içipsiz** (خورده اید)، **içmişler/içipler** (خورده اند) میشود.

مثال:

Aa!Ceketimin düğmesi kopup (kopmuş) آا! دگمه ژاکتم کنده شده

olumsuz

۲- منفی

eylem+ma/me+mış/miş+kişi eki

مثال:

Çiçekleri vazoya koymamışsın, hepsi solmuş

گلها را گلدان نگذاشته ای، همه اش پژمرده شده است

Haberlerde duydum, bu yıl Güneydoğu'ya hiç yağmur yağmamış

در خبرها شنیدم، امسال جنوب شرقی کشور اصلاً باران نباریده

توجه: همانند مثال فوق اسامی جهت (yön adları) اگر بصورت اسم بکار روند با حروف بزرگ شروع می شوند.

نیز اسامی جهت ترکیبی مانند güneydoğu همیشه بصورت چسبیده نوشته می شوند.

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق در اول شخص مفرد و اول شخص جمع بکار میرود در بقیه غیر از فرمول فوق از فرمول:

eylem+ma/me+y+ıp/ip+kişi eki (غیر از اول شخص)

نیز استفاده می گردد.

مثلاً

içmemişem (نخورده ام)، içmemişsen/içmeyipsen (نخورده ای)،

içmemiş/içmeyip (نخورده است)، içmemişik (نخورده ایم)،

içmemişsiz/içmeyipsiz (نخورده اید)، içmemişler/içmeyipler (نخورده اند) میشود.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

مثال:

Çiçekleri vazoya koymayıpsan, hamısı solup (koymamışsan)

گلها را گلدان نگذاشته ای، همه اش پژمرده شده است

Xeberlerde eşittim, bu il Güneydoğu'ya hiç yağış yağmayıp (yağmamış)

در خبرها شنیدم، امسال جنوب شرقی کشور اصلاً باران نباریده

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru

eylem+muş/müş/miş/miş mu/mü/mı/mi+kişi eki? (غیر از سوم شخص جمع)

eylem+muş/müş/miş/miş+lar/ler mı/mi? (سوم شخص جمع)

مثال:

Oğlum, ablanlara telefon et bakalım, İstanbul'dan dönmüşler mi?

پسرم، به خواهرت اینا تلفن کن ببینیم از استانبول برگشته اند؟

Ne dersiniz, öyküyü iyi yazmış mıyım?؟ ام؟ خوب نوشته ام؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu soru مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:

İçmişem? (خورده ام؟)، İçipsem?/ İçmişsen? (خورده ای؟)،

İçmişiz?/İçipiz? (خورده است؟)، İçmişik? (خورده ایم؟)،

İçmişsiz?/ İçipsiz? (خورده اید؟)، İçipler?/ İçmişler? (خورده اند؟) میشود.

مثال:

Oğlum, bacın gile telefon et görek, İstanbul'dan dönüpler? (dönmüşler?)

پسرم، به خواهرت اینا تلفن کن ببینیم از استانبول برگشته اند؟

Ne deyersiz, öyküyü iyi yazmışam?؟ ام؟ خوب نوشته ام؟

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

eylem+ma/me+mış/miş mı/mi+kişi eki? (غیر از سوم شخص جمع)

eylem+ma/me+mış/miş+lar/ler mı/mi? (سوم شخص جمع)

مثال:

Kızım, kardeşin hâlâ uyanmamış mı? دخترم، برادرت هنوز بیدار نشده است؟

Aaa! Yemeğe tuz atmamış mıyım? آآآ! به غذا نمک نزده ام؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال مانند:
içmemişem? (نخورده ام؟)، içmemişsen?/içmeyipsen? (نخورده ای؟)، içmemiş?/içmeyip?
(نخورده است؟)، içmemişik? (نخورده ایم؟)، içmemişsiz?/içmeyipsiz? (نخورده اید؟)،
içmemişler?/içmeyipler? (نخورده اند؟)

مثال:

Kızım, kardeşin hele uyanmayıp? (uyanmamış?)

دخترم، برادرت هنوز بیدار نشده است؟

Aaa! Yemeğe duz atmamışam? آآآ! به غذا نمک نزده ام؟

گذشته غیر صریح در جملات اسمی ----- **belirsiz geçmiş ad tümcelerinde**

۱- مثبت ----- olumlu

ad/sıfat+(y)muş/müş/miş/miş+kişi eki

که **y** زمانی بکار می رود که آخرین حرف **ad/sıfat** باصدا (ünlü) باشد.

مثال:

Duyduğuma göre, siz eskiden iyi bir futbolcuymuşsunuz

آنطور که شنیدم، شما از قدیم یک فوتبالیست خوبی بوده اید

توجه: در (ت. آ)، گذشته غیر صریح مثبت در جملات اسمی با اندکی تغییر بصورت زیر نیز خواهد بود:

ad/sıfat+y/uy/üy/iy/iy/u/ü/ı/i+muş/müş/miş/miş+kişi eki

که **y** زمانی بکار می رود که آخرین حرف **ad/sıfat** باصدا (ünlü) باشد در غیر اینصورت یا **uy/üy/iy/iy** بکار می رود و یا **u/ü/ı/i** استفاده می شود.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **(Kişi ekleri)**).

مثال:

Duyduğuma göre, siz eskiden iyi bir futbolcuymuşsuz

آنطور که شنیدم، شما از قدیم یک فوتبالیست خوبی بوده اید

olumsuz ----- ۲- منفی

ad/sıfat değil+miş+kişi eki

مثال:

Ankara soğuk, ama biraz önce annem telefon etti, Antalya soğuk değilmiş

آنکارا سرد است، اما مادرم یک کمی پیش زنگ زد، آنتالیا سرد نبوده است

توجه: در (ت. آ)، گذشته غیر صریح منفی در جملات اسمی دقیقاً مثل فوق است.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

olumlu soru ----- ۳- سوالی مثبت

ad/sıfat+(y)muş/müş/miş/miş mu/mü/mı/mi+kişi eki? غیرازسوم شخص جمع

ad/sıfat+(y)muş/müş/miş/miş+lar/ler mı/mi? (سوم شخص جمع)

که **y** بعد از **ad/sıfat**، زمانی بکار می رود که آخرین حرف **ad/sıfat**، باصدا (ünlü) باشد.

توجه: در (ت. آ)، **olumlu soru** مشابه **olumlu** در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

olumsuz soru ----- ۴- سوالی منفی

ad/sıfat değil+miş mi+kişi eki? (غیرازسوم شخص جمع)

ad/sıfat değil+miş+ler mi? (سوم شخص جمع)

توجه: در (ت. آ)، **olumsuz soru** مشابه **olumsuz** در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

حدس و پیش بینی (dır) ----- tahmin (dır)

eylem+u/ü/ı/i+yor+kişi eki+dur/dür/dır/dir
eylem+muş/müş/miş/miş+kişi eki+dur/dür/dır/dir
eylem+(y)a/e+cak/cek+kişi eki+dır/dir
ad/sıfat+dur/dür/dır/dir

البته در جدول فوق معمولاً اولی (زمان حال) برای احتمال، دومی (گذشته غیر صریح) برای احتمال یا قطعیت و سومی (زمان آینده) برای قطعیت استفاده می گردد.
مثالها:

Eminim , şimdi Kerem kütüphanede ders çalışıyordu

مطمئنم، الان کرم در کتابخانه درس می خواند

Bu tablonun ressamı bence Picasso'dur

نقاش این تابلو به نظر من پیکاسو است

Böyle lüks bir arabanın sahibi mutlaka zengindir

صاحب یک چنین ماشین لوکسی حتما ثروتمند است

Bence bu kompozisyonu Martin yazmamıştır. Bir Türk arkadaşına yazdırmıştır

بنظرم این انشا را مارتین ننوشته است. داده یک دوست ترکش نوشته

Çok geç kaldım, acaba ders başlamış mıdır?

خیلی دیر کردم، آیا درس شروع شده است؟

توجه: فرمولهای فوق در زبان (ت. آ) هم وجود دارند.

آگهی و مکاتبه (dır) ----- (dır) **duyuru, yazışma (dır)**

eylem+makta/mekte+kişi eki+dır/dir
eylem+muş/müş/miş/miş+kişi eki+dur/dür/dır/dir
eylem+(y)a/e+cak/cek+kişi eki+dır/dir
ad/sıfat+dur/dür/dır/dir

که سطر اول جدول فوق برای زمان حال استفاده می گردد.

مثالها:

Büyükelçimiz, Dışişleri bakanı ile görüşmektedir

سفیرکبیرمان با وزیرخارجه در حال ملاقات هستند

Kızılay'da en az ۱۶۰ metre karelik kiralık bir büro aranmaktadır

در کزلاي، دنبال یک دفتر کرایه ای حداقل ۱۶۰ مترمربعی هستیم

Firmamız için elemanlar alınacaktır

در شرکتمان نیروهایی گرفته خواهد شد

Adaylarda aşağıdaki özellikler aranmaktadır....Sınav İngilizcedir

در داوطلبین دنبال خصوصیات زیرهستیم...امتحان به زبان انگلیسی است

Lokantamız içkisizdir. Aile salonumuz vardır

رستورانمان بدون مشروب است. سالن خانوادگی موجود است

Mağazamızda mevsim sonu indirimi başlamıştır

در مغازه مان تخفیف آخر فصل شروع شده

توجه: فرمولهای فوق در زبان (ت. آ) هم وجود دارند.

geniş zaman ----- (مضارع) **زمان عمومی (مضارع)**

اگر فعلی بصورت عادت تکرار می شود آن را زمان عمومی (وسیع) گویند.

olumlu ----- مثبت ۱-

eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r+kişi eki

که اگر آخرین حرف **eylem**، باصدا (ünlü) باشد هیچکدام از **a/e/u/ü/ı/i** استفاده نمی شود ولی اگر آخرین حرف **eylem**، بی صدا (ünsüz) باشد در آن صورت:

اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **e** باشد از **e/i** و
اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **i** باشد از **e/i** و
اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **ü** باشد از **e/ü** و
اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **ö** باشد از **e/ü** و
اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **a** باشد از **a/ı** و
اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **ı** باشد از **a/ı** و
اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **u** باشد از **a/u** و
اگر آخرین حرف صدادار **eylem**، حرف **o** باشد از **a/u** استفاده می گردد.

مثال:

موجودات زنده به دنیا می آیند، بزرگ می شوند و می میرند **Canlılar doğar, büyür, ölür**
شاید فردا به پیکنیک می رویم (برویم) **Belki yarın pikniğe gideriz**
شنبه ها تا ساعت ده می خوابم **Cumartesileri ona kadar uyurum**

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق با اندکی تغییر بصورت زیر نیز خواهد بود:

eylem+(y)a/e+r+kişi eki

که **y** زمانی بکار می رود که آخرین حرف **eylem**، باصدا باشد.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

مثال:

موجودات زنده به دنیا می آیند، بزرگ می شوند و می میرند **Canlılar doğar, büyüyür, öler**
شاید فردا به پیکنیک می رویم (برویم) **Belki yarın pikniğe gederik**
شنبه ها تا ساعت ده می خوابم **Cumartesileri ona kadar yataram**

olumsuz

۲- منفی

ben	eylem+ma/me+m
sen/siz	eylem+ma/me/maz/mez+kişi eki
o/onlar	eylem+maz/mez+kişi eki
biz	eylem+ma/me+kişi eki

مثال:

Güzel resim yaparım, ama dans etmeyi bilmem

نقاشی، خوب می کشم ولی رقص کردن، نمی دانم (بلد نیستم)

Solmaz dedikodudan hiç hoşlanmaz

سولماز از سخن چینی هیچ خوشش نمی آید

Biz derse hiç geç kalmayız (نمی رویم) ما به مدرسه اصلا دیر نمی کنیم

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق دقیقا همان است فقط در ben/biz فرمول بصورت زیر نیز خواهد بود:

ben/biz	eylem+ma/me+r+kişi eki
---------	------------------------

بدیهی است که kişi eki، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش Kişi ekleri).

مثال:

Gözel resim yaparım, amma dans etmeyi bilmerem

نقاشی، خوب می کشم ولی رقص کردن، نمی دانم (بلد نیستم)

Solmaz dedikodudan hiç hoşlanmaz

سولماز از سخن چینی هیچ خوشش نمی آید

Biz derse hiç geç kalmarık (نمی رویم) ما به مدرسه اصلا دیر نمی کنیم

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru

onlar	eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r+lar/ler mı/mi?
بقیه	eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r mu/mü/mı/mi+kişi eki?

مثال:

Hemen geliyorum, beni biraz bekler misin?

الان می آیم. کمی منتظر من می مانی؟

O ailesine sık sık telefon eder mi?

او به خانواده اش زود زود تلفن می کند؟

Şu tuzluğu bana uzatır mısınız?

این نمکدان را به طرف من دراز می کنید؟ (این نمکدان را به من می دهید؟)

توجه: در (ت. آ)، olumlu مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

Hemen gelirem, meni biraz beklersen?

الان می آیم. کمی منتظر من می مانی؟

O ailesine sık sık telefon eder?

او به خانواده اش زود زود تلفن می کند؟

Bu tuzluğu mene uzatarsız?

این نمکدان را به طرف من دراز می کنید؟ (این نمکدان را به من می دهید؟)

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

ben	eylem+maz/mez mı/mi+y+ım/im?/ eylem+ma/me+m mı/mi?
onlar	eylem+maz/mez+lar/ler mı/mi?
بقیه	eylem+maz/mez mı/mi+kışı eki?

مثال:

Bir dilim kek daha almaz mısınız?

یک قاچ دیگر، کیک بر نمی‌دارید؟

Onlar bu yemekten hoşlanmazlar mı?

آنها از این غذا خوششان نمی‌آید؟

Anne şuna söyle, ben hiç yemek yapmaz mıyım?/ yapmam mı?

مادر به این بگو، من هیچ وقت غذا درست نمی‌کنم؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

Bir dilim kek daha almazsınız?/ almasız?

یک قاچ دیگر، کیک بر نمی‌دارید؟

Olar bu yemekten xoşlanmazlar?

آنها از این غذا خوششان نمی‌آید؟

Ana buna söyle, men hiç yemek yapmaram?

مادر به این بگو، من هیچ وقت غذا درست نمی‌کنم؟

یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	yazarım	yazmam	yazar mıyım?	yazmaz mıyım?/ yazmam mı?
sen	yazarsın	yazmazsın/ yazmasın	yazar mısın?	yazmaz mısın?
o	yazar	yazmaz	yazar mı?	yazmaz mı?
biz	yazarız	yazmayız	yazar mıyız?	yazmaz mıyız?
siz	yazarsınız	yazmazsınız/ yazmasınız	yazar mısınız?	yazmaz mısınız?
onlar	yazarlar	yazmazlar	yazarlar mı?	yazmazlar mı?

که مثلا **yazarım** (می نویسم)، **yazarsın** (می نویسی)، **yazar** (می نویسد)، **yazarız** (می نویسیم)،
yazarsınız (می نویسید)، **yazarlar** (می نویسند) میشود.

فعل توانائی، کفایت (اقتداری) ----- yeterlilik eylemi

توانائی فاعل بر انجام کاری را می‌رساند. البته این نوع فعل در بعضی موارد در مفهوم احتمال (olasılık) هم می‌تواند بکار رود مانند:

Akşama size gelebilirim

شاید عصر خانه شما بیایم

olumlu ----- ۱- مثبت

(a) - eylem+(y)a/e+bil+i+yor+kişi eki

مانند:

gelebiliyorum (می‌توانم بیایم، شاید بیایم)،

gelebiliyorsun (می‌توانی بیایی، شاید بیایی)،

gelebiliyor (می‌تواند بیاید، شاید بیاید)،

gelebiliyoruz (می‌توانیم بیاییم، شاید بیاییم)،

gelebiliyorsunuz (می‌توانید بیایید، شاید بیایید)،

gelebiliyorlar (می‌توانند بیایند، شاید بیایند).

مثال:

Ben Türkiye’de Türkçeyi rahatlıkla öğrenebiliyorum

من در ترکیه زبان ترکی را براحتی می‌توانم یاد بگیرم

توجه: در زبان (ت. آ) معمولا بجای **YOR** در فرمول **۲** بکار میرود.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

مانند:

gebilirem (می‌توانم بیایم، شاید بیایم)،

gebilirsen (می‌توانی بیایی، شاید بیایی)،

gebilir (می‌تواند بیاید، شاید بیاید)، **gebilirik** (می‌توانیم بیاییم، شاید بیاییم)،

gebilirsiz (می‌توانید بیایید، شاید بیایید)،

gebilirler (می‌توانند بیایند، شاید بیایند).

مثال:

Men Türkiye'de Türkçeyi rahatlıkla öğrenebilirim

من در ترکیه زبان ترکی را براحتی می توانم یاد بگیرم

eylem+(y)a/e+bil+e+cek+kişi eki - (b)

مانند:

gelebileceğim (خواهم توانست بیایم)، gelebileceksin (خواهی توانست بیایی)،
gelebilecek (خواهد توانست بیاید)، gelebileceğiz (خواهیم توانست بیاییم)،
gelebileceksiniz (خواهید توانست بیایید)، gelebilecekler (خواهند توانست بیایند).

مثال:

Sanırım yarınki pikniğe gidebileceğim

فکرمی کنم به پیکنیک فردا خواهم توانست بروم (می توانم بروم)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول فوق درست است.

بدیهی است که **kişi eki** در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **(Kişi ekleri)**).

مانند:

gelebileceğim (خواهم توانست بیایم)، gelebileceksen (خواهی توانست بیایی)،
gelebilecek (خواهد توانست بیاید)، gelebileceğik (خواهیم توانست بیاییم)،
gelebileceksiz (خواهید توانست بیایید)، gelebilecekler (خواهند توانست بیایند).

eylem+(y)a/e+bil+di+kişi eki - (c)

مانند:

gelebildim (توانستم بیایم)، gelebildin (توانستی بیایی)،
gelebildi (توانست بیاید)، gelebildik (توانستیم بیاییم)،
gelebildiniz (توانستید بیایید)، gelebildiler (توانستند بیایند).

مثال:

Sinemanın önünde çok sıra vardı, ama yine de bilet alabildim

در جلوی سینما صف شلوغی بود، اما بازهم بلیط توانستم بگیرم

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مثل فوق است.
 بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**) مانند:

gelebildim (توانستم بیایم)، **gelebildin** (توانستی بیایی)،
gelebildi (توانست بیاید)، **gelebildik** (توانستیم بیاییم)،
gelebildiler (توانستید بیایید)، (توانستند بیایند).

eylem+(y)a/e+bil+miş+kişi eki - (d

مانند:

gelebilmişim (توانسته ام بیایم)، **gelebilmişsin** (توانسته ای بیایی)،
gelebilmiş (توانسته است بیاید)، **gelebilmişiz** (توانسته ایم بیاییم)،
gelebilmişsiniz (توانسته اید بیایید)، (توانسته اند بیایند).

مثال:

Aysun'ü gördüm, nihayet zayıflayabilmiş

آیسون را دیدم، سرانجام توانسته است لاغر بشود

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق در اول شخص مفرد و اول شخص جمع بکار میرود در بقیه، غیر از فرمول فوق از فرمول:

eylem+(y)a/e+bil+ip+kişi eki (غیر از اول شخص)

نیز استفاده می گردد.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

مانند:

gelebilmişem (توانسته ام بیایم)، **gelebilmişsen/gelebilipsen** (توانسته ای بیایی)،
gelebilmiş/gelebilip (توانسته است بیاید)، **gelebilmişik** (توانسته ایم بیاییم)،
gelebilmışsiz/gelebilipsiz (توانسته اید بیایید)،
gelebilmişler/gelebilipiler (توانسته اند بیایند).

eylem+(y)a/e+bil+ir/er+kişi eki -(e)

مانند:

- gelebilerim/gelebilirim (می توانم بیایم، شاید بیایم)،
- gelebilersin/gelebilirsin (می توانی بیایی، شاید بیایی)،
- gelebiler/gelebilir (می تواند بیاید، شاید بیاید)،
- gelebileriz/gelebiliriz (می توانیم بیاییم، شاید بیاییم)،
- gelebilersiniz/gelebilirsiniz (می توانید بیایید، شاید بیایید)،
- gelebilerler/gelebilirler (می توانند بیایند، شاید بیایند).

مثال:

Yeterince para biriktirdim, nihayet tatile gidebilirim

به اندازه کافی پول جمع کردم، بالاخره می توانم به تعطیلات بروم

Bilim adamlarına göre, önümüzdeki on yıl içinde İstanbul'da bir deprem olabilir

بنظر دانشمندان، شاید در ده سال آینده یک زلزله در استانبول اتفاق بیفتد

توجه: در زبان (ت. آ) معمولا بجای ir/er در فرمول، فقط er بکار میرود.

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

مانند:

- gelebilerem (می توانم بیایم، شاید بیایم)،
- gelebilersen (می توانی بیایی، شاید بیایی)،
- gelebiler (می تواند بیاید، شاید بیاید)،
- gelebilerik (می توانیم بیاییم، شاید بیاییم)،
- gelebilersiz (می توانید بیایید، شاید بیایید)،
- gelebilerler (می توانند بیایند، شاید بیایند).

olumsuz

۲- منفی

الف)-

eylem+(y)a/e+mı/mi+yor+kişi eki -a

مانند:

gelemiyorum (نمی توانم بیایم)، gelemiyorsun (نمی توانی بیایی)،

gelemiyor (نمی تواند بیاید)، gelemiyoruz (نمی توانیم بیاییم)،

gelemiyorsunuz (نمی توانید بیایید)، gelemiyorlar (نمی توانند بیایند).

مثال:

Çok yemek yemiyorum, ama yine de kilo veremiyorum

خیلی غذا نمی خورم، اما باز هم نمی توانم کیلو بدهم (نمی توانم ضعیف بشوم)

توجه: در زبان (ت. آ) معمولا بجای *yor* در فرمول از *r* و بجای *mı/mi* از *m+mı/mi* استفاده می گردد.
بدیهی است که *kişi eki*، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش *Kişi ekleri*).

مانند:

gelemmirem (نمی توانم بیایم)، gelemmirsen (نمی توانی بیایی)،

gelemmir (نمی تواند بیاید)، gelemmirik (نمی توانیم بیاییم)،

gelemmirsiz (نمی توانید بیایید)، gelemmirler (نمی توانند بیایند).

مثال:

Çok yemek yemirem, amma yine de kilo veremmirem

خیلی غذا نمی خورم، اما باز هم نمی توانم کیلو بدهم (نمی توانم ضعیف بشوم)

eylem+(y)a/e+ma/me+y+a/e+cak/cek+kişi eki - (b)

مانند:

- gelemeyeceğim (نخواهم توانست بیایم)،
- gelemeyeceksin (نخواهی توانست بیایی)،
- gelemeyecek (نخواهد توانست بیاید)،
- gelemeyeceğiz (نخواهیم توانست بیاییم)،
- gelemeyeceksiniz (نخواهید توانست بیایید)،
- gelemeyecekler (نخواهند توانست بیایند).

مثال:

Kusura bakmayın, size bu konuda daha fazla yardım edemeyeceğim

شرمنده، به شما در این موضوع بیشتر نخواهم توانست کمک کنم (نمی توانم بیشتر کمکتان کنم)

توجه: در زبان (ت. آ) معمولاً بجای **ma/me** در فرمول از **m+ ma/me** استفاده می گردد.
بدیهی است که **kişi eki** در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **(Kişi ekleri)**).

مانند:

- gelemmeyeceğim (نخواهم توانست بیایم)،
- gelemmeyeceksen (نخواهی توانست بیایی)،
- gelemmeyecek (نخواهد توانست بیاید)،
- gelemmeyeceğik (نخواهیم توانست بیاییم)،
- gelemmeyeceksiz (نخواهید توانست بیایید)،
- gelemmeyecekler (نخواهند توانست بیایند).

مثال:

Kusura bakmayın, size bu konuda daha fazla yardım edemmeyeceğim

شرمنده، به شما در این موضوع بیشتر نخواهم توانست کمک کنم (نمی توانم بیشتر کمکتان کنم)

(c) - eylem+(y)a/e+ma/me+dı/di+kişi eki

مانند:

gelemedim (نتوانستم بیایم)، gelemedin (نتوانستی بیایی)،
gelemedi (نتوانست بیاید)، gelemedik (نتوانستیم بیاییم)،
gelemediniz (نتوانستید بیایید)، gelemediler (نتوانستند بیایند).

مثال:

Naim son hakkında da ۱۶۵ kiloyu kaldıramadı

نایم در سهم آخرش نیز ۱۶۵ کیلو را نتوانست بلند کند

توجه: در زبان (ت. آ) معمولاً بجای *ma/me* در فرمول از *m+ma/me* استفاده می گردد.
بدیهی است که *kişi eki*، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه
به بخش *Kişi ekleri*) مانند:

gelemmedim (نتوانستم بیایم)، gelemmedin (نتوانستی بیایی)،
gelemmedi (نتوانست بیاید)، gelemmedik (نتوانستیم بیاییم)،
gelemmediz (نتوانستید بیایید)، gelemmediler (نتوانستند بیایند).

مثال:

Naim son hakkında da ۱۶۵ kiloyu kaldıramadı

نایم در سهم آخرش نیز ۱۶۵ کیلو را نتوانست بلند کند

eylem+(y)a/e+ma/me+mış/miş+kişi eki -(d)

مانند:

gelememişim (نتوانسته ام بیایم)، gelememişsin (نتوانسته ای بیایی)،
gelememiş (نتوانسته است بیاید)، gelememişiz (نتوانسته ایم بیاییم)،
gelememişsiniz (نتوانسته اید بیایید)، gelememişler (نتوانسته اند بیایند).

مثال:

Doktorlar sibel Hanımın hastalığına bir teşhis koyamamışlar

دکترها بیماری خانم سیبل را نتوانسته اند تشخیص بدهند

توجه: همانطوریکه در مثال فوق هم مشاهده می گردد عنوان (san) های اسامی که معمولا برای احترام است با حرف بزرگ شروع می شود. مانند Hanım در بالا.

توجه: در زبان (ت. آ) فرمول فوق در اول شخص مفرد و اول شخص جمع بکار میرود بجای ma/me در فرمول از m+ma/me استفاده می گردد یعنی:

eylem+(y)a/e+m+ma/me+mış/miş+kişi eki

در بقیه، غیر از فرمول فوق از فرمول:

eylem+(y)a/e+m+ma/me+y+ıp/ip+kişi eki (غیر از اول شخص)

نیز استفاده می گردد.

بدیهی است که kişi eki، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش (Kişi ekleri).

مانند:

gelememişem (نتوانسته ام بیایم)،
gelememişsen/gelemmeyip (نتوانسته ای بیایی)،
gelememiş/gelemmeyip (نتوانسته است بیاید)،
gelememişik (نتوانسته ایم بیاییم)،
gelememişsiz/gelemmeyipsiz (نتوانسته اید بیایید)،
gelememişler/gelemmeyipler (نتوانسته اند بیایند).

مثال:

Doktorlar sibel Hanımın hastalığına bir teşhis koyamayıplar (koyammamışlar)

دکترها بیماری خانم سیبل را نتوانسته اند تشخیص بدهند

-(e)

ben	eylem+(y)a/e+ma/me+m
sen/siz	eylem+(y)a/e+ma/me/maz/mez+kişi eki
o/onlar	eylem+(y)a/e+maz/mez+kişi eki
biz	eylem+(y)a/e+ma/me+kişi eki

مانند:

gelemem (نمی توانم بیایم)،

gelemesin/gelemezsın (نمی توانی بیایی)،

gelemez (نمی تواند بیاید)،

gelemeyiz (نمی توانیم بیاییم)،

gelemesiniz/gelemezsınız (نمی توانید بیایید)،

gelemezler (نمی توانند بیایند).

مثال:

Sakın üstüne gitme! Böğle durumlarda hiç konuşamaz

مبادا سر به سرش بگذاری! در این شرایط اصلا نمی تواند صحبت بکند

Bu valizler çok ağır, tek başıma taşıyamam

این چمدانها خیلی سنگینند، به تنهایی نمی توانم حمل کنم

توجه: در زبان (ت. آ) فرمول فوق با کمی تغییرات بصورت زیر نیز خواهد بود:

ben/biz	eylem+(y)a/e+m+ma/me+r+kişi eki
sen/siz	eylem+(y)a/e+m+ma/me/maz/mez+kişi eki
o/onlar	eylem+(y)a/e+m+maz/mez+kişi eki

بدیهی است که **kişi eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **Kişi ekleri**).

مانند:

gelemmerem (نمی توانم بیایم)،
gelemmesen/gelemmezsen (نمی توانی بیایی)،
gelemmez (نمی تواند بیاید)،
gelemmerik (نمی توانیم بیاییم)،
gelemmesiz/gelemmezsiz (نمی توانید بیایید)،
gelemmezler (نمی توانند بیایند).

مثال:

Sakin üstüne getme!Bele durumlarda hiç konuşamaz

مبادا سر به سرش بگذاری! در این شرایط اصلا نمی تواند صحبت بکند

Bu valizler çok ağır, tek başıma taşıyamam

این چمدانها خیلی سنگینند، به تنهایی نمی توانم حمل کنم

(ب)-

eylem+ma/me+y+a/e+bil+ir/er+kişi eki
eylem+(y)a/e+ma/me+y+a/e+bil+ir/er+kişi eki

مانند:

gelmeyebilirim می توانم نیایم (شاید نیایم)،
gelmeyebilirsin می توانی نیایی (شاید نیایی)،
gelmeyebilir می تواند نیاید (شاید نیاید)،
gelmeyebiliriz می توانیم نیاییم (شاید نیاییم)،
gelmeyebilirsiniz می توانید نیایید (شاید نیایید)،
gelmeyebilirler می توانند نیایند (شاید نیایند).

gelemeyebilirim می توانم نتوانم بیایم (شاید نتوانم بیایم)،
gelemeyebilirsin می توانی نتوانی بیایی (شاید نتوانی بیایی)،
gelemeyebilir می تواند نتواند بیاید (شاید نتواند بیاید)،
gelemeyebiliriz می توانیم نتوانیم بیاییم (شاید نتوانیم بیاییم)،
gelemeyebilirsiniz می توانید نتوانید بیایید (شاید نتوانید بیایید)،
gelemeyebilirler می توانند نتوانند بیایند (شاید نتوانند بیایند).

مثال:

Sana kızgınlım, bir daha seninle konuşmayabilirim

از تو عصبانیم، شاید با شما دیگر صحبت نکنم

O bugün gelmeyebilir

او امروز شاید نیاید

O bugün gelemeyebilir

او امروز شاید نتواند بیاید

Akşama misafir var, yarınki sınav için yeterince çalışamayabilirim

عصر مهمان داریم، برای امتحان فردا شاید به اندازه کافی نتوانم درس بخوانم

توجه: در زبان (ت. آ) فرمول اول دقیقاً مثل فوق است.

معمولاً به جای ma/me در فرمول دوم از m+ma/me استفاده می‌گردد.

بدیهی است که kişi eki، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش Kişi ekleri).

مانند:

gelmeyebilirim می‌توانم نیایم (شاید نیایم)،

gelmeyebilirsen می‌توانی نیایی (شاید نیایی)،

gelmeyebilir می‌تواند نیاید (شاید نیاید)،

gelmeyebilirik می‌توانیم نیاییم (شاید نیاییم)،

gelmeyebilirsiniz می‌توانید نیایید (شاید نیایید)،

gelmeyebilirler می‌توانند نیایند (شاید نیایند).

gelemmeyebilirim می‌توانم نتوانم بیایم (شاید نتوانم بیایم)،

gelemmeyebilirsen می‌توانی نتوانی بیایی (شاید نتوانی بیایی)،

gelemmeyebilir می‌تواند نتواند بیاید (شاید نتواند بیاید)،

gelemmeyebilirik می‌توانیم نتوانیم بیاییم (شاید نتوانیم بیاییم)،

gelemmeyebilirsiniz می‌توانید نتوانید بیایید (شاید نتوانید بیایید)،

gelemmeyebilirler می‌توانند نتوانند بیایند (شاید نتوانند بیایند).

مثال:

Sene kızgınam, bir daha sennen konuşmayabilirem

از تو عصبانیم، شاید با شما دیگر صحبت نکنم

O bugün gelmeyebilir

او امروز شاید نیاید

O bugün gelemmeyebilir

او امروز شاید نتواند بیاید

Akşama misafir var, yarınki sınav için yeterince çalışammayabilirem

عصر مهمان داریم، برای امتحان فردا شاید به اندازه کافی نتوانم درس بخوانم

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru

-(a)

onlar	eylem+(y)a/e+bil+i+yor+lar mı?
بقیه	eylem+(y)a/e+bil+i+yor mu+kişi eki?

مانند:

gelebiliyor muyum? (می توانم بیایم؟)، gelebiliyor musun? (می توانی بیایی؟)،

gelebiliyor mu? (می تواند بیاید؟)، gelebiliyor muyuz? (می توانیم بیاییم؟)،

gelebiliyor musunuz? (می توانید بیایید؟)، gelebiliyorlar mı? (می توانند بیایند؟).

مثال:

Eşinle anlaşabiliyor musun?

با همسرت می توانی تفاهم کنی؟ (با همسرت تفاهم داری؟)

توجه: در (ت. آ)، olumlu مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

gelebilirsen? (می توانم بیایم؟)، gelebilirsen? (می توانی بیایی؟)،

gelebiliriz? (می توانم بیایم؟)، gelebiliriz? (می توانیم بیاییم؟)،

gelebilirler? (می توانید بیایید؟)، gelebilirler? (می توانند بیایند؟).

مثال:

Eşivinen anlaşabilirsen?

با همسرت می توانی تفاهم کنی؟ (با همسرت تفاهم داری؟)

(b)-

onlar	eylem+(y)a/e+bil+e+cek+ler mi?
بقیه	eylem+(y)a/e+bil+e+cek mi+kişi eki?

مانند:

- gelebilecek miyim? (خواهم توانست بیایم؟)،
- gelebilecek misin? (خواهی توانست بیایی؟)،
- gelebilecek mi? (خواهد توانست بیاید؟)،
- gelebilecek miyiz? (خواهیم توانست بیاییم؟)،
- gelebilecek misiniz? (خواهید توانست بیایید؟)،
- gelebilecekler mi? (خواهند توانست بیایند؟).

مثال:

Kendinize çok güveniyorsunuz, ama yapabilecek misiniz?

به خودتان خیلی اطمینان دارید، ولی خواهید توانست (می توانید) انجام دهید؟

Acaba torunlarımı kucağıma alıp sevebilecek miyim?

آیا خواهم توانست (می توانم) نوه هایم را بغل کرده و دوست داشته باشم؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu soru مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

- gelebileceğim? (خواهم توانست بیایم؟)،
- gelebileceksen? (خواهی توانست بیایی؟)،
- gelebilecek? (خواهد توانست بیاید؟)،
- gelebileceğik? (خواهیم توانست بیاییم؟)،
- gelebileceksiz? (خواهید توانست بیایید؟)،
- gelebilecekler? (خواهند توانست بیایند؟)

مثال:

Özüze çok güvenirsiniz, amma yapabileceksiz?

به خودتان خیلی اطمینان دارید، ولی خواهید توانست (می‌توانید) انجام دهید؟

Acaba torunlarımı kucağıma alıp sevebileceğim?

آیا خواهم توانست (می‌توانم) نوه‌هایم را بغل کرده و دوست داشته باشم؟

eylem+(y)a/e+bil+di+kişi eki mi? - (c)

مانند:

gelebildim mi? (توانستم بیایم؟)، gelebildin mi? (توانستی بیایی؟)،

gelebildi mi? (توانست بیاید؟)، gelebildik mi? (توانستیم بیاییم؟)،

gelebildiniz mi? (توانستید بیایید؟)، gelebildiler mi? (توانستند بیایند؟).

مثال:

Çok merak ettim, dün onunla görüşebildiniz mi?

خیلی نگران شدم، دیروز با او توانستید دیدار کنید؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

gelebildim? (توانستم بیایم؟)، gelebildin? (توانستی بیایی؟)،

gelebildi? (توانست بیاید؟)، gelebildik? (توانستیم بیاییم؟)،

gelebildiniz? (توانستید بیایید؟)، gelebildiler? (توانستند بیایند؟).

مثال:

Çok merak ettim, dün onnan görüşebildiz?

خیلی نگران شدم، دیروز با او توانستید دیدار کنید؟

(d)-

onlar	eylem+(y)a/e+bil+miş+ler mi?
بقیه	eylem+(y)a/e+bil+miş mi+kişi eki?

مانند:

gelebilmiş miyim? (توانسته ام بیایم؟)، gelebilmiş misin? (توانسته ای بیایی؟)،
 gelebilmiş mi? (توانسته است بیاید؟)، gelebilmiş miyiz? (توانسته ایم بیاییم؟)،
 gelebilmiş misiniz? (توانسته اید بیایید؟)، gelebilmişler mi? (توانسته اند بیایند؟).

مثال:

Haberin var mı, Sevgi sınavı kazanabilmiş mi?

آیا خبر داری که سوگی توانسته از امتحان قبول شود یا نه؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu soru مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

gelebilmişem? (توانسته ام بیایم؟)،

gelebilmişsen?/gelebilipsen? (توانسته ای بیایی؟)،

gelebilmişik?/gelebilip? (توانسته است بیاید؟)، gelebilmişik? (توانسته ایم بیاییم؟)،

gelebilmışsiz?/gelebilipsiz? (توانسته اید بیایید؟)،

gelebilmışler?/gelebilipler? (توانسته اند بیایند؟).

مثال:

Xeberin var, Sevgi sınavı kazanabilip? (kazanabilmiş?)

آیا خبر داری که سوگی توانسته از امتحان قبول شود یا نه؟

-(e)

onlar	eylem+(y)a/e+bil+ir/er+ler mi?
بقیه	eylem+(y)a/e+bil+ir/er mi+kişi eki?

مانند:

- gelebiler miyim?/gelebilir miyim? (می توانم بیایم؟)،
 gelebiler misin?/gelebilir misin? (می توانی بیایی؟)،
 gelebiler mi?/gelebilir mi? (می تواند بیاید؟)،
 gelebiler miyiz?/gelebilir miyiz? (می توانیم بیاییم؟)،
 gelebiler misiniz?/gelebilir misiniz? (می توانید بیایید؟)،
 gelebilerler mi?/gelebilirler mi? (می توانند بیایند؟).

مثال:

Meşgul musunuz, girebilir miyim?

سرتان شلوغ است؟ می توانم داخل بشوم؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu soru مشابه olumlu در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

- gelebilerem? (می توانم بیایم؟)،
 gelebilersen? (می توانی بیایی؟)،
 gelebiler? (می تواند بیاید؟)،
 gelebilerik? (می توانیم بیاییم؟)،
 gelebilersiz? (می توانید بیایید؟)،
 gelebilerler? (می توانند بیایند؟).

مثال:

Meşgulsuz, girebilerem?

آیا مشغول هستید، می توانم داخل بشوم؟

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru (a)-

onlar	eylem+(y)a/e+mı/mi+yor+lar mı?
بقیه	eylem+(y)a/e+mı/mi+yor mu+kişi eki?

مانند:

gelemiyor muyum? (نمی توانم بیایم؟)، gelemiyor musun? (نمی توانی بیایی؟)،
 gelemiyor mu? (نمی تواند بیاید؟)، gelemiyor muyuz? (نمی توانیم بیاییم؟)،
 gelemiyor musunuz? (نمی توانید بیایید؟)، gelemiyorlar mı? (نمی توانند بیایند؟).

مثال:

Böyle basit bir konuyu anlayamıyor musunuz?

موضوع به این سادگی را نمی توانید بفهمید؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

gelemmirem? (نمی توانم بیایم؟)، gelemmirsen? (نمی توانی بیایی؟)،
 gelemmir? (نمی تواند بیاید؟)، gelemmirik? (نمی توانیم بیاییم؟)،
 gelemmirsiz? (نمی توانید بیایید؟)، gelemmirler? (نمی توانند بیایند؟).

مثال:

Bele basit bir konuyu anlayammırsınız?

موضوع به این سادگی را نمی توانید بفهمید؟

(b)-

onlar	eylem+(y)a/e+ma/me+y+a/e+cak/cek+lar/ler mı/mi?
بقیه	eylem+(y)a/e+ma/me+y+a/e+cak/cek mı/mi+kişi eki?

مانند:

- gelemeyecek miyim? (نخواهم توانست بیایم؟)،
 gelemeyecek misin? (نخواهی توانست بیایی؟)،
 gelemeyecek mi? (نخواهد توانست بیاید؟)،
 gelemeyecek miyiz? (نخواهیم توانست بیاییم؟)،
 gelemeyecek misiniz? (نخواهید توانست بیایید؟)،
 gelemeyecekler mi? (نخواهند توانست بیایند؟).

مثال:

Biz hiç böyle bir evde oturamayacak mıyız?

ما هرگز در چنین خانه ای نخواهیم توانست بنشینیم؟ (ما هرگز چنین خانه ای نخواهیم داشت؟)

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

- gelemmeyeceğim? (نخواهم توانست بیایم؟)،
 gelemmeyeceksen? (نخواهی توانست بیایی؟)،
 gelemmeyecek? (نخواهد توانست بیاید؟)،
 gelemmeyeceğik? (نخواهیم توانست بیاییم؟)،
 gelemmeyeceksiz? (نخواهید توانست بیایید؟)،
 gelemmeyecekler? (نخواهند توانست بیایند؟).

مثال:

Biz hiç bele bir evde oturamayacağız?

ما هرگز در چنین خانه ای نخواهیم توانست بنشینیم؟ (ما هرگز چنین خانه ای نخواهیم داشت؟)

eylem+(y)a/e+ma/me+dı/di+kişi eki۲ mı/mi? -c

مانند:

gelemedim mi? (نتوانستم بیایم؟)، gelemedin mi? (نتوانستی بیایی؟)،
gelemedi mi? (نتوانست بیاید؟)، gelemedik mi? (نتوانستیم بیاییم؟)،
gelemediniz mi? (نتوانستید بیایید؟)، gelemediler mi? (نتوانستند بیایند؟).

مثال:

Yirmi yıllık arkadaşını tanıyamadın mı?

۲۰ سال است که رفیقیم و مرا نتوانستی بشناسی؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

مانند:

gelemmedim? (نتوانستم بیایم؟)، gelemmedin? (نتوانستی بیایی؟)،
gelemmedi? (نتوانست بیاید؟)، gelemmedik? (نتوانستیم بیاییم؟)،
gelemmediz? (نتوانستید بیایید؟)، gelemmediler? (نتوانستند بیایند؟).

مثال:

Yirmi illik arkadaşını tanıyamadın?

۲۰ سال است که رفیقیم و مرا نتوانستی بشناسی؟

-(d)

onlar	eylem+(y)a/e+ma/me+mış/miş+lar/ler mı/mi?
بقیه	eylem+(y)a/e+ma/me+mış/miş mı/mi+kışı eki?

مانند:

- gelememiş miyim? (نتوانسته ام بیایم؟)، gelememiş misin? (نتوانسته ای بیایی؟)،
 gelememiş mi? (نتوانسته است بیاید؟)، gelememiş miyiz? (نتوانسته ایم بیاییم؟)،
 gelememiş misiniz? (نتوانسته اید بیایید؟)،
 gelememişler mi? (نتوانسته اند بیایند؟).

مثال:

Kaç yıldır nişanlılar, hâlâ evlenememişler mi?

چند سالی است که نامزدند، هنوز نتوانسته اند ازدواج کنند؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

- gelememişem? (نتوانسته ام بیایم؟)،
 gelememişsen?/gelemmeyipsen? (نتوانسته ای بیایی؟)،
 gelememiş?/gelemmeyip? (نتوانسته است بیاید؟)،
 gelememişik? (نتوانسته ایم بیاییم؟)،
 gelememişsiz?/gelemmeyipsiz? (نتوانسته اید بیایید؟)،
 gelememişler?/gelemmeyipler? (نتوانسته اند بیایند؟).

مثال:

neçe ildir nişanlıdılar, hele evlenemeyipler? (evlenememişler?)

چند سالی است که نامزدند، هنوز نتوانسته اند ازدواج کنند؟

-(e)

onlar	eylem+(y)a/e+maz/mez+lar/ler mı/mi?
بقیه	eylem+(y)a/e+maz/mez mı/mi+kışı eki?

در اول شخص مفرد (ben)، می توان از فرمول زیر نیز استفاده نمود:
eylem+(y)a/e+ma/me+m mı/mi?

مانند:

- gelemem mi?/gelemez miyim? (نمی توانم بیایم؟)،
gelemez misin? (نمی توانی بیایی؟)،
gelemez mi? (نمی تواند بیاید؟)،
gelemez miyiz? (نمی توانیم بیاییم؟)،
gelemez misiniz? (نمی توانید بیایید؟)،
gelemezler mi? (نمی توانند بیایند؟).

مثال:

Müzik dinleyerek ders çalışamaz mısın?

در حال گوش دادن به موزیک نمی توانی درس بخوانی؟

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

- gelemmerem? (نمی توانم بیایم؟)،
gelemmesen?/gelemmezsen? (نمی توانی بیایی؟)،
gelemmez? (نمی تواند بیاید؟)،
gelemmerik? (نمی توانیم بیاییم؟)،
gelemmesiz?/gelemmezsiniz? (نمی توانید بیایید؟)،
gelemmezler? (نمی توانند بیایند؟).

مثال:

Müzik dinleyerek ders çalışammasan?/ çalışammazsan?

در حال گوش دادن به موزیک نمی توانی درس بخوانی؟

gereklilik kipi ----- **صيغه وجوب**

وجوب وقوع فعل را می رساند

olumlu/olumsuz ----- ۱- مثبت/منفی

eylem+(ma/me)malı/meli+kişi eki

مثال:

Bugünlerde sağlığım bozuldu. Kendime dikkat etmeliyim

این روزها وضع سلامتیم خوب نیست. باید به خودم برسم

Annem üç saat önce uçağa bindi. Şimdi otelde olmalı

مادرم ۳ ساعت پیش سوار هواپیما شد. الان باید در هتل باشد

Arkadaşıma söz verdim, randevuma geç kalmamalıyım

به دوستم قول دادم، سر قرارم نباید دیر برسم

Hastanede yüksek sesle konuşmamalıyız

در بیمارستان، با صدای بلند نباید حرف بزنیم

توجه: فرمول فوق در (ت. آ) نیز صادق است.

olumlu/olumsuz soru ----- ۲- سوالی مثبت/منفی

eylem+(ma/me)malı/meli mı/mi+kişi eki

مثال:

Her sabah bu ilaçtan içmeli misin?

هر صبح از این دارو باید بخوری؟

Anketteki bütün soruları yanıtlamalı mıyız?

تمام سوالات پرسشنامه را باید جواب دهیم؟

Sen onunla görüşmüyorsun diye bende görüştürmemeli miyim?

چون تو با او حرف نمی زنی من هم نباید حرف بزنم؟

Dişçiden korkuyor diye dişçiye gitmemeli mi?

به سبب آنکه از دندان ساز می ترسد نباید به دندان ساز برود؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu/olumsuz soru مشابه olumlu/olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال. مانند:

مثال:

Her sabah bu ilaçtan ıçmelisen?

هر صبح از این دارو باید بخوری؟

Anketteki bütün soruları yanıtlamalıyık?

تمام سوالات پرسشنامه را باید جواب دهیم؟

Sen onnan görüşürsen diye bende görüřmemeliyim?

چون تو با او حرف نمی زنی من هم نباید حرف بزنم؟

Diřçiden korkur diye diřçiye getmemeli di?

به سبب آنکه از دندان ساز می ترسد نباید به دندان ساز برود؟

کاربردهای وجوب ----- **gereklilik kullanımları**

(۱) - eylem+ma/me+iyelik eki gerek/lazım

(۲) - eylem+ma/me+iyelik eki gerek+zaman eki

که zaman eki یکی از موارد (di, miř, .iyor, .ecek, .er/ir, se) می باشد.

مثال:

Bu masa ağır, tek başıma taşıyamam, bana yardım etmen gerekiyör

این میز، سنگین است، به تنهایی نمی توانم بردارم، کمک کردنت به من ضروری است (باید کمک کنی)

(۳) - eylem+mak/mek gerek/lazım

مثال:

İyi resim yapabilmek için yetenekli olmak gerek/lazım

برای نقاشی کردن خوب، مستعد بودن ضروری است

(۴) - eylem+mak/mek gerek+zaman eki

که zaman eki یکی از موارد (di, miř, .iyor, .ecek, .er/ir, se) می باشد.

مثال:

Okula gitmek gerekir به مدرسه رفتن، ضروری است

eylem+mak/mek zorunda/mecburiyetinde+kişi eki (۵)
eylem+mak/mek zorunda/mecburiyetinde değil+kişi eki

مثال:

Siz de bu akşam toplantıya katılmak mecburiyetindedesiniz

عصر، شما هم مجبور به شرکت در جلسه هستید

Misafirler akşam gelecek, evi sabahtan toplamak zorunda değilim

مهمانها عصر خواهند آمد، مجبور به مرتب کردن خانه از صبح نیستم

eylem+maya/meye mecbur+kişi eki (۶)

مثال:

Okula gitmeye mecburum مجبور به مدرسه رفتن هستم

eylem+mak/mek zorunda kal+zaman eki+kişi eki (۷)

که zaman eki یکی از موارد (sa, ar/ır, acak,ıyor, mış, dı) می باشد.

مثال:

Kabul etmek zorunda kalacağım مجبور به قبول کردن خواهم شد

توجه: در (ت. آ) غیر از اینکه بعضی از فرمولهای فوق استفاده می گردند نیز از فرمول

gerek istek kipi در آذربایجانی استفاده می شود مانند:

Okula gerek gedesen باید به مدرسه بروی

و همچنین از فرمول gerek dilek/istek kipinin hikayesi نیز استفاده می گردد مانند:

gerek yazaydım باید می نوشتم

فعل مشارکت ----- işteşlik eylemi

eylem+(u/ü/ı/i)ş

در یکی از دو مفهوم زیر به کار می‌رود:

(الف) - در مفهوم عمل متقابل (*karşılıklı*) مانند:

دو ماشین، در راه باریک تصادف کردند çarpıştı *İki araba, dar yolda*
 مادر و بچه با حسرت همدیگر را بغل کردند kucaklaştılar *Anneyle çocuk hasretle*
 Sevgililer şarkının sonuna kadar el ele tutuşup bakıştılar
 معشوقین، تا آخر ترانه، دست در دست گرفته به همدیگر نگاه کردند
 شاعران خلق (عاشقها)، در سالن مشاعره کردند atıştılar *Halk ozanları salonda*

(ب) - در مفهوم عمل به اتفاق (*birlikte*) مانند:

پرنده ها با هم پرواز کردند uçuştu *Kuşlar*
 Deprem anında okuldaki öğrenciler dışarı kaçıştı
 در لحظه زلزله، دانش آموزان مدرسه بیرون دویدند

توجه: بعضی از فعلهایی که از *ad+laş/leş* درست می شوند نیز مفهوم *işteşlik* (مشارکت) دارند مانند:

با او هر روز تلفنی حرف می زنیم telefonlaşiyoruz *Onunla her gün*
 او می‌خواهد با من مکاتبه کند mektuplaşmak *O benimle* istiyor
 İki arkadaş sık sık bir araya gelip dertleşir

دو دوست، مرتباً در یکجا همدیگر را زیارت و درد دل می کنند

randevulaştık *Ahmet Beyle saat ikide buluşmak üzere*

با آقا احمد به شرط دیدار در ساعت ۲، قرار گذاشتیم

توجه: بعضی از فعلهایی که از *ad+laş/leş* درست می شوند مفهوم *işteşlik* ندارند مانند:

iyileşti، آرام شد sakinleşti، زیباشدن güzelleşmek
 سفت شدن sertleşmek، رسیدن yetişmek، olgunlaşmak

توجه: موارد فوق همه در (ت. آ) نیز صادق است.

فعل حکایتی صیغه خواست ----- istek kipinin hikayesi

۱- مثبت ----- olumlu

$eylem+(y)a/e+y+dı/di+kişi eki\text{?}$

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقا مثل فوق است.

بدیهی است که $kişi eki\text{?}$ ، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش $Kişi ekleri$)

در (ت. آ) معمولا بجای صیغه آرزوی حکایتی ($dilek kipinin hikayesi$) نیز از این صیغه استفاده می گردد.

۲- منفی ----- olumsuz

$eylem+ma/me+y+a/e+y+dı/di+kişi eki\text{?}$

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقا مثل فوق است.

بدیهی است که $kişi eki\text{?}$ ، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش $Kişi ekleri$)

در (ت. آ) معمولا بجای صیغه آرزوی حکایتی ($dilek kipinin hikayesi$) نیز از این صیغه استفاده می گردد.

۳- سوالی مثبت ----- olumlu soru

$eylem+(y)a/e mı/mi+y+dı/di+kişi eki\text{?}$

توجه: در (ت. آ)، $olumlu soru$ مشابه $olumlu$ در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

۴- سوالی منفی ----- olumsuz soru

eylem+ma/me+y+a/e mı/mi+y+dı/di+kişi eki?

توجه: در (ت. آ)، olumsuz soru مشابه olumsuz در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.
یک مثال کلی:

	olumlu	olumsuz	olumlu soru	olumsuz soru
ben	gideydim	gitmeyeydim	gide miydim?	gitmeye miydim?
sen	gideydin	gitmeyeydin	gide miydin?	gitmeye miydin?
o	gideydi	gitmeyeydi	gide miydi?	gitmeye miydi?
biz	gideydik	gitmeyeydik	gide miydik?	gitmeye miydik?
siz	gideydiniz	gitmeyeydiniz	gide miydiniz?	gitmeye miydiniz?
onlar	gideydiler	gitmeyeydiler	gide miydiler?	gitmeye miydiler?

که مثلا gideydim (می رفتم)، gideydin (می رفتی)، gideydi (می رفت)، gideydik (می رفتیم)،
gideydiniz (می رفتید)، gideydiler (می رفتند) میشود.

dilek kipi ----- **صيغه آرزو**

آرزوی وقوع فعل را می‌رساند.

olumlu/olumsuz ----- ۱- مثبت /منفی

eylem+(ma/me)sa/se+kişi eki

مثال:

Keşke bütün insanlar barış içinde yaşasalar

کاش همه انسانها در صلح و آرامش زندگی کنند

Artık bu soğuk kış günleri bitse

کاش دیگر این روزهای سرد زمستانی تمام بشود

Keşke onunla her gün karşılaşmasam da sınırlarım bozulmasa

کاش هر روز با او مواجه نشوم تا اعصابم خراب نشود

Keşke insanlar açlıktan ölmese

کاش انسانها از گرسنگی نمیرند

توجه: در (ت. آ) معمولاً به جای این صیغه، از صیغه خواست (istek kipi) در آذربایجانی، استفاده می‌گردد.

مانند:

Kaşki bütün insanlar barış içinde yaşayalar

کاش همه انسانها در صلح و آرامش زندگی کنند

Artık bu soğuk kış günleri bite

کاش دیگر این روزهای سرد زمستانی تمام بشود

Kaşki onunla her gün karşılaşmayam ki sınırlarım bozulmaya

کاش هر روز با او مواجه نشوم تا اعصابم خراب نشود

Kaşki insanlar açlıktan ölmeye

کاش انسانها از گرسنگی نمیرند

۲- سوالی مثبت/منفی ----- olumlu/olumsuz soru
olumlu/olumsuz mı/mi?

مثال:

Acaba bugün sinemaya gitsem mi?

کاش امروز به سینما بروم. نه؟

Bu konuyu aysel'le bir kere daha konuşsak mı?

کاش این موضوع را یک بار دیگر با آیسلا صحبت کنیم. نه؟

Her yaz yaylaya çıkıyoruz, bu yaz gitmesek mi?

هر تابستان به ییلاق می رویم، کاش این تابستان نرویم. نه؟

Çok yorgunum. Arkadaşımı ders çalışmak için eve çağırmasam mı?

خیلی خسته ام. کاش دوستم را برای درس خواندن به خانه دعوت نکنم. نه؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu/olumsuz مشابه olumlu/olumsuz soru در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

dilek kipinin hikayesi ----- فعل حکایتی صیغه آرزو

olumlu/olumsuz ----- ۱- مثبت/منفی

eylem+(ma/me)sa/se+y+dı/di+kişi eki

توجه: در سوم شخص جمع (onlar) میتوان از فرمول زیر نیز استفاده نمود:

eylem+(ma/me)sa/se+lar/ler+dı/di

مثال:

Hava çok soğuk, sıcak bir çay olsaydı da içseydik

هوا خیلی سرد است، کاش یک چایی گرم می بود تا می خوردیم

Hastalığım çok ilerledi. Keşke zamanında doktora gitseydik

بیماریم خیلی پیشروی کرد (بدتر شد). کاش به موقع، دکتر می رفتیم

Keşke öğrenciler sınıfta kavga etmeselerdi

کاش دانشجویها در کلاس دعوا نمی کردند

توجه: در(ت. آ) معمولا بجای این صیغه، از صیغه خواست حکایتی (istek kipinin hikayesi) در آذربایجانی،

استفاده می گردد مانند:

Hava çok soğuk, sıcak bir çay olaydı da içeydik

هوا خیلی سرد است، کاش یک چایی گرم می بود تا می خوردیم

Hastalığım çok ilerledi. Kaşki zamanında doktora gedeydik

بیماریم خیلی پیشروی کرد (بدتر شد). کاش به موقع، دکتر می رفتیم

Kaşki öğrenciler sınıfta kavga etmeyeydiler

کاش دانشجویها در کلاس دعوا نمی کردند

۲- سوالی مثبت/منفی ----- olumlu/olumsuz soru
eylem+(ma/me)sa/se mı/mi+y+dı/di+kişi eki?

توجه: در سوم شخص جمع (onlar) میتوان از فرمول زیر نیز استفاده نمود:
eylem+(ma/me)sa/se+lar/ler mı/mi+y+dı/di?

مثال:

Ayıp oldu. Daveti kabul etse miydiniz?

بد شد. کاش دعوت را قبول می کردید. نه؟

Misafiri çok iyi ağırlayamadık. Hiç değilse bir kahve ikram etse miydik?

نتوانستیم از مهمان خیلی خوب پذیرایی کنیم. کاش حداقل یک قهوه می دادیم. نه؟

Bu soruyu hiç kimse anlamadı. Bu kadar zor soru sormasa mıydın?

این سوال را هیچ کس نفهمید. کاش این قدر سوال سختی نمی پرسیدی. نه؟

Akşam oldu, hâlâ bir balık bile tutamadım. Buraya hiç gelme miydim?

عصر شد، هنوز یک دانه ماهی هم نتوانستم بگیرم. کاش اینجا اصلاً نمی آمدم. نه؟

توجه: در (ت. آ)، olumlu/olumsuz مشابه olumlu/olumsuz soru در آذربایجانی است بعلاوه یک علامت سوال.

فعل بازگشتی (مرجوعی) ----- dönüşlü eylem

özne eylem+(u/ü/ı/i)n

در این نوع فعل، نتیجه کار به خود فاعل باز می‌گردد.

این افعال به خاطر لازم بودن (geçişsiz) مفعول ندارند در اصل فاعل (özne) و مفعول (nesne) یکی است.

این فرمول در اصل بجای فرمول özne kendini eylem استفاده می‌گردد مانند:

Filiz Hanım kendini kuruluıyor → Filiz Hanım kurulanıyor

خانم فلز، خودش را خشک می‌کند

Hırsız kendini saklıyor → Hırsız saklanıyor

دزد، خودش را مخفی می‌کند

مثالها:

Ayşe süslendi ve sevindi sonra yıkandı ve giyindi

عایشه آرایش کرد و شاد شد سپس خودش را شست و لباس پوشید

Kadın, dizlerine vurarak dövündü

زن، با زدن به زانوهایش خودزنی کرد

Üşümek için battaniyeye sımsıkı sarındı

برای اینکه سردش نشود خودش را خیلی محکم با پتو پیچاند

یادآوری: همانطوریکه در مثالهای فوق مشاهده می‌شود فاعل و مفعول یکی است.

توجه: ممکن است که افعال ساخته شده به فرم فوق بازگشتی نبوده بلکه فعل مجهول (edilgen) باشند مانند:

Yerler iyice silinmiş زمین، حسابی پاک شده است

مثال:

Eşyalar başka bir eve taşındı (edilgen eylem)

اشیا، به یک خانه دیگر حمل شدند

Dayım yeni evine taşındı (dönüşlü eylem)

دایی ام، به خانه جدیدش اسباب کشی کرد

توجه: بندرت افعال بازگشتی، متعددی (geçişli) نیز می شوند. مانند:

Çocuk koskoca çuvalı sırtlandı

بچه، گونی خیلی بزرگ را کول کرد

در مثال فوق (belirtili nesne)، می باشد.

Ayşe küpeler, kolyeler takındı

عایشه گوشواره ها و گردن بندها را به خودش بست

در مثال فوق (belirtisiz nesne)، می باشد.

توجه: در بعضی افعال، برای ساختن فعل بازگشتی بجای n از L استفاده می شود مانند:

serilmek (دراز کشیدن)، dikilmek (راست ایستادن)، eğilmek (خم شدن)، katılmak (شرکت کردن)،

koyulmak (شروع کردن)، çekilmek (کناررفتن)، açılmak (جان گرفتن، درددل کردن)

مثال:

Kapıdan geçerken eğilmek zorundasın

موقع عبور از در، مجبور به خم شدن هستی

Sabah erkenden jeple yola koyuldular

صبح زود با جیپ به راه افتادند

توجه: موارد فوق همه در (ت. آ) نیز صادق است.

صيغه شرط ----- **şart kipi**

از وقوع فعل به صورت مشروط خبر می‌دهد.

نحوه درست کردن آن دقیقاً مانند **dilek kipi** می‌باشد یعنی:

eylem+(ma/me)sa/se+kişi eki

مثال:

Param olsa bahçeli bir ev alırım

اگر پول داشته باشم، یک خانه باغ دار می‌خرم

Memleketimize gitssek çocukluk arkadaşımızı görürüz

اگر به شهرمان برویم، دوست دوران بچگی مان را می‌بینیم

Sürücüler trafik kurallarına dikkat etmese her gün yüzlerce kaza olur

اگر رانندگان به قوانین ترافیک توجه نکنند، هر روز صدها تصادف اتفاق می‌افتد

توجه: در (ت. آ) نیز صیغه شرط دقیقاً مانند فوق است.

شرط در جملات اسمی ----- şart ad tümcelerinde

ad/sıfat+sa/se+kişi eki۲ -۱

مثال:

En iyi arkadaşın Ahmet'se neden onu hiç aramıyorsun?

اگر بهترین دوستت احمد است، چرا به او اصلا زنگ نمی زنی؟

Çiçekler güzelse biraz bekle de anneme çiçek alayım

اگر این گلها زیبايند، کمی منتظر باش تا برای مادرم گل بخرم

ad/sıfat değil+se+kişi eki۲ -۲

مثال:

Gideceğimiz yer uzak değilse yürüyelim

اگر جایی که خواهیم رفت دور نیست، پیاده برویم

Çok yorgun değilsen arabayla biraz daha gezelim

اگر خیلی خسته نیستی، کمی بیشتر با ماشین بگردیم

ad+da/de+y+sa/se+kişi eki۲ -۳

مثال:

Ayşe'ye telefon et, eğer evdeyse bu akşam onu ziyarete gidelim

به عایشه تلفن کن، اگر در خانه باشد، عصر به زیارتش برویم

Mehmet marketteyse telefon edelim bize de ekmek alsın

اگر محمد در فروشگاه است، تلفن کنیم تا برای ما هم نان بخرد

ad+da/de değil+se+kişi eki۲ -۴
ad+da/de yok+sa+kişi eki۲

مثال:

Çocuk evde değilse (yoksa) nerede?

اگر بچه در خانه نیست، پس در کجاست؟

Bugün ders saat dokuzda değilse okula geç gidelim

اگر کلاس امروز در ساعت ۹ نیست، دیر به مدرسه برویم

Selen işte değilse (yoksa) mutlaka evdedir

اگر سلن سر کار نیست، حتما در خانه است

توجه: در (ت. آ) می توان از eğer بدون ذکر sa/se استفاده نمود (که در این صورت به جای kişi eki۲ از kişi eki در آذربایجانی استفاده می گردد) مانند:

Eğer gedeceğimiz yer uzak değil yeriyekek

اگر جایی که خواهیم رفت دور نیست، پیاده برویم

فعل حکایتی صیغه شرط ----- şart kipinin hikayesi

نحوه درست کردن آن دقیقا مانند dilek kipinin hikayesi می باشد یعنی:

eylem+(ma/me)sa/se+y+dı/di+kişi eki۲

مانند:

gitseydim (اگر می رفتم)، gitseydin (اگر می رفتی)، gitseydi (اگر می رفت)،

gitseydik (اگر می رفتیم)، gitseydiniz (اگر می رفتید)، gitseydiler (اگر می رفتند)

توجه: در (ت. آ) نیز صیغه شرط دقیقا مانند فوق است.

بدیهی است که kişi eki۲، در فرمول، مربوط به ضمائر شخصی متصل نوع ۲ در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش Kişi ekleri) مانند:

getseydim (اگر می رفتم)، getseydin (اگر می رفتی)، getseydi (اگر می رفت)،

getseydik (اگر می رفتیم)، getseydiz (اگر می رفتید)، getseydiler (اگر می رفتند)

زمان ترکیبی شرطی ----- **koşul bileşik zamanı**

۱- زمان حال شرطی (şimdiki zaman koşulu):

eylem+u/ü/ı/i+yor+sa+kişi eki
eylem+mu/mü/mı/mi+yor+sa+kişi eki

مانند:

gidiyorsam (اگر می روم)، gidiyorsan (اگر می روی)، gidiyorsa (اگر می رود)،
gidiyorsak (اگر می رویم)، gidiyorsanız (اگر می روید)،
gidiyorsalar/gidiyorlarsa (اگر می روند)

مثال:

Yağmur yağıyorsa şemsiyenizi alın

اگر باران می بارد، چترتان را بردارید

۲- زمان مضارع شرطی (geniş zaman koşulu):

الف- مثبت:

eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r+sa/se+kişi eki

مانند:

gidersem (اگر می روم)، gidersen (اگر می روی)، giderse (اگر می رود)،
gidersek (اگر می رویم)، giderseniz (اگر می روید)،
giderseler/giderlerse (اگر می روند)

مثال:

Hafta sonu hava güzel olursa pikniğe gideriz

آخر هفته اگر هوا خوب می باشد (باشد) به پیکنیک می رویم

(ب) - منفی:

ben/biz	eylem+ma/me+sa/se+kişi eki
sen/siz	eylem+ma/me/maz/mez+sa/se+kişi eki
o/onlar	eylem+maz/mez+sa/se+kişi eki

مانند:

gitmesem (اگر نمی روم)، gitmezsen (اگر نمی روی)، gitmezse (اگر نمی رود)،
 gitmesek (اگر نمی رویم)، gitmezseniz (اگر نمی روید)،
 gitmezseler/gitmezlerse (اگر نمی روند)

مثال:

Akşam, erken yatmazsan sabah erken kalkamazsın

عصر، اگر زود نمی خوابی (نخوابی)، صبح زود نمی توانی بلند شوی

۳- زمان آینده شرطی (gelecek zaman koşulu):

eylem+(y)a/e+cak/cek+sa/se+kişi eki

eylem+ma/me+y+a/e+cak/cek+sa/se+kişi eki

مانند:

gideceksem (اگر خواهم رفت)، gideceksen (اگر خواهی رفت)،
 gideceksek (اگر خواهیم رفت)، gidecekse (اگر خواهید رفت)،
 gidecekseniz (اگر خواهید رفت)، gidecekseler/gideceklerse (اگر خواهند رفت)

مثال:

Sen de bizimle gideceksen hazırlanmalısın

اگر تو هم با ما خواهی آمد باید حاضر بشوی

۴- زمان گذشته صریح شرطی (belirli geçmiş zaman koşulu):

eylem+du/dü/dı/di+y+sa/se+kişi eki

eylem+ma/me+dı/di+y+sa/se+kişi eki

مانند:

gittiysem (اگر رفتم)، gittiysen (اگر رفتی)، gittiye (اگر رفت)، gittiyseniz (اگر رفتیم)،
gittiysemeler (اگر رفتید)، gittiyse (اگر رفتند)

مثال:

Bu konuyu iyice anladıysanız diğer konuya geçelim

اگر حسابی این موضوع را فهمیدید، به موضوع بعدی برویم

۵- زمان گذشته غیر صریح شرطی (belirsiz geçmiş zaman koşulu):

eylem+muş/müş/miş/miş+sa/se+kişi eki

eylem+ma/me+mış/miş+sa/se+kişi eki

مانند:

gitmişsem (اگر رفته ام)، gitmişsen (اگر رفته ای)، gitmişse (اگر رفته است)، gitmişsek (اگر رفته ایم)،
gitmişseniz (اگر رفته اید)، gitmişse (اگر رفته اند)

مثال:

Kızım yemeğe bak, eğer pişmişse ocağı kapat

دخترم به غذا نگاه کن، اگر پخته است اجاق را خاموش کن

۶- زمان وجوب شرطی (gereklilik zaman koşulu):

eylem+(ma/me)malı/meli+y+sa/se+kişi eki

مانند:

gitmeliysem (اگر باید بروم)، gitmeliysen (اگر باید بروی)، gitmeliyse (اگر باید بروی)، gitmeliysek (اگر باید بروید)،
gitmeliyseniz (اگر باید بروید)، gitmeliyseler (اگر باید بروند)

زمان ترکیبی حکایتی ----- hikaye bileşik zamanı

در این نوع افعال، سخن از جانب خود شخص نقل می‌شود.

۱- زمان حال حکایتی (şimdiki zaman hikayesi):

eylem+u/ü/ı/i+yor+du+kişi eki

مانند:

gidiyordum (می رفتم)، gidiyordun (می رفتی)، gidiyordun (می رفتی)،

gidiyorduk (می رفتیم)، gidiyordunuz (می رفتید)،

gidiyordular/gidiyorlardı (می رفتند)

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق با اندکی تغییر بصورت زیر نیز خواهد بود:

eylem+(y)u/ü/ı/i+r+du/dü/dı/di+kişi eki

۲- زمان مضارع حکایتی (geniş zaman hikayesi):

eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r+du/dü/dı/di+kişi eki

مانند:

giderdim (می رفتم)، giderdin (می رفتی)، giderdi (می رفتی)،

giderdik (می رفتیم)، giderdiniz (می رفتید)، giderdiler/giderlerdi (می رفتند)

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق با اندکی تغییر بصورت زیر نیز خواهد بود:

eylem+(y)a/e+r+dı/di+kişi eki

۳- زمان آینده حکایتی (gelecek zaman hikayesi):

eylem+(y)a/e+cak/cek+dı/di+kişi eki

مانند:

gidecektim (می خواستم بروم، باید می رفتم، بنا بود بروم)،

gidecektin (می خواستی بروی، باید می رفتی، بنا بود بروی)،

gidecekti (می خواست برود، باید می رفت، بنا بود برود)،

gidecektik (می خواستیم برویم، باید می رفتیم، بنا بود برویم)،

gidecektiniz (می خواستید بروید، باید می رفتید، بنا بود بروید)،

gidecektiler/gideceklerdi (می خواستند بروند، باید می رفتند، بنا بود بروند)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مانند فوق است.

۴- زمان گذشته صریح حکایتی (belirli geçmiş zaman hikayesi):

eylem+du/dü/dı/di+y+du/dü/dı/di+kişi eki

مانند:

gittiydiler .gittiydiniz .gittiydik .gittiydi .gittiydin.gittiydim

توجه: در (ت. آ) مورد فوق زیاد استفاده نمی شود.

۵- زمان گذشته غیر صریح حکایتی یا ماضی بعید (belirsiz geçmiş zaman hikayesi):

eylem+muş/müş/mış/miş+du/dü/dı/di+kişi eki

مانند:

gitmiştim (رفته بودم)، gitmiştin (رفته بودی)، gitmişti (رفته بود)،

gitmiştik (رفته بودیم)، gitmiştiniz (رفته بودید)، gitmiştiler/gitmişlerdi (رفته بودند)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مانند فوق است.

۶- زمان وجوب حکایتی (gereklilik zaman hikayesi):
eylem+malı/meli+y+dı/di+kişi eki

مانند:

gitmeliydim (بایدمی رفتم)، gitmeliydin (بایدمی رفتی)،
gitmeliydi (بایدمی رفت)، gitmeliydik (بایدمی رفتیم)،
gitmeliydiniz (بایدمی رفتید)، gitmeliydiler (بایدمی رفتند)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مانند فوق است.

۷- صیغه خواست حکایتی (istek kipinin hikayesi):
قبلاً گفته شده است.

۸- صیغه شرط/آرزوی حکایتی (şart/dilek kipinin hikayesi):
قبلاً گفته شده است.

زمان ترکیبی روایتی ----- rivayet bileşik zamanı

در این نوع افعال، سخن از جانب شخص دیگری نقل می‌شود.

۱- زمان حال روایتی (şimdiki zaman rivayeti):
eylem+u/ü/ı/i+yor+muş+kişi eki

مانند:

gidiyormuşum (می رفته ام)، gidiyormuşsun (می رفته ای)،
gidiyormuş (می رفته)، gidiyormuşuz (می رفته ایم)،
gidiyormuşsunuz (می رفته اید)، gidiyormuşlar/gidiyorlarmış (می رفته اند)

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق با اندکی تغییر بصورت زیر نیز خواهد بود:

eylem+(y)u/ü/ı/i+r+muş/müş/mış/miş+kişi eki

۲- زمان مضارع روایتی (geniş zaman rivayeti):
eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r+muş/müş/mış/miş+kişi eki

مانند:

gidermişim (می رفته ام)، gidermişsin (می رفته ای)، gidermiş (می رفته)،
gidermişiz (می رفته ایم)، gidermişsiniz (می رفته اید)،
gidermişler/giderlermiş (می رفته اند)

توجه: در (ت. آ) فرمول فوق با اندکی تغییر بصورت زیر نیز خواهد بود:
eylem+(y)a/e+r+mış/miş+kişi eki

۳- زمان آینده روایتی (gelecek zaman rivayeti):
eylem+(y)a/e+cak/cek+mış/miş+kişi eki

مانند:

gidecekmişim (می خواسته ام بروم، باید می رفته ام، بنا بوده بروم)،
gidecekmişin (می خواسته ای بروی، باید می رفته ای، بنا بوده بروی)،
gidecekmiş (می خواسته برود، باید می رفته، بنا بوده برود)،
gidecekmişiz (می خواسته ایم برویم، باید می رفته ایم، بنا بوده برویم)،
gidecekmişsiniz (می خواسته اید بروید، باید می رفته اید، بنا بوده بروید)،
gidecekmişler/gideceklermiş (می خواسته اند بروند، باید می رفته اند، بنا بوده بروند)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مانند فوق است.

۴- زمان گذشته غیر صریح روایتی (belirsiz geçmiş zaman rivayeti):
eylem+muş/müş/mış/miş+muş/müş/mış/miş+kişi eki

مانند:

gitmişmişim (رفته بوده ام)، gitmişmişin (رفته بوده ای)، gitmişmiş (رفته بوده)،
gitmişmişiz (رفته بوده ایم)، gitmişmişsiniz (رفته بوده اید)،
gitmişmişler/gitmişlermiş (رفته بوده اند)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مانند فوق است.

۵- زمان وجوب روایتی (gereklilik zaman rivayeti):
eylem+malı/meli+y+mış/miş+kişi eki

مانند:

gitmeliymişim (باید می رفته ام)، gitmeliymişsin (باید می رفته ای)،
gitmeliymiş (باید می رفته ایم)، gitmeliymişiz (باید می رفته ایم)،
gitmeliymişsiniz (باید می رفته اید)، gitmeliymişler (باید می رفته اند)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقا مانند فوق است.

۶- صیغه خواست روایتی (istek kipinin rivayeti):
eylem+(y)a/e+y+mış/miş+kişi eki

مانند:

gideymişim (می رفته ام)، gideymişsin (می رفته ای)، gideymiş (می رفته ایم)،
gideymişiz (می رفته ایم)، gideymişsiniz (می رفته اید)،
gideymişler (می رفته اند)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقا مانند فوق است.

۷- صیغه شرط/آرزوی روایتی (şart/dilek kipinin rivayeti):
eylem+sa/se+y+mış/miş+kişi eki

مانند:

gitseymişim (اگر/کاش می رفته ام)، gitseymişsin (اگر/کاش می رفته ای)،
gitseymiş (اگر/کاش می رفته ایم)، gitseymişiz (اگر/کاش می رفته ایم)،
gitseymişsiniz (اگر/کاش می رفته اید)، gitseymişler (اگر/کاش می رفته اند)

توجه: در (ت. آ) معمولا به جای این صیغه، از صیغه خواست روایتی در آذربایجانی، استفاده می گردد.

فعل **oldurgan** و **ettirgen** ----- **oldurgan, ettirgen eylem**

۱- **oldurgan**: بر وادار نمودن به شدن کاری، دلالت می‌کند.

geçişsiz eylem+t/ut/üt/it/it
geçişsiz eylem+r/ur/ür/ır/ir/ar/er
geçişsiz eylem+dur/dür/dır/dir

که با این کار فعل لازم (**geçişsiz**) به فعل متعدی (**geçişli**) تبدیل می‌شود. در اینگونه افعال، فاعل، کار را خودش انجام می‌دهد.

(الف) - **geçişsiz eylem+t/ut/üt/it/it** مانند:

geçişsiz		oldurgan	
uyu	بخواب	uyut	بخوابان
sark	آویزان شو	sarkıt	آویزان کن
kork	بترس	korkut	بترسان
koku	بگند	kokut	بگندان
ürk	بترس	ürküt	بترسان
ak	جاری شو	akıt	جاری کن
azal	کم شو	azalt	کم کن
otur	بنشین	oturt	بنشان

مثال:

İtfaiyeci kuyuya sarktı → Arkadaşları itfaiyeciye kuyuya sarkıtı

دوستانش آتش نشان را به چاه آویزان کردند → آتش نشان به چاه آویزان شد

Fakirlerin sayısı azalacak → Yeni ekonomik model, fakirlerin sayısını azaltacak

مدل اقتصادی جدید، تعداد فقیران را کم خواهد کرد → تعداد فقیران کم خواهد شد

بچه را من خواباندم Çocuğu ben uyuttum

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقا مانند فوق است.

ب) -geçişsiz eylem+r/ur/ür/ır/ir/ar/er مانند:

geçişsiz		oldurgan	
yat	ب خواب	yatır	ب خوابان
düş	ب بیافت	düşür	ب بینداز
bit	تمام شو	bitir	تمام کن
çık	خارج شو	çıkır	خارج کن
kop	کنده شو	kopar	بکن

مثال:

Kalem düştü → Sen kalemi düşürdün

قلم افتاد → تو قلم را انداختی

Ders bitti → Öğretmen dersi bitirdi

درس تمام شد → معلم درس را تمام کرد

Öğrenci sınıftan çıktı → Öğretmen Öğrenciyi sınıftan çıkardı

دانشجو از کلاس خارج شد → معلم دانشجو را از کلاس اخراج کرد

Çocuğu ben yatırdım بچه را من خواباندم

توجه: در (ت. آ) این مورد بکار می رود ولی مثلاً بجای çıkart از çıkır و بجای kopart از kopar نیز استفاده می شود.

ج) -geçişsiz eylem+dur/dür/dır/dir مانند:

geçişsiz		oldurgan	
gül	ب خند	güldür	ب خندان
öl	ب میر	öldür	ب کُش

مثال:

Çocuk güldü → Çocuğu güldürdüm

بچه خندید → بچه را خنداندم

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مانند فوق است.

۲- **ettirgen**: بر وادار نمودن به انجام کاری، دلالت می‌کند.

geçişli eylem+t/ut/üt/ıt/it
geçişli eylem+r/ur/ür/ır/ir
geçişli eylem+dur/dür/dır/dir

که با این کار فعل متعدی دوباره به فعل متعدی (geçişli) تبدیل می‌شود و درجه متعدی بودنش بالا می‌رود. در اینگونه افعال، فاعل، کار را خودش انجام نمی‌دهد.
 الف-) **geçişli eylem+t/ut/üt/ıt/it** مانند:

geçişli		ettirgen	
yıka	بشور	yıkata	بده بشورد
temizle	تمیز کن	temizlet	بده تمیز کند
dinle	بشنو	dinlet	مجبور به شنیدن کن

مثال:

Selin evi temizledi → Annesi Selin'e evi temizletti

مادرش خانه را داد سلین تمیز کرد → سلین خانه را تمیز کرد

Çocuklar sınıfta müzik dinliyor → Öğretmen çocuklara müzik dinletiyor

معلم بچه‌ها را مجبور به شنیدن موزیک میکند → بچه‌ها در کلاس موزیک گوش می‌دهند

ماشین را دادم شستند Arabayı yıkattım

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول دقیقاً مانند فوق است.

ب-) **geçişli eylem+r/ur/ür/ır/ir** مانند:

geçişli		ettirgen	
iç	بخور	içir	بخوران

مثال:

Çocuklara süt içirdim به بچه‌ها شیر خوراندم

توجه: در (ت. آ) این مورد بکار می‌رود ولی مثلاً بجای içir از içirt نیز استفاده می‌شود.

ج- (geçişli eylem+dur/dür/dır/dir مانند):

geçişli		ettirgen	
ye	بخور	yedir	بخوران
de	بگو	dedir	مجبور به گفتن کن
yaz	بنویس	yazdır	مجبور به نوشتن کن
aç	باز کن	açtır	بده باز کند

مثال:

Öğrenciler kompozisyon yazıyor → دانشجوها انشا می نویسندÖğretmen öğrencilere kompozisyon yazdırıyor

معلم به دانشجوها انشا داد الان بنویسند

Görevli kapıyı açacak → Müdür görevliye kapıyı açtıracak

مدیر در را داد که مامور باز کند → مامور در را باز خواهد کرد

توجه: در (ت. آ) این مورد به کار می رود ولی مثلا به جای yedir از yedirt و به جای dedir از dedirt نیز استفاده می شود.توجه: می توان افعال oldurgan را نیز به ettirgen تبدیل نمود:

geçişsiz		oldurgan		ettirgen	
öl	بمیر	öldür	بکش	öldürt	بده بکشد
yat	بخواب	yatır	بخوابان	yatırt	بده بخواباند

توجه: می توان از فعل ettirgen دوباره ettirgen ساخته و درجه متعدی بودنش را بالا برد.

geçişli		ettirgen		ettirgen	
kır	بشکن	kırdır	بده بشکند	kırdırt	بده که او هم بدهد که بشکند
oku	بخوان	okut	بده بخواند	okuttur	بده که او هم بدهد که بخواند

edilgen eylem ----- فعل مجهول

eylem+ul/ül/il/il/un/ün/in/in/n

بر خلاف فعل معلوم (etken) که فاعل دارد و فاعل در جواب kim/ne eylem? (که/چه فعل؟) مشخص می گردد در فعل مجهول، فاعل پیدا نمی شود.
البته آن چیزی که در جواب (kim/ne eylem?) گفته می شود مفعول بی علامت (belirtisiz nesne) نیز می تواند باشد که اگر این جواب، کننده کار باشد فاعل و اگر تحت تاثیر کار انجام شده باشد (işten etkilenen)، مفعول است.

مثال:

Buz olmasın diye yollara tuz döküldü (döken belli değil)

بعلت اینکه یخ نبندد، به راهها نمک ریخته شد (ریزنده، مشخص نیست)

Sınav sonuçları açıklandı (açıklayan belli değil)

نتایج امتحان اعلام شد (اعلام کننده، مشخص نیست)

Anadolu'nun ücra bir kasabasına atanmış (atayan belli değil)

به یک قصبه دورافتاده آناتولی، منصوب شده است (منصوب کننده، مشخص نیست)

sözde özne (فاعل مجازی): اگر از فعل متعددی بخواهیم فعل مجهول بسازیم مفعول، **sözde özne**

خواهد بود.

مثال:

Belediye kokmuş etleri imha etti (etken)
(gerçek özne) (belirtili nesne)

شهرداری، گوشتهای گندیده را نابود کرد

Kokmuş etler imha edildi (edilgen)

sözde özne

گوشتهای گندیده نابود شدند

Ona yeni bir kazak ördüm (etken)

belirtisiz nesne

برای او یک پلیور جدید بافتم

Ona yeni bir kazak örüldü (edilgen)

sözde özne

برای او یک پلیور جدید بافته شد

Futbolcular sahnede alkışlandı (edilgen)

sözde özne

فوتبالیستها، در میدان، تشویق شدند

نکته: اگر از فعل لازم بخواهیم فعل مجهول بسازیم به علت نبودن مفعول، **sözde özne** نخواهیم داشت مانند:

Akşama kadar çarşıda gezildi (edilgen)

تا عصر در بازار، گردش شد (تا عصر، بازار، محل گردش شد)

Evde bir süre oturuldu (edilgen)

مدتی در خانه نشسته شد (مدتی خانه، محل نشستن شد)

örtülü özne (فاعل پنهان): اگر در جملات مجهول، در کنار *sözde özne* فاعل حقیقی (*gerçek özne*) هم، به کمک کلمات (*dan/den*، *ca/ce*، *nedeniyle*، *tarafından*)، *yüzünden*،

etkisiyle و... آورده شود آن فاعل حقیقی را *örtülü özne* (فاعل پنهان) گویند. مانند:

Hırsız polis tarafından yakalandı (edilgen)
(*sözde özne*) (*örtülü özne*)

دزد، توسط پلیس دستگیر شد

Yağmur nedeniyle bahçenin duvarı yıkıldı (edilgen)
(*örtülü özne*) (*sözde özne*)

به علت باران، دیوار باغچه ریخته شد

Adam mahkemece suçlu bulundu (edilgen)
(*sözde özne*) (*örtülü özne*)

یارو از طرف محکمه، گناهکار تشخیص داده شد

توجه: ممکن است که افعال ساخته شده به فرم فوق (*eylem+ul/ül/il/il/un/ün/ın/in/n*) مجهول نبوده بلکه فعل بازگشتی (*dönüşlü*) که فعل معلوم است، باشند مانند:

Mahalleye yeni bir market açıldı (edilgen)
sözde özne

یک فروشگاه جدید برای محله باز شد

Ateşi düşünce hasta açıldı (etken)
gerçek özne

با پائین آمدن تبش، مریض جان گرفت

Bayram nedeni ile sınıf süslendi (edilgen)
sözde özne

کلاس، به خاطر عید تزئین شد

Düğüne gitmek için Ayşe süslendi (etken)
gerçek özne

عایشه، بخاطر عروسی رفتن، آرایش کرد

توجه: موارد فوق همه در (ت. آ) نیز صادق است.

افعال با قالب ترکیبی ----- **bileşik çatılı eylemler**

۱- ettirgen+edilgen

oldurgan+edilgen

از فرمول $eylem+ar/er/ur/ür/ır/ir/r/dur/dür/dır/dir/ut/üt/ıt/it/t+ul/ül/il/il$ بدست می‌آید.

مثال:

Deprem tehlikesi nedeniyle çürük binalar yetkililer tarafından **başlatıldı**

بعلت خطر زلزله، ترمیم بناهای فرسوده توسط دست اندرکاران شروع شد

Zavallı adam, genç yaşında, bir akıl hastası tarafından **öldürülmüş**

آدم بیچاره، در جوانی توسط یک بیمار روانی کشته شده

İçeri girebilmek için yağmur altında saatlarca **bekletildik**

برای اینکه بتوانیم داخل شویم ساعتها زیر باران منتظر نگهداشته شدیم

Bu güzel yemekler, uzman bir aşçı tarafından **pişiriliyor**

این غذاهای خوب، توسط یک آشپز متخصص پخته می‌شود

۲- işteş+edilgen

از فرمول $eylem+(u/ü/ı/i)ş+ul/ül/il/il$ بدست می‌آید.

مثال:

Yarın saat dokuzda müzenin önünde **buluşulacak**

فردا ساعت ۹، جلوی موزه ملاقات خواهد شد (ملاقات وجود دارد)

Zam konusu, toplantıda **görüşülecek**

موضوع افزایش قیمت، در جلسه صحبت خواهد شد

İki üniversite arasındaki protokol için aylarca **yazışıldı**

به خاطر پروتکل بین دو دانشگاه، ماهها مکاتبه شد

۳- iŧteŧ+ettirgen

iŧteŧ+oldurgan

از فرمول $eylem+(u/ü/ı/i)ŧ+tur/tür/tır/tir$ بدست می آید.

مثال:

Çocuklar ellerindeki oyuncak arabaları birbirine çarpıştırıyor

بچه ها، ماشینهای اسباب بازی موجود در دستشان را بهم می کوبند

Ben istemedim, ama Aylin beni zorla o çocukla tanıŧtırdı

من نخواستم، اما آیلین مرا با آن بچه آشنا کرد

Hastaneye halamı ziyarete gittim, ama beni onunla görüŧtürmediler

به بیمارستان برای زیارت عمه ام رفتم، اما مرا با او ملاقات ندادند (به من، اجازه ملاقات با او را ندادند)

۴- dönüŧlü+edilgen

از فرمول $eylem+(u/ü/ı/i)n+ul/ül/ıl/il$ بدست می آید.

مثال:

Parti için süslenildi به خاطر پارتی، آرایش شد

Yemekten sonra bizim evde toplanıldı بعد از غذا، در خانه ما اجتماع شد (جلسه شد)

Düğüne giderken güzelce giyinildi

موقع رفتن به عروسی، حسابی لباس پوشیده شد

۵- iŧteŧ+ettirgen+edilgen

iŧteŧ+oldurgan+edilgen

از فرمول $eylem+(u/ü/ı/i)ŧ+tur/tür/tır/tir+ul/ül/ıl/il$ بدست می آید.

مثال:

Şube müdürleri, genel müdür tarafından birbirleriyle tanıŧtırıldı

مدیران شعبه، توسط مدیرکل با هم آشنا شدند

Birbirini yıllardır görmeyen kardeşler, yurt görevlileri tarafından buluŧturuldu

برادرانی که همدیگر را سالها ندیده اند، توسط ماموران خوابگاه ملاقات داده شدند (همدیگر را ملاقات کردند)

Hastalar, sadece hafta sonları aileleriyle görüŧtürülüyorlar

مریضها، فقط اواخر هفته با خانواده هایشان ملاقات داده می شوند (اجازه ملاقات دارند)

توجه: همه موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

افعال کمکی ----- yardımcı eylemler

افعالی مانند **etmek .yapmak .olmak .eylemek .kılmak .almak .vermek** می‌توانند افعال کمکی باشند که در این حالت به تنهایی بکار نمی‌روند (با اسم ترکیب می‌شوند) و بتنهایی مفهوم هم ندارند مانند:
namaz kılmak, son vermek, feyz almak

فیض گرفتن، پایان دادن، نماز خواندن

Bütün yaptıklarına pişman olacak

به تمام کرده هایش پشیمان خواهد شد

Ödevlerimi yaparken bana yardım etti

موقع انجام تکالیفم به من کمک کرد

Olacakları önceden hissettim

اتفاقاتی که رخ خواهند داد را از قبل حس کردم

Dualarımızı kabul eyle

دعاهای ما را قبول کن

Biz buna şükredelim

ما به این شکر کنیم

Benden nefret mi ediyor yoksa korkuyor mu?

از من نفرت دارد یا اینکه می‌ترسد؟

Bir daha kimsenin hakkında dedikodu yapmaya kalkışma

یکبار دیگر در حق کسی اقدام به سخن چینی کردن نکن

توجه: افعال فوق بعضاً خود بتنهایی فعل می‌شوند که در اینصورت دیگر فعل کمکی نخواهند بود مانند:

Yarın orada olurum (bulunurum)

فردا آنجا می‌شوم (حاضر می‌شوم)

Bahçemizdeki meyveler iyice oldu (olgunlaştı)

میوه های باغچه مان حسابی، شدند (رسیدند)

کاربردهای افعال کمکی:

eylem+zaman eki ol -۱

که zaman eki یکی از موارد (muş/müş/miş/miş) .u/ü/ı/i+yor .(y)a/e+cak/cek .(a/e/u/ü/ı/i)r می باشد.

مثال:

Geçirdiği kazadan sonra araba kullanamaz olmuş

بعد از تصادف کردن، طوری شده که از ماشین نمی تواند استفاده کند

Hayatımda bir kez sınavda kopya çekecek oldum, onda da yakalandım

در زندگی یک بار در امتحان خواستم تقلب کنم، در آن یک بار هم گیر افتادم

Çocuk, korku filmini seyrettiğinden beri film seyretmekten korkar oldu

بچه از تماشای فیلم ترسناک به این سو، طوری شد که از تماشای فیلم می ترسد

Birkaç ay sonra siz de Türkçe konusuyor olacaksınız

چند ماه بعد طوری خواهد شد که شما هم ترکی حرف بزنید

Bu kitaptan bilmediğim pek çok şeyi öğrenmiş oldum

از این کتاب چیزهای ندانسته خیلی زیادی یاد گرفتم

eylem+zaman eki (muş/müş/miş/miş) gibi ol/yap -۲

که zaman eki یکی از موارد (muş/müş/miş/miş) .u/ü/ı/i+yor .(y)a/e+cak/cek .(a/e/u/ü/ı/i)r می باشد.

مثال:

Taner, bir ara bayılacak gibi olunca arkadaşları çok korktu

تانر وقتی حالتش یک مدت طوری شد که انگار غش خواهد کرد، دوستانش خیلی ترسیدند

Adam, aşağıya atlayacak gibi yapınca herkesin yüreği ağzına geldi

یارو، وقتی وانمود کرد که پایین خواهد پرید، قند دل همه آب شد

Sporculardan biri yeniliyor gibi oldu, ama sonradan müsabakayı kazandı

یکی از ورزشکاران طوری شد که انگار می بازد، اما بعدا مسابقه را برد

Amerikan Doları bu sabah geriler gibi oldu, öğleden sonra yine yükseldi

دلار آمریکا صبح طوری شد که انگار پایین می آید، بعد از ظهر باز هم بالا رفت

Çocuk, annesine uyur gibi yapıp onu kandırıyordu

بچه، برای مادرش وانمود به خوابیدن نموده، او را فریب می داد

Seni ne zaman görsem ablamı görmüş gibi oluyorum

هر وقت تو را ببینم طوری می شوم که انگار خواهرم را دیده ام

Fotoğraf çekiyormuş gibi yaparak bizi kandırdı

با وانمود به اینکه انگار عکس می گرفته ما را فریب داد

Yankesici otobüse binecekmiş gibi yaparak cüzdanları alıyordu

جیب بر با وانمود به اینکه انگار می خواسته سوار اتوبوس شود کیفها را برمی داشت

توجه: موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

tezlik eylemi ----- فعل سرعت، تندى

eylem+(ma/me)(y)u/ü/ı/i+ver

انجام شدن سریع یا آسان کار را نشان می دهد مانند:

Hastalığını duyunca geliverdim (çabukluk)

به محض شنیدن مریضیت، سریع آمدم (سرعت)

Soruları okuyuverdim (çabukluk kolaylık)

سوالها را سریع و به آسانی خواندم (سرعت و آسانی)

مثالها:

Hava çok sıcak, şu pencereyi açiver

هوا خیلی گرم است، این پنجره را سریع باز کن

Havuzun kenarında ayağı kayınca suya düşüverdi

در کنار حوض به محض سرخوردن پایش، فوراً توی آب افتاد

Kadın birkaç saat içinde masayı donatıverdi

زن در عرض چند ساعت، میز را سریع تزئین کرد

Annen istemiyorsa sen de partiye gitmeyiver

اگر مادرت نمی خواهد، تو هم فوری به مهمانی نرو

فعل تداوم ----- sürerlilik eylemi

تداوم عمل را می‌رساند.

۱- eylem+(ma/me)(y)a/e gel/kal/dur

مثال:

Bu iş böyle süregelmiş

این کار، همینطور طول کشیده

Adamın arkasından bakakaldım

پشت سر یارو، در حال نگاه کردن ماندم

Sen, verdiğim işleri yapadur

کارهایی که به تو دادم را در حال انجام دادن باش

Sen sofrayı hazırlayadur, ben de yemekleri ısıtayım

تو سفره را در حال حاضر کردن باش، من هم غذاها را گرم کنم

۲- eylem+(ma/me)(y)up/üp/ıp/ip kal/dur

مثال:

Yavrum, sabah akşam demeden çalışıp duruyor

بچه ام، صبح و عصر بدون اعتراض در حال کار کردن است

Bazen sabah uyanıyorum, o daha yatmamış oluyor; şaşırp kalıyorum

بعضاً صبح بیدار می شوم و می بینم او هنوز نخوابیده؛ مات و مبهوت می مانم

Partide, masada nasıl sızıp kaldığımı da iyi hatırlıyorum

در پارتی، در میز چگونه مست شده و ماندنم را هم خوب بیاد می آورم

توجه: در (ت. آ) نیز از موارد فوق استفاده می گردد.

فعل نزدیکی ----- yaklaşma eylemi

eylem+(ma/me)(y)a/e+yaz

نزدیک شدن به تحقق فعل را نشان می دهد مانند:

Kazada babam da öleyazdı

در تصادف، پدرم هم نزدیک بود بمیرد

Yürürken düşeyazdım

موقع راه رفتن، نزدیک بود زمین بخورم

انحراف مفهوم در صیغه فعل ----- anlam kayması eylem kipinde

۱- صیغه زمان حال (şimdiki zaman kipi): صیغه زمان حال بجای زمان گذشته یا مضارع یا آینده بکار می رود.

مثال:

Onu yolda görüyor ve selam vermiyor (di'li geçmiş zaman yerine)

او را در راه می بیند (دید) و سلام نمی دهد (نداد)

Ninem, teyzeme bir mektup yazıyor ve beni

şikayet ediyor (miş'li geçmiş zaman yerine)

مادر بزرگم به خاله ام، یک نامه می نویسد (نوشته) و از من شکایت می کند (کرده)

Her Pazar buraya geliyor ve bizimle sohbet ediyor (geniş zaman yerine)

هر یکشنبه اینجا می آید و با ما صحبت می کند

Ben yarın geliyorum (gelecek zaman yerine)

من فردا می آیم (خواهم آمد)

۲- صیغه زمان مضارع (geniş zaman kipi): صیغه زمان مضارع بجای زمان گذشته یا آینده یا حال یا امر بکار می رود.

مثال:

Günlerden bir gün kasabaya yaşlı başlı bir adam gelir (geçmiş zaman yerine)

روزی از روزها به قصبه، یک مرد مسن و محترم می آید (آمد)

Merak etme, birazdan gelir (gelecek zaman yerine)

نگران نباش، کمی بعد می آید (خواهد آمد)

Şimdi sen de beni düşünür müsün? (şimdiki zaman yerine)

حالا تو هم به من فکر می کنی؟

Oraya gider, Hamza'yı bulursun (emir kip yerine)

آنجا می روی (برو)، حمزه را پیدا می کنی (پیدا کن)

۳- صیغه زمان آینده (gelecek zaman kipi): صیغه زمان آینده بجای زمان گذشته یا وجوب یا امر بکار می رود.

مثال:

Fatih İstanbul'u alacak ve Osmanlıların Balkanlar'daki varlığı kesinleşecek (geçmiş zaman yerine)

فاتح، استانبول را خواهد گرفت (را گرفت) و حضور عثمانی ها در بالکانها قطعی خواهد شد (قطعی شد)

Beni arayan Ayşe olacak (gereklilik kipi yerine)

کسی که زنگ زده عایشه خواهد بود (باید باشد)

Burayı derhal temizleyeceksin (emir kipi yerine)

اینجا را فوراً تمیز خواهی کرد (تمیز کن)

توجه: بعضی فعلها از ترکیب یک فعل با افعال کمکی یا فعل گونه ایجاد می شوند که فعل دوم از مفهوم واقعی اش دور شده است مانند:

görmezlikten gelmek .göresi gelmek

دلتنگ شدن، نادیده گرفتن

ağlayacağı tutmak .bitirmiş olmak

تمام کردن ، گریه اش گرفتن

بعضا یک اسم و فعل ترکیب می گردد که فعل از مفهوم واقعی اش دور شده است مانند:

acı çekmek .hasta düşmek

مریض شدن، سختی کشیدن

yalan atmak .nasihat vermek

نصیحت کردن، دروغ پراندن

البته ممکن است هم اسم و هم فعل از مفهوم واقعی اش دور شده باشد که در این حالت، اصطلاح بوجود می آید مانند:

başı göğе ermek

سرش به عرش رسیدن

kaşıkla yedirip sapıyla göz çıkarmak

با قاشق خورانده با دسته اش چشم درآوردن

اگر هم اسم و هم فعل مفهوم واقعی اش را از دست داده باشند ولی اصطلاح بوجود نیاید در اینصورت چسبیده نوشته می شوند مانند:

vazgeçmek, varsaymak

فرض کردن، صرف نظر کردن

elvermek, öngörmek

پیش بینی کردن، بدرد خوردن (آماده شدن)

توجه: همه موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

dolaylı anlatım ----- توضیح غیر مستقیم (نقل قول)

eyelm+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki+(n)ad durumu eki (۱)

مثال:

Deniz "Geçen yıl Mısır'a gidip gezdim" dedi

دنیز گفت: "پارسال به مصر رفته (و) گشتم"

Deniz geçen yıl Mısır'a gidip gezdiğini söyledi

دنیز، پارسال به مصر رفتن و گشتنش را بیان کرد

Genç adam, hakime "Cüzdanı ben çalmadım" diyor

مرد جوان به حاکم می‌گوید: "کیف را من نزدم"

Genç adam, hakime cüzdanı kendisinin çalmadığını söylüyor

مرد جوان، کیف نزدنش را، به حاکم توضیح می‌دهد

eyelm+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki+(n)ad durumu eki (۲)

مثال:

Gül, kızına "Akşam seni parka götürürüm" diye söz vermiş

گل به دخترش قول داده که: "عصر تو را به پارک می‌برم"

Gül, kızına akşam onu parka götüreceğine söz vermiş

گل به دخترش، عصر به پارک خواهد بردنش (پارک بردنش) را قول داده

Hava soğuktu. "Çocuklar hasta olacak" diye korktum

هوا سرد بود. به این علت ترسیدم که: "بچه‌ها مریض خواهند شد"

Hava soğuktu. Çocukların hasta olacağından korktum

هوا سرد بود. از مریض خواهد شدن (مریض شدن) بچه‌ها ترسیدم

eyelm+(y)up/üp/ıp/ip eylem+ma/me+ (۳)

dık/dik+iyelik eki+(n)ad durumu eki

مثال:

Özlem, Ali'ye "Hızlı araba kullanmayı seviyor musun?" diye sordu

اوزلم از علی پرسید که: "سریع راندن ماشین را دوست داری؟"

Özlem, Ali'ye hızlı araba kullanmayı sevip sevmediğini sordu

اوزلم از علی، علاقه داشتن یا نداشتنش به سریع راندن ماشین را سوال نمود

eyelm+(y)up/üp/ıp/ip eylem+ma/me+ (۴)
y+a/e+cak/cek+iyelik eki+(n)ad durumu eki

مثال:

Ablam, bana "Memurluk sınavına girecek misin?" diye sordu

خواهرم از من پرسید که: "امتحان کارمندی خواهی داد؟"

Ablam, bana memurluk sınavına girip girmeyeceğimi sordu

خواهرم از من، امتحان کارمندی خواهد دادن یا ندادنم (دادن یا ندادنم) را سوال نمود

ad/sıfat ol+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki+(n)ad durumu eki (۵)

ad/sıfat ol+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki+(n)ad durumu eki (۶)

مثال:

Elif "Benim bebeğim çok sevimli" diyor

الف می گوید: "بچه من خیلی دوست داشتنی است"

Elif bebeğinin sevimli olduğunu söylüyor

الف، دوست داشتنی بودن بچه اش را ذکر می کند

Yeşim "Uzun zamandır hiç keyfim yok" dedi

یشیم گفت: "مدتها است اصلا حال ندارم"

Yeşim uzun zamandır hiç keyfinin olmadığını söyledi

یشیم، مدتها است اصلا حال نداشتنش را عنوان کرد

ad/sıfat olup ol+ma+dık+iyelik eki+(n)ad durumu eki (۷)

مثال:

Turgay "Film güzel miydi?" diye sordu

تورقای پرسید که: "فیلم خوب بود؟"

Turgay filmin güzel olup olmadığını sordu

تورقای، خوب بودن یا نبودن فیلم را سوال نمود

ad/sıfat olup ol+ma+y+a+cak+iyelik eki+(n)ad durumu eki (۸)

مثال:

Ayşin, kuzenine "İki ay sonra Türkiye'de misin?" diye sordu

آی‌شین از پرس‌عمویش پرسید که: "دو ماه بعد در ترکیه هستی؟"

Ayşin, kuzenine iki ay sonra Türkiye'de olup olmayacağını sordu

آی‌شین از پرس‌عمویش، دو ماه بعد در ترکیه خواهد بودن یا نبودنش (بودن یا نبودنش) را سوال نمود

eyelm+(ma/me)ma/me+iyelik eki gerekeceğini (۹)

eyelm+(ma/me)ma/me+iyelik eki gerektiğini (۱۰)

مثال:

Serap "Bayramda annemi ziyaret etmeliyiz" diye düşünüyor

سراپ به این می‌اندیشد که: "عید، مادرم را باید زیارت کنیم"

Serap bayramda annesini ziyaret etmeleri gerektiğini düşünüyor

سراپ، به ضرورت زیارتشان از مادرش در عید می‌اندیشد

Ben şoföre "Yoğun trafikte hızlı gitmemelisin" diye hatırlattım

من به راننده یادآوری کردم که: "در ترافیک سنگین نباید سریع بروی"

Ben şoföre yoğun trafikte hızlı gitmemesi gerektiğini hatırlattım

من به راننده لزوم سریع نرفتنش در ترافیک سنگین را یادآوری کردم

eyelm+(ma/me)mak/mek iste+dik+iyelik+(n)belirtme durumu (۱۱)

مثال:

Öğrenciler "Artık teneffüse çıkalım" dediler

دانشجویها گفتند: "دیگر به تنفس برویم"

Öğrenciler, artık teneffüse çıkamak istediklerini söylediler

دانشجویها دیگر، تمایلشان را در رفتن به تنفس عنوان کردند

Çocuk, annesine "Bugün süt içmeyeyim" dedi

بچه، به مادرش گفت: "امروز شیر نخورم"

Çocuk, annesine bugün süt içmek istemediğini söyledi

بچه به مادرش، عدم تمایلش به شیر خوردن امروز را عنوان کرد

eyelm+(ma/me)ma/me+iyelik iste+dik+iyelik+(n)belirtme durumu (۱۲)
eyelm+mak/mek iste+y+ip iste+me+dik+iyelik+(n)belirtme durumu (۱۳)

مثال:

Şakir, bana "Yemeğe gidelim mi?" diye sordu

شاکر، از من پرسید که: "به غذا برویم؟"

Şakir, bana yemeğe gitmek isteyip istemediğimi sordu

شاکر از من، تمایل یا عدم تمایل در رفتن به غذا را سوال نمود

eyelm+ma/me+y+I/İ iste+y+ip iste+me+dik+iyelik+(n)belirtme durumu (۱۴)
eyelm+ma/me+iyelik+(n)I/İ iste+y+ip iste+me+dik+iyelik+(n)belirtme durumu (۱۵)

مثال:

Çocuk, annesine "Ben sana yardım edeyim mi?" diye sordu

بچه از مادرش پرسید که: "من به تو کمک کنم؟"

Çocuk, annesine kendisinin ona yardım etmesini isteyip istemediğini sordu

بچه از مادرش، تمایل یا عدم تمایلش در کمک کردن خودش به او را سوال نمود

eyelm+ma/me+y+a/e izin ver+ip ver+me+dik+iyelik+(n)belirtme durumu (۱۶)
eyelm+ma/me+iyelik+(n)a/e izin ver+ip ver+me+dik+iyelik+(n)belirtme durumu (۱۷)

مثال:

Emre, bana "Bir tane daha çikolata alabilir miyim?" diye sordu

امره از من پرسید که: "یک دانه دیگر شکلات میتوانم بردارم؟"

Emre, bana bir tane daha çikolata almasına izin verip vermediğimi sordu

امره از من، اجازه دادن یا ندادنم به یک دانه دیگر شکلات برداشتنش را سوال نمود

توجه: همه موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

فعل متعدی و لازم ----- geçişli ve geçişsiz eylem

۱- فعل متعدی (geçişli): در جمله مربوط به این فعل، مفعول (nesne) وجود دارد. که مفعول در جواب kim/ne/kimi/neyi eylem? (که/چه/کی را/چی را فعل؟) مشخص می گردد. البته آن چیزی که در جواب kim/ne eylem? (که/چه فعل؟) گفته می شود فاعل (özne) نیز می تواند باشد که اگر این جواب، کننده کار باشد فاعل و اگر تحت تاثیر کار انجام شده باشد مفعول است.

۲- فعل لازم (geçişsiz): در جمله مربوط به این فعل، مفعول (nesne) وجود ندارد.

مثال:

Askerler buradan <u>geçti</u> (geçişsiz)	سربازان از اینجا گذشتند
Bu araba öteki arabayı <u>geçti</u> (geçişli)	این ماشین، از آن یکی ماشین سبقت گرفت
Ben dün Kızılay'dan kitap <u>aldım</u> (geçişli)	من دیروز از کزلای، کتاب خریدم
Ahmet odada film <u>seyrediyor</u> (geçişli)	احمد در اتاق، فیلم تماشا می کند
Sen ne <u>dinliyorsun?</u> (geçişli)	تو چه چیزی گوش می دهی؟
Bu akşam sinemaya <u>gidiyoruz</u> (geçişsiz)	عصر به سینما می رویم
Sen saat kaçta <u>yatıyorsun?</u> (geçişsiz)	تو ساعت چند می خوابی؟
Siz kimden <u>korkuyorsunuz?</u> (geçişsiz)	شما از که می ترسید؟

وضعیت تصریح ----- belirtme durumu

۱- مفعول علامت دار (belirtili nesne): با علامت (y)u/ü/ı/i مشخص می گردد که این مفعول در جواب **kimi/neyi eylem?** (کی را/چی را فعل؟) مشخص می گردد.

۲- مفعول بی علامت (belirtisiz nesne): این مفعول در جواب **kim/ne eylem?** (که/چه فعل؟) مشخص می گردد. البته آن چیزی که در جواب **kim/ne eylem?** گفته می شود فاعل (özne) نیز می تواند باشد که اگر این جواب، کننده کار باشد فاعل و اگر تحت تاثیر کار انجام شده باشد (işten etkilenen) مفعول است.

مثالها:

خانه اش سوخت (belirtisiz nesne) **Evi yandı** (در جواب **ne yandı?**)
در مثال فوق **i** در **Evi**, **iyelik eki** می باشد.

خانه را فروخت (belirtili nesne) **Evi sattı** (در جواب **neyi sattı?**)
در مثال فوق **i** در **Evi**, **belirtme durumu eki** می باشد.

از استانبول راحت الحلقوم گرفتم (belirtisiz nesne) **İstanbul'dan lokum aldım**
که در جواب (**ne aldım?**)، **lokum** مشخص می گردد پس **lokum**, مفعول بی علامت (belirtisiz nesne) می باشد.

راحت الحلقوم را از استانبول گرفتم (belirtili nesne) **Lokumu İstanbul'dan aldım**
که در جواب (**neyi aldım?**)، **lokumu** مشخص می گردد پس **lokum**, مفعول با علامت (belirtili nesne) می باشد.

در خیابان یک سگ دیدم (belirtisiz nesne) **Sokakta bir köpek gördüm**
در خیابان سگ تو را دیدم (belirtili nesne) **Sokakta senin köpeğini gördüm**

عصرانه حاضر می کنم (belirtisiz nesne) **Akşam yemeği hazırlıyorum**
غذای عایشه را حاضر می کنم (belirtili nesne) **Ayşe'nin yemeğini hazırlıyorum**

Dün bir saat otobüs bekledim (belirtisiz nesne)

دیروز یک ساعت منتظر اتوبوس شدم

Dün bir saat Ahmet'i bekledim (belirtili nesne)

دیروز یک ساعت احمد را انتظار کشیدم

Sınavda olunca soru çözdüm (belirtisiz nesne)

در امتحان تا حد ممکن، مسئله حل کردم

Belediye başkanı dün tutuklandı (belirtisiz nesne)

دیروز رئیس شهرداری بازداشت شد

توجه: موارد فوق در (ت، آ) نیز صادق است.

حال به فرمهای زیر توجه کنید:

۱- nesne+(y)u/ü/ı/i geçişli eylem

که Y زمانی بکار می رود که آخرین حرف nesne، باصدا باشد.

مثال:

Yemeği lokantada yedik غذا را در رستوران خوردیم

Mektubu anneme yazdım نامه را برای مادرم نوشتم

Şu tabloyu beğendiniz mi? این تابلو را پسندیدید؟

Hangi mevsimi seviyorsun? کدام فصل را دوست داری؟

Seni duymuyorum, yüksek sesle konuş

صدای تو را نمی شنوم، با صدای بلند صحبت کن

Onları davet ettin mi? آنها را دعوت کردی؟

Ankara'yı sevdim آنکارا را پسندیدم

Afrika'da sadece Tunus'u gördüm

در آفریقا فقط تونس را دیدم

Bahçeyi kapıcı temizledi باغچه را دربان تمیز کرد

توجه: در (ت. آ) بجای (y) میتوان (n) نیز بکار برد. مانند:

Bahçeyi/ Bahçeni kapıcı temizledi

nesne+iyelik eki+(n)u/ü/ı/i geçişli eylem -۲

مثال:

Arabayı beğendim

ماشینت را پسندیدم

Kitaplarınızı açın

کتابهایتان را باز کنید

Bavulumu hazırladım

چمدانم را آماده کردم

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول فوق صادق است. بدیهی است که iyelik eki در فرمول، مربوط به ضمائر ملکی در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش iyelik ekleri) فقط در دوم شخص مفرد میتوان بجای n/un/ün/in/ın/ün/ün/uv/üv/ıv/iv استفاده نمود. مانند:

Arabayı beğendim/Arabayı beğendim

ماشینت را پسندیدم

Kitaplarınızı açın

کتابهایتان را باز کنید

Bavulumu hazırladım

چمدانم را آماده کردم

tamlayan+(n)u/ü/ı/i+n tamlanan+(s)u/ü/ı/i+n+u/ü/ı/i geçişli eylem -۳

مثال:

Sınıfın kapısını açın

در کلاس را باز کنید

Arkadaşımın evini çok beğendim

خانه دوستم را خیلی پسندیدم

Masanın üstünü sildin mi?

روی میز را تمیز کردی؟

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول فوق صادق است.

çekim eki ----- **پسوندها صرف**

پسوندها بر دو نوعند:

۱- çekim eki (پسونده صرف): پسوندی است که با اضافه نمودن آن، مفهوم کلمه عوض نمی شود مانند:

O bize gelecek او به خانه ما خواهد آمد

۲- yapım eki (پسونده ساخت): پسوندی است که با اضافه نمودن آن، مفهوم کلمه عوض می شود مانند:

سال آینده gelecek yıl

اسم ----- ad

اسم خاص (**özel ad**): فقط یک وجود (هستی) را مشخص می کند مانند:

Mustafa Kemal Atatürk vatanımızı kurtardı

مصطفی کمال آتاتورک وطنمان را نجات داد

Asya nerededir? Dünya'daki anakaralardan biridir

آسیا در کجاست؟ یکی از قاره های اصلی دنیاست

Türkiye'de ۸۱ şehir var. Ankara, İstanbul, İzmir, Adana v.b

در ترکیه ۸۱ شهر هست. آنکارا، استانبول، ازمیر، آدانا و غیره

Hastalar Kızılay'dan kan bulur

مریضها از کızıیل آی (صلیب سرخ) خون بدست می آورند

Güneş'e en yakın gezegen Merkür'dür

نزدیکترین سیاره به خورشید، عطارد است

Türk Tarih Kurumu, Türklerin tarihi ile ilgili kurulmuş bir kurumdur

موسسه تاریخ ترک، یک موسسه تاسیس شده در مورد تاریخ ترکها می باشد

İnsanlarla iletişim kurmak için Türkçeyi öğrenmeliyiz

برای برقرار کردن ارتباط با انسانها، ترکی را باید یاد بگیریم

اسم جنس (**tür adı**): وجودهای از یک نوع را مشخص می کند که شامل موارد زیر می باشد:

vücut parçaları ve organ adları (اسامی بخشها و اعضای بدن)،

akrabalık dalları (شاخه های خویشاوندی)،

tüm hayvan ve bitki adları (اسامی تمام حیوانات و گیاهان)،

tüm araç ve gereç adları (اسامی تمام وسایل و وسایط)

مثال:

Vücut parçalarımız nelerdir? Göğüs, bacak, sırt, el, dudak vb

بخشهای بدنمان کدام ها هستند؟ سینه، پا، پشت، دست، لب و غیره

Organlarımız nelerdir? Mide, kalp, beyin, akciğer vb

اعضای بدنمان کدام ها هستند؟ معده، قلب، مغز، ریه و غیره

Kimler akraba olur? Amca, dayı, teyze, hala vb

به چه کسانی خویشاوند اطلاق می شود؟ عمو، دایی، خاله، عمه و غیره

Afrika'da hangi hayvanlar yaşar? Aslan, fil, zürafa vb

در آفریقا کدام حیوانات زندگی می کنند؟ شیر، فیل، زرافه و غیره

Birkaç bitki adlarını yazınız: Devedikeni, kuşkonmaz vb

چند تا اسامی گیاهان را بنویسید: خار شتر، مارچوبه و غیره

gövde, teyze, yılan, elma, kalem, süpürge

جارو، قلم، سیب، مار، خاله، تنه

یک مثال دیگر:

Kitap en yakın arkadaştır

کتاب، نزدیکترین دوست است

توجه: مثال فوق کل کتابها را نشان می دهد البته بعضا فقط یک یا چند واحد از آن نوع را نشان می دهد مانند:

Kitap, savaş yıllarını anlatıyor

کتاب، سالهای جنگ را توضیح می دهد

اسم مفرد (**tekil ad**): اسمی که پسوند lar/ler نگرفته باشد مانند:

çocuk .toka .bardak .çiçek

گل، لیوان، سگک، بچه

اسم جمع (**çoğul ad**): اسمی که پسوند lar/ler گرفته باشد مانند:

geceler .aylar .halılar .evler .insanlar

انسانها، خانه ها، قالی ها، ماهها، شبها

توجه: البته پسوند lar/ler غیر از کاربردش برای اسم جمع، در موارد زیر نیز استفاده می گردد:

۱- خانواده (aile) مانند خانواده دائمی dayımlar

۲- مبالغه (abartı) مانند دنیاها dünyalar

۳- شباهت (benzeri) مانند سلطانها (مثل سلطان) sultanlar

۴- هر (her) مانند عصرها (هر عصر) akşamlar

۵- احترام و تحقیر (saygı و küçümseme) مانند جناب آقا beyefendiler

قاعده: اسامی اعضای بدن (organ)، زمان (zaman)، فعل (eylem)، گیاه (bitki)، حیوان (hayvan)، موجود بی جان (cansız varlık)، مفهوم مجرد (soyut kavram) اگر بعنوان فاعل (özne) و جمع (çoğul) بکار روند فعل یا مسند (yüklem)، مفرد خواهد شد.

مثال:

<u>Otobüsler durakta bekliyor</u> (cansız varlık)	اتوبوسها در ایستگاه منتظرند
<u>Sonbaharda yapraklar sararıyor</u> (cansız varlık)	در پاییز برگها زرد میشوند
<u>Aylar su gibi aktı</u> (zaman)	ماهها مثل آب گذشتند
<u>Dertler bitti</u> (soyut kavram)	دردها تمام شدند
<u>Kuşlar uçtu</u> (hayvan)	پرندگان پرواز کردند
<u>Ağaçlar kurumuş</u> (bitki)	درختان خشکیده اند
<u>Gözler yalan söylemez</u> (organ)	چشمها دروغ نمی گویند

همچنین فاعلهایی که با عدد (sayı) مشخص شده اند فعلش مفرد است.

مانند:

Beş kişi sınava girdi پنج نفر وارد امتحان شدند
همانطوریکه می بینید اسم بعد از عدد نیز بصورت مفرد بکار رفته است یعنی اگر بصورت Beş kişiler بکار می رفت اشتباه می شد.

توجه: bu/şu/o را موقع جمع بستن بصورت bunlar/şunlar/onlar جمع می بندیم.
و در (ت. آ) bu/o بصورت bular/olar جمع بسته میشود.

اسم اجتماع (topluluk ad): ظاهر مفرد دارند ولی در مفهوم جمع بکار می روند مانند:

grup . takım . aile . millet . bölük . sürü . ordu . orman

جنگل، ارتش (لشگر، قشون)، گله، دسته، ملت، خانواده، تیم، گروه

توجه: اسم اجتماع می تواند پسوند lar/ler نیز بگیرد مانند:

Ordular, ilk hedefiniz Akdeniz'dir, ileri ...!

ای لشگرها، هدف اولتان دریای آک دنیز (مدیترانه) می باشد، به پیش ...!

Toplumlar kendi kültürlerini kendileri yaratır

اجتماعات، فرهنگ خود را خودشان خلق می کنند

توجه: بعضا اسامی مفرد از طریق **ad aktarması** (انتقال اسم) اسم اجتماع می تواند باشد مانند:

Bütün sınıf, bu duruma üzüldü (sınıfın içindeki öğrenciler)

کل کلاس، به این وضعیت ناراحت شد (دانش آموزان داخل کلاس)

Meclis konuyu görüşüyor (Meclisin içindeki Milletvekilleri)

مجلس، موضوع را بحث می کند (نمایندگان های داخل مجلس)

اسم مشخص (somut ad): اسامی که حداقل با یکی از ۵ اندام حسی بشود آن را حس نمود، است مانند:

rüzgar .su .koku .ışık .hava .ses

صدا، هوا، نور، بو، آب، باد

اسم مجرد (soyut ad): اسامی که با هیچکدام از ۵ حس نشود آن را حس نمود، است مانند:

özgürlük .umut .sevinç .düşünce .cesaret

جسارت، فکر، شادی، امید، آزادی

اسم فعل (ad-eylem): با پسوندهای **ma/me .mak/mek .(y)uş/üş/ış/iş** ساخته می شود مانند:

anlayış .bakış .soruşturma .bakmak .yürümek

راه رفتن، نگاه کردن، بازپرسی کردن، نگرش، فهم

توجه: اسم فعل می تواند بعنوان صفت بکار رود مانند:

takma diş .yapma bebek

عروسک مصنوعی، دندان عاریه ای

توجه: اسم فعل بعضا مفهوم فعلی اش را از دست داده و فقط اسم می باشد مانند:

Değişik bir yemek yapmış, annesi

مادرش، یک غذای متفاوت پخته است

Şimdi, bir dondurma olsa da yesek

کاش الان یک بستنی باشد که بخوریم

وظیفه اسم در جمله:

(الف) - در حالت ساده (بدون پسوند) **özne** و یا **belirtisiz nesne** می باشد مانند:

Öğretmen başarılı öğrencilere hediye dağıttı

özne

belirtisiz nesne

معلم بین دانش آموزان موفق، هدیه پخش کرد

ب)- در حالت **belirtme durumu** وظیفه **belirtili nesne** می گیرد مانند:

Tabloları duvara astık

تابلوها را به دیوار آویزان کردیم

ج)- در وضعیتهای **bulunma**, **yönelme** و **uzaklaşma** (çıkma) در جمله

dolaylı tümlec (متمم) خواهد بود مانند:

Pencereden dışarıya bakıyor, dışarıda olanları seyrediyor

از پنجره به بیرون نگاه می کند، آنها را در بیرون تماشا می کند

توجه: البته اگر کلمه قبل از (a/e, da/de, dan/den) زمان (zaman) یا وضعیت (durum) فعل را نشان

دهد **belirteç** (zarf tümlec) خواهد بود مانند:

Gün ışığında çalışmam (zaman)

در روشنایی روز کار نمی کنم (زمان)

Heyecandan ağladım (durum)

از هیجان گریه کردم (وضعیت)

د)- در حالت اضافه شدن پسوند فعلی به اسم، مسند (**yüklem**) خواهند بود مانند:

Beni soran Ayşe'ymiş

yüklem

کسی که مرا پرسید عایشه بوده (عایشه مرا پرسیده)

اسم ساده (basit ad): اسامی که مشتق یا مرکب نباشند (**yapım eki** نگرفته باشند و در صورت گرفتن

پسوند، فقط **çekim eki** گرفته باشند) مانند:

taş, balık, sopa

کتک، ماهی، سنگ

اسم مشتق (türemiş ad): اسامی که با اضافه نمودن **yapım eki** به بن فعل یا اسم ایجاد می شوند

مانند:

sor-gu, ört-ü, seç-enek

گزینه، حجاب، بازپرسی

اسم مرکب (**bileşik ad**): از ترکیب چند کلمه ایجاد می شود مانند:

bilgisayar, külbastı, aslanağzı

گل میمون، گوشت بریان، کامپیوتر

توجه: پسوند **cuk/cük/cık/cik** مفاهیم زیر را به اسامی می دهد:

۱- برای تصغیر (**küçültme**) مانند:

Soru kitapçıkları dağıtıldı

کتابچه های سوالی پخش شدند

۲- در مفهوم محبت (**sevgi**) مانند:

Kapıyı güler yüzlü ninecik açtı

مادر بزرگ عزیز و خوشرو در را باز کرد

۳- در مفهوم ترحم (**acıma**) مانند:

Kedicik bütün gece dışarıda kalmış

گره بیچاره، تمام شب بیرون مانده

توجه: بعضا پسوند فوق اسامی **somut** نیز می سازد مانند:

maymuncuk .arpacık .gelincik .bademcık .elmacık

سیب چه / و جنه، لوزه، راسو / گل لاله، آبله چشم، قفل بازکن

توجه: پسوندهای **cak/cek** و **cağız/ceğiz** مفهوم ترحم را به اسامی می دهند مانند:

yavrucak .adamcağız

مرد بیچاره، طفلک

توجه: همه موارد گفته شده برای اسم، در (ت. آ) هم صادق است.

lik ad yapma eki ----- **پسوند اسم ساز lik**

ad+luk/lük/lık/lik=ad/sıfat

sıfat+luk/lük/lık/lik=ad

مثال:

Tuzluk masanın üstünde duruyor نمکدان روی میز می باشد

Öğretmenlik zor bir meslektir معلمی یک شغل سختی است

Akrabalık türkler için çok önemlidir رابطه خویشاوندی برای ترکها خیلی مهم است

Kiralık ev bulmak zor پیدا کردن خانه کرایه ای سخت است

Ona mutluluk diliyorum آرزوی شادی برای او دارم

Kağıtları çöplüğe at! کاغذها را در آشغالدان بینداز!

توجه: در (ت. آ) نیز قاعده فوق صادق است.

adlaştırma ----- **اسم سازی**

که از فعل، اسم ساخته می شود و به آن اسم فعل (ad-eylem) میگویند. و به ۳ فرم زیر ساخته می شود:

الف) -eylem+(ma/me)mak/mek

که به فرمهای زیر استفاده می گردد:

۱- eylem+(ma/me)mak/mek

مثال:

Trafik kurallarına uymak gerek

پیروی کردن از قوانین ترافیک، ضروری است

Gürültülü müzik dinlemek beni rahatsız ediyor

گوش دادن موزیک پرسر و صدا مرا ناراحت می کند
Yalan söylemek yanlış bir davranıştır

دروغ گفتن، یک رفتار اشتباهی است
Girmek yasaktır

ورود، ممنوع است

eylem+(ma/me)mak/mek+ta/te -۲

مثال:

Sigara içmemekte fayda var

در سیگار نکشیدن، فایده هست (سیگار نکشیدن، فایده دارد)

Haftada en az iki saat spor yapmakta yarar var

درحداقل ۲ ساعت ورزش کردن در هفته، سود هست (هفته ای حداقل ۲ ساعت ورزش، فایده دارد)

eylem+(ma/me)mak/mek+tan/ten -۳

مثال:

Yalan söylemekten nefret ederim

از دروغ گفتن متنفرم

Geceleri yalnız kalmaktan korkarım

شبها از تنها ماندن (تنهایی) می ترسم

eylem+mak/mek iste -۴

مثال:

Tatilde Kapadokya'ya gitmek istiyorum

در تعطیلات، می خواهم به کاپادوکیه بروم

Ben şimdi uyumak istemiyorum

من الان نمی خواهم بخوابم

eylem+(ma/me)ma/me (ب)-

که به فرمهای زیر استفاده می گردد:

۱- eylem+ma/me

مثال:

Dün bir okuma-anlama alıştırması yaptık

دیروز یک تمرین خواندن-فهمیدن کردیم

Çalışma odasını maviye boyadık

اتاق کار را به رنگ آبی درآوردیم

Sigara içme alışkanlığı toplumdaki herkese zarar verir

عادت به سیگار کشیدن به هرکس در اجتماع ضرر میزند

TOFEL'de konuşma dersleri başladı

در تافل دروس مکالمه شروع شد

۲- eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki

مثال:

Trafik kurallarına uymamız gerek

پیروی کردنمان از قوانین ترافیک ضروری است

Gürültülü müzik dinlemeniz beni rahatsız ediyor

موزیک پر سر و صدا گوش دادنتان مرا ناراحت می کند

Yalan söylemen hiç hoş değil

دروغ گفتنت اصلا خوب نیست

Görevliden başkasının girmesi yasaktır

واردشدن هرکس دیگر غیر از مامور ممنوع است

۳- eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki+(n)da/de

مثال:

Sigara içmemesinde fayda var

در سیگار نکشیدنش فایده است (سیگار نکشیدنش فایده دارد)

Haftada en az iki saat spor yapmamızda yarar var

در هفته، در حداقل ۲ ساعت ورزش کردنمان سود است (هفته ای حداقل ۲ ساعت ورزش کردنمان، فایده دارد)

Diyet yapıyorum, ama meyve yememde bir sakınca yok

رژیم می گیرم، ولی در میوه خوردنم مانعی نیست (ولی میوه خوردنم مانعی ندارد)

eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki+(n)dan/den -۴

مثال:

İnsanların bana yalan söylemesinden nefret ederim

از دروغ گفتن انسانها به من متنفرم

Bazıları köpeklerin havlamasından korkar

بعضیها، از پارس کردن سگها می ترسند

eylem+(ma/me)ma/me+y+a/e -۵

مثال:

Ankara'da yaşamaya alıştım

به زندگی کردن در آنکارا عادت کردم

Yemek yemeye az önce başladık

کمی قبل، شروع به غذا خوردن کردیم

eylem+(ma/me)ma/me+y+I/İ -۶

مثال:

Şu kazağı almayı çok istiyorum

خریدن این پلیور را خیلی دوست دارم

Ahmet, Ayşe'yle evlenmemeyi düşünüyor

احمد تصمیم به ازدواج نکردن با عایشه گرفته

eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki+(n)a/e -۷

مثال:

Öğretmenimiz bizim derse geç girmemize kızıyor

معلممان، به تأخیرمان در کلاس عصبانی می شود

۸- eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki+(n)I/İ

مثال:

Babam benim doktor olmamı istiyor

پدرم، دکتر شدنم را می خواهد (می خواهد دکتر شوم)

Sizin cevap vermenizi bekliyorum

منتظر جواب دادنتان هستم

۹- eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki+(n)I/İ söyle/emret/rica et/iste

که بصورت غیرمستقیم (dolaylı) می باشد.

مثال:

Trafik polisi, çocuklara "Trafik kurallarına mutlaka uyun!" dedi

پلیس ترافیک به بچه ها گفت: "از قوانین ترافیک حتما پیروی کنید!"

Trafik polisi, çocuklardan trafik kurallarına uymalarını istedi

پلیس ترافیک از بچه ها، پیرویشان از قوانین ترافیک را خواستار شد

Öğretmen, bize "Derstlerinize iyi çalışın!" dedi

معلم به ما گفت: "درسهایتان را خوب بخوانید!"

Öğretmen, bize derslerimize iyi çalışmamızı söyledi

معلم از ما، خوب درس خواندنمان را خواستار شد

Komutan, askere "Kapıyı aç!" diye emretti

فرمانده به سرباز با گفتن "در را باز کن!" دستور داد

Komutan, askere kapıyı açmasını emretti

فرمانده، باز کردن در را به سرباز امر نمود

توجه: همانطور که در مثال بالا در emretti نیز می بینیم موقع اضافه نمودن فعل کمکی به کلمه دیگر اگر در

آن کلمه تغییر صدایی داشته باشیم به صورت چسبیده وگرنه جدا نوشته می شود مانند:

emir+etti=emretti دستور داد

kahır+oldum=kahroldum پریشان شدم

tutsak+etmek=tutsak etmek اسیر کردن

ج- (eylem+(y)uş/üş/ış/iş)

مثال:

Onun bakışları beni rahatsız ediyor

نگاههای او مرا ناراحت می کند

Ders çıkışında buluşalım mı?

موقع خروج از درس همدیگر را ملاقات کنیم؟

Anlayışın için sana çok teşekkür ederim

به خاطر درک و فهمت از تو خیلی تشکر می کنم

Gülüşün çok hoş

خنده ات (خنده هایت) خیلی خوشایند است

توجه: همه موارد گفته شده در اسم سازی در (ت. آ) نیز وجود دارد.

مضاف و مضاف الیه ----- ad tamlaması

ترکیب دو کلمه که در آن، یک کلمه، کلمه دیگر را توضیح می‌دهد (ترکیب اضافی)
چند مثال:

Denizin sesi bir melodi gibi geliyordu kulağıma

صدای دریا مثل یک ملودی به گوشم می‌رسید

Kış ayları burada oldukça ılıman geçiyor

ماههای زمستان در اینجا خیلی معتدل سپری می‌شود

Ona hediye olarak yün gömlek aldım

برای او بعنوان هدیه پیراهن پشمی گرفتم

که اولی tamlayan (مضاف الیه) و دومی tamlanan (مضاف) می باشد.

۱- علامت دار ----- belirtili

که بطور خلاصه بصورت زیر خواهد بود:

tamlayan+(n)u/ü/ı/i+n tamlanan+(s)u/ü/ı/i

که tamlayan مضاف الیه و tamlanan مضاف است مانند: مادر علی Ali'nin annesi

همانطوریکه ملاحظه می کنید حرف n طبق قاعده kaynaşma بین دو حرف با صدا قرار گرفته است.

البته مثلاً برای su و ne بجای (n) از (y) استفاده می شود مانند:

neyin sesi, suyun hızı

سرعت آب، صدای چی

مثال:

Türkiye'nin başkenti Ankara'dır پایتخت ترکیه آنکاراست

Bugün annem ve ben Atatürk'ün evine gidiyoruz

امروز مادرم و من به خانه آتاترک میرویم

Ankara'nın nüfusu kaç? جمعیت آنکارا چقدر است؟

قاعده: جمله با حرف بزرگ شروع می شود. نیز مصراع (dizi)، با حرف بزرگ شروع می شود. همچنین اسامی اشخاص، کشورها، ملت (ulus)، دین (din)، زبان (dil)، مذهب (mezhep)، شهر (il)، شهرستان (ilçe)، روستا (köy)، بلوار (bulvar)، جاده (cadde)، خیابان (sokak)، محله (mahalle)، قاره (kita)، منطقه (bölge)، کوه (dağ)، دریا (deniz)، دشت (ova)، نهر (nehir)، دریاچه (göl)، جنگل (orman)، موسسه (kurum, kuruluş)، انجمن (dernek)، حزب (parti)، وقف (vakıf)، عمارت (yapı)، اثر (yapıt)، کتاب (kitap)، روزنامه (gazete)، مجله (dergi) نیز با حرف بزرگ شروع می شوند.

توجه: در مثالهای قبل از قاعده، اسامی Ankara, Bugün, Atatürk نیز طبق قاعده فوق با حرف بزرگ شروع شده اند.

چند ویژگی:

۱- بین tamlanan و tamlayan کلمات دیگر هم می تواند بیاید مانند:

çocuğun sabaha kadar süren ağlaması

گریه تا صبح طول کشنده بچه (گریه بچه که تا صبح طول کشید)

۲- جای tamlanan و tamlayan می تواند عوض شود مانند:

Vurur, deryalara ışığı adaların

نور جزیره ها به دریاها می خورند (می تابند)

۳- یکی از tamlayan یا tamlanan می تواند بیش از یکی باشد مانند:

çocukluğumun acıları, sevinçleri, umutları

سختیها، شادیها و امیدهای بچگی ام

annemin, babamın ve kardeşimin özlemi

حسرت مادرم، پدرم و برادرم

۴- یکی از **tamlayan** یا **tamlanan** می تواند صفت داشته باشد مانند:
yeşil gömleğin düğmeleri

دگمه های پیراهن سبز
çocuğun sarı saçları
موهای زرد بچه

۵- اگر انتخاب مطرح باشد می توان بجای پسوند **tamlayan** از **dan/den** استفاده نمود مانند:
çocuklardan birkaçı

چندتائی از بچه ها
aşağıdakilerden hangisi
کدام یک از پائینی ها

۶- اسم فعل می تواند **tamlayan** یا **tamlanan** باشد مانند:
okumanın yararları

فواید خواندن
çocuğun yürüyüşü
پیاده روی بچه

۷- بعضا **tamlayan** یا **tamlanan** حذف می گردد مانند:
Umutları suya düştü (Onun umutları)

امیدهایش نقش بر آب شد (امیدهای او)
Ev, onlarınmış (onların eviymiş)
خانه، مال آنها بوده (خانه آنها بوده)

۸- **belirtili ad tamlaması** می تواند بعنوان صفت بکار رود مانند:
anasının gözü adam

آدم چشم مادرش (آدمی که نور دیده مادرش است)
gözümün bebeği oğlum
پسر عدسی چشمم (پسر م که نور دیده ام می باشد)

توجه: همه قواعد گفته شده در بالا در زبان (ت. آ) هم عینا وجود دارد.

توجه: اگر **tamlayan** (مضاف الیه)، ضمیر شخصی (**kişi adlı**) باشد فرمول به صورت زیر خواهد بود:

ben	ben+iyelik eki tamlanan+iyelik eki
sen	sen+iyelik eki tamlanan+iyelik eki
o	o+n+un tamlanan+iyelik eki
biz	biz+im tamlanan+iyelik eki
siz	siz+in tamlanan+iyelik eki
onlar	onlar+ın tamlanan+iyelik eki

مانند:

benim evim (خانه من)، **senin evin** (خانه تو)، **onun evi** (خانه او)
bizim evimiz (خانه ما)، **sizin eviniz** (خانه شما)، **onların evleri** (خانه های آنها)

توجه: در (ت. آ) نیز فرمول فوق صادق است. بدیهی است که **iyelik eki**، در فرمول، مربوط به ضمائر ملکی در آذربایجانی خواهد بود (مراجعه به بخش **iyelik ekleri**).

مانند:

benim evim (خانه من)، **senin evin** (خانه تو)، **onun evi** (خانه او)
bizim evimiz (خانه ما)، **sizin eviz** (خانه شما)، **oların evleri** (خانه های آنها)

۲- بدون علامت ----- belirtisiz

tamlayan tamlanan+(s)u/ü/ı/i

که هم میتواند به عنوان صفت بکار رود و هم میتوان قبل از آن صفت بکار برد. مانند:

kol saati ساعت مچی

مثال:

Cep telefonumda iki mesaj var در موبایلم دو پیام هست
Arabanın bagajında futbol topu var در صندوق ماشین توپ فوتبال هست

ویژگیها:

۱- **tamlayan** کیفیت و چگونگی **tamlanan** را نشان می دهد مانند:
kan kırmızısı .anne sevgisi
محبت مادری، قرمز خونی

۲- **tamlayan** با چه چیزی مرتبط بودن **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
uçak bileti .sel felaketi
بدبختی سیل، بلیط هواپیما

۳- **tamlayan** از چه چیزی ساخته شدن **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
tütün kolonyası .portakal suyu
آب پرتقال، ادکلن توتون

۴- **tamlayan** به چه چیزی شبیه بودن **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
sigara böreği .parmak üzümü
انگور انگشتی، نان بورک سیگاری

۵- **tamlayan** سبب **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
sınav stresi .matematik korkusu
ترس ریاضی، استرس امتحان

۶- **tamlayan** محل بودن یا انجام شدن **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
uzay istasyonu .kıyı lokantası
رستوران ساحلی، ایستگاه فضایی

۷- **tamlayan** وسیله سازنده **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
makine örgüsü .söz sanatı
هنر حرف، بافتنی ماشینی

۸- **tamlayan** محل تولید **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
Maraş dondurması, Amasya elması

سیب آماسیا، بستنی ماراش

۹- **tamlayan** اثر یا کشف مربوط به **tamlanan** را مشخص می کند مانند:
Newton Kanunu, Naima tarihi

تاریخ نائیما، قانون نیوتن

توجه: مورد بالا در زبان (ت. آ) هم عینا وجود دارد.

۳- بدون پسوند ----- **takisız**

که اسم اول (**tamlayan**) جنس اسم دوم (**tamlanan**) را مشخص می کند مانند:
gümüş kolye

نکته: ممکن است اسم اول در مفهوم مجازی بکار رفته و به چه چیزی شبیه بودن اسم دوم را مشخص نماید مانند:
taş kafa, selvi boy, tunç bilek

قامت مثل سرو، مچ مفرغی، سر (مغز) سنگی

نکته: می توان برای **tamlayan** از **dan/den** استفاده نمود مانند:
yünden yorgan, tahtadan köprü

پل چوبی، لحاف پشمی

توجه: برای اشتباه نگرفتن این نوع **ad tamlaması** با اسم- صفت (**sıfat tamlaması**) باید توجه کرد که
tamlayan در **ad tamlaması**، جنس را مشخص می کند و با **dan/den** نیز می توان ذکر نمود ولی در

sıfat tamlaması می توان برای آن متضاد (**karşıt**) نیز پیدا کرد مانند:

دامن بلند (**uzun etek** (sıfat tamlaması))

چون متضاد آن دامن کوتاه (**kısa etek** (sıfat tamlaması)) می شود.

توجه: مورد بالا در زبان (ت. آ) هم عینا وجود دارد.

۴- زنجیره ای ----- zincirleme

در این حالت **tamlayan** یا **tamlanan** خود یک **ad tamlaması** می باشد یعنی:

الف)- **tamlayan** یک **ad tamlaması** می باشد مانند:

akşam saatlarının serinliği

خنکی ساعات عصر

ب)- **tamlanan** یک **ad tamlaması** می باشد مانند:

çocuğun deri çantası

کیف چرمی بچه

ج)- **tamlayan** و **tamlanan** یک **ad tamlaması** می باشد مانند:

İstanbul tiyatrolarının bunalım yılları

سالهای افسردگی (رکود) تئاترهای استانبول

توجه: مورد بالا در زبان (ت. آ) هم عینا وجود دارد.

۵- مختلط ----- karma

در این حالت قبل از **tamlayan** یا **tamlanan** صفت می آید مانند:

adamın iri, sarı, çarpık dişleri

دندانهای درشت، زرد، کج یارو

توجه: مورد بالا در زبان (ت. آ) هم عینا وجود دارد.

قیدها ----- ulaçlar

ظرف یا فعل ربطی که از فعل درست می‌شود را گویند. در جمله با وظیفه متمم ظرف (zarf tümleci) بکار می‌رود.

ulaç ها مثلا با پسوندهای (ip, .erek, ince, .meden, .meksizin, .ken, .dikçe, .diğinde, .diği için, .ir...mez, .e...e, .eli) ساخته می‌شوند.

ulaç هایی که با (ip) ایجاد می‌شوند bağlama ulacı (ulaç اتصال) می‌باشد و جهت ربط بکار می‌رود.

ulaç هایی که با (e...e, .meksizin, .meden, .erek) ایجاد می‌شوند durum ulacı (ulaç وضعیت)

می‌باشند در جواب nasıl eylem? (چگونه فعل؟) مشخص می‌گردند.

ulaç هایی که با (ir...mez, .diğinde, .dikçe, .ken, .ince) ایجاد می‌شوند zaman ulacı (ulaç زمان)

می‌باشند و در جواب ne zaman eylem? (کی فعل؟) مشخص می‌گردند.

۱- eylem+(y)up/üp/ip/ip

مثال:

Babam, bana "Sen okuyacaksın!" der

Babam, bana "Sen büyük adam olacaksın!" der

Babam, bana "Sen okuyup büyük adam olacaksın!" der

پدرم به من می‌گوید: "تو درس خواهی خواند!"

پدرم به من می‌گوید: "تو آدم بزرگی خواهی شد!"

پدرم به من می‌گوید: "تو درس خوانده و آدم بزرگی خواهی شد!"

۲- eylem+ma/me+y+ip/ip

مثال:

Okumayıp da ne yapacaksın?

اگر درس نخوانی چکار خواهی کرد؟

Dağdaki motelleri beğenmeyip dönmüşler

متلهای بالای کوه را نپسندیده و برگشته اند

۳- eylem+madan/meden

مثال:

Gerçeği öğrenmedi/ kapıyı vurup çıktı
Gerçeği öğrenmeden kapıyı vurup çıktı

حقیقت را نفهمید/ در را کوبید و رفت
بدون فهمیدن حقیقت، در را کوبید و رفت

۴- eylem+madan/meden önce

مثال:

Seni tanımadan önce hayatım bomboştu

قبل از آشنائی با تو در زندگیم خلایق بود

Fırtına başlamadan bir saat önce gökyüzünde bulutlar oluştu

یک ساعت قبل از شروع شدن طوفان، در آسمان ابرها پدیدار گشت

۵- eylem+(ma/me)dıktan/dikten sonra

مثال:

Öğretmen soruları verdikten beş dakika sonra Ayşe sınıftan çıktı

۵ دقیقه بعد از دادن سوالها توسط معلم، عایشه از کلاس بیرون رفت

O beni aramadıktan sonra ben de onu aramam

بعد از تماس نگرفتن او با من (چون، او به من زنگ نمی‌زند)، من هم به او زنگ نمی‌زنم

۶- eylem+(ma/me)mak/mek için

مثال:

Buraya seni görebilmek için geldim

به اینجا برای اینکه بتوانم تو را ببینم آمدم

Benimle konuşmamak için telefonlarıma çıkmıyor

به خاطر حرف نزدن با من، به تلفنهایم جواب نمی‌دهد

۷- eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki için

مثال:

Kendimi savunmam için bana fırsat vermiyorsun

برای دفاع از خودم، به من فرصت نمی‌دهی

En iyi kararı vermesi için ona yardım edelim

برای گرفتن بهترین تصمیم، به او کمک کنیم

Senin üzülmemen için elimden geleni yapacağım

به خاطر ناراحت نشدن تو، هر چی از دستم بریاید انجام خواهم داد

eylem+(ma/me)mak/mek üzere -۸

مثال:

Dinlenmek üzere konferansa ara verdik

به خاطر استراحت کردن، به کنفرانس، زنگ تنفس دادیم

Onunla görüşmemek üzere ayrıldım

از او بشرط ندیدن دوباره، جدا شدم (برای همیشه از او جدا شدم)

eylem+mak/mek üzere+kışı eki -۹

مثال:

Kemerlerinizi bağlayın, uçak alana inmek üzere

کمربندهایتان را ببندید، هواپیما در حال فرود به باند است

Metroya binmek üzereyim, beni daha sonra ara

در حال سوار شدن به مترو هستم، بعدا زنگ بزن

Çocuklar okuma-yazmayı öğrenmek üzereler

بچه ها در حال یاد گرفتن خواندن-نوشتن هستند

Ölmek üzeresin, artık sigarayı bırak

در حال مردن هستی، دیگر سیگار را رها کن

eylem+makta/mekte+kışı eki -۱۰

مثال:

Türkiye her gün büyümekte

ترکیه هرروز در حال رشد است

Türkiye'de futbola ilgi her gün daha da artmakta

در ترکیه علاقه به فوتبال، هر روز، بیشتر در حال افزایش است

توجه: موارد فوق در(ت. آ) هم استفاده می گردد. فقط بجای کلمه önce از gabax نیز استفاده می نمائیم.

zaman ulaçları ----- **قیود زمان**

eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki zaman/sırada -۱

مثال:

İlkbahar geldiği zaman tüm doğa canlanıyor

موقع آمدن نوبهار، تمام طبیعت زنده می شود

Polis olay yerine geldiği sırada hırsız kapıyı açmaya çalışıyordu

موقع آمدن پلیس به محل حادثه، دزد، سعی داشت در را باز کند

Her gece kafamı yastığa koyup gözlerimi kapadığım sırada arabayla

çarptığım çocuk geliyor gözlerimin önüne

هرشب موقع گذاشتن سرم به بالش و بستن چشمهایم، بچه ای که با ماشین زدم جلوی چشمهایم ظاهر می شود

eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki+(n)da/de -۲

مثال:

Onu son gördüğümde küçücük bir çocuktu

او را در آخرین دیدنم (آخرین باری که دیدمش)، یک بچه کوچکی بود

Bir kişiye kızıp bir şeyler söyleyemediğimde sinirden başım ağrıyor

موقع عصبانیت به شخصی و نتوانستنم که چیزی بگویم (و نشان ندادن عکس العمل) از عصبانیت سر درد می گیرم

eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki zaman/sırada -۳

eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki+(n)da/de

مثال:

Bir yerde sigara içeceğim zaman oradaki insanlardan izin isterim

موقع سیگار کشیدنم در یک جایی، از افراد آنجا اجازه می گیرم

Tam dinleneceğim sırada ya eşim ya da çocuklarım benden bir şey ister

درست موقع استراحتم، همسرم و یا بچه هایم چیزی از من می خواهند

Bir davete gidemeyeceğim zaman mutlaka arayıp haber veririm

موقعی که نتوانم به یک دعوت بروم، حتما تماس گرفته و خبر می دهم

eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r eylem+maz/mez -۴

مثال:

Güçlü bir ilaçmış. İçer içmez başımın ağrısını kesti

یک داروی قوی بوده. بمحض خوردن سر دردم خوب شد

Gece yarısı otobüs bulunmayınca ister istemez taksiye bindik

نیمه شب وقتی اتوبوس پیدا نشد خواه ناخواه سوار تاکسی شدیم

eylem+(ma/me)(y)unca/ünce/ınca/ince -۵

مثال:

Sabah, saatın zili çalmayınca işe geç kaldım

صبح، موقعی که زنگ ساعت نزد (به علت زنگ نزدن ساعت)، به کار دیرم شد (دیر رسیدم)

Babasının sinirli olduğunu görünce korkudan eli ayağı titredi

موقع دیدن عصبانیت پدرش (با دیدن عصبانیت پدرش)، از ترس، دست و پایش لرزید

eylem+duk/dük/dık/dik+iyelik eki gibi -۶

مثال:

İşten çıktığın gibi doğruca eve gel, sakın yollarda oyalanma

بمحض درآمدنت از کار، مستقیم به خانه بیا، بین راه، هرگز معطل نشو

Eşinin trafik kazası geçirip hastaneye kaldırıldığını öğrenince

bir taksiye atladığı gibi soluğu hastanede aldı

بمحض فهمیدن تصادف همسرش و انتقالش به بیمارستان، طوری سوار تاکسی شد که نفسش را در بیمارستان گرفت

توجه: موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است فقط بجای gibi از kimi/kimin/tek/tekin نیز استفاده می گردد.

eylem+du/dü/dı/di+kişi eki ۷ mu/mü/mı/mi -۷

مثال:

O, kapısından içeri misafir girdi mi sevinçten adeta havalara uçardı

او موقعی که مهمان از در خانه اش وارد می شد از خوشحالی معمولاً به هوا می پرید

Bahar geldi mi toprak adeta nefes alıp vermeye başlar

موقع آمدن بهار، خاک معمولاً شروع به دم و بازدم می کند

توجه: در (ت. آ) از **eylem+(y)an/en+da/de** نیز استفاده می گردد.

مثال:

O, kapısından içeri misafir girende sevinçten adeta havalara uçardı

او موقعی که مهمان از در (درش) وارد شد از خوشحالی معمولاً به هواها می پرید

Bahar gelende toprak adeta nefes alıp vermeye başlar

موقع آمدن بهار، خاک معمولاً شروع به دم و بازدم می کند

توجه: در مباحث بعدی به چند مورد دیگر از قیود زمان اشاره خواهیم کرد (قید **ken**، قیود شروع و قیود پایان).

ken ulacı ----- **قید ken**

جزوقیود زمان می باشد.

۱- **eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r+ken**

مثال:

Yağmur yağarken pencereden dışarıyı seyretmeyi çok seviyorum

موقعی که باران می بارد، بیرون تماشا کردن از پنجره را خیلی دوست دارم

۲- **eylem+u/ü/ı/i+yor+ken**

مثال:

Çalışırken rahatsız edilmekten hiç hoşlanmam

زمانی که کار می کنم، از اینکه مزاحم شونم اصلاً خوشم نمی آید

۳- **eylem+(y)a/e+cak/cek+ken**

مثال:

Tam uykuya dalacakken telefon çaldı

همینکه می خواستم به خواب بروم، تلفن زنگ زد

۴- **eylem+muş/müş/miş/miş+ken**

مثال:

İstanbul'a gitmişken Topkapı Sarayı'nı mutlaka gezin

موقعی که به استانبول رفته اید (می روید)، توپ قاپو سرای را حتما بگردید

۵- eylem+maz/mez+ken

مثال:

İkizlerden birinin yüzü hiç gülmezken, diğeri çok neşeli bir insan

درحالیکه یکی از دو قلوها اصلا نمی خندد، دیگری یک انسان خیلی شادابی است

۶- ad+(da/de+y)ken

مثال:

Yedikule eskiden zindanken şimdi gösteri merkezi olarak kullanılıyor

با اینکه یدی کوله از قدیم زندان بود، الان به عنوان مرکز نمایش استفاده می شود

Biz sinemadayken elektrikler kesildi

موقعی که ما در سینما بودیم ، برقها رفت

۷- sıfat+(y)ken

مثال:

Babam gençken çok yakışıklıymış

بابام، موقع جوانی، خیلی خوشگل بوده

توجه: در (ت. آ) غیر از موارد فوق از eylem+(y)an/en+da/de و در منفی آن از sıfat olan+da و ad(da/de) olan+da و نیز از eylem+ma/me+y+an/en+da/de استفاده می گردد.

مثال:

Yağış yağanda pencereden eşiği seyretmeyi çok sevirem

موقعی که باران می بارد، بیرون تماشا کردن از پنجره را خیلی دوست دارم

Çalışanda rahatsız edilmekten hiç hoşlanmaram

زمانی که کار می کنم، از اینکه مزاحمم شوند اصلا خوشم نمی آید

Biz sinemada olanda elektrikler kesildi

موقعی که ما در سینما بودیم ، برقها رفت

Babam genç olanda çok yakışıklıymış

بابام، موقع جوانی، خیلی خوشگل بوده

قیود شروع ----- باشلما اولاچلاری

جزو قیود زمان می باشند.

eylem+duk/dük/dık/dik+iyelik eki+(n)dan/den beri -۱

مثال:

Öğretmenlik yapmaya başladığımdan beri öğretmenlerimi daha iyi anlıyorum

از شروع کردنم به معلمی (از موقع شروع به معلمی) معلمهایم را بهتر درک می کنم

(eylem+du/dü/dı/di+kişi eki۲) eylem+(ma/me)(y)alı/eli -۲

مثال:

Ankara'ya taşındım taşınalı İstanbul'a gidemedim

به آنکارا نقل مکان کردم و از آن موقع تا حالا، نتوانستم به استانبول بروم

Evleneli ۲۴ yıl olmuş. Yıllar göz açıp kapayana kadar geçiyor

از ازدواج ۲۴ سال گذشته. سالها، به اندازه اینکه چشم را باز کنی و ببندی می گذرد

Can'ı görmeyeli ۱۰ yıl oldu

از زمانی که جان را ندیده ام، ۱۰ سال گذشت

توجه: در (ت. آ) نیز موارد فوق استفاده می گردند.

قیود پایان ----- bitim ulaçları

جزو قیود زمان می باشند.

eylem+(y)ana/ene kadar -۱

مثال:

Evimiz bitene kadar kirada oturacağız

تا اتمام خانه مان، کرایه خواهیم نشست

İkinci el eski bir araba alana kadar biraz daha para verip yeni bir araba al!

تا (بجای) خریدن یک ماشین دست دوم، کمی دیگر پول گذاشته و یک ماشین نو بخر!

eylem+(y)uncaya/ünceye/ıncaya/inceye kadar -۲

مثال:

Çocuk uyuyuncaya kadar annesi yanında yatar

تا موقع خوابیدن بچه، مادرش پیشش می خوابد

Biz tatilden dönünceye kadar ev sana emanet

تا برگشتن ما از تعطیلات، خانه دست تو امانت باشد

توجه: در (ت. آ) بجز موارد فوق از فرمول زیر نیز استفاده می شود:

eylem+(y)uncan/üncen/incan/incen

قیود وضعیت ----- durum ulaçları

eylem+(y)arak/erek - (۱)

eylem+ma/me+y+arak/erek

مثال:

Bu otel fiyat olarak çok uygun, ancak temizlik olarak yeterince iyi değil

این هتل از نظر قیمت، خیلی مناسب، اما از نظر تمیزی به اندازه کافی خوب نیست

Maral, her gün şarkı söyleyerek bulaşık yıkar

مارال، هر روز در حال ترانه خواندن، ظرف می شوید

Anne-baba olarak çocuklarımızla yakından ilgilenmeliyiz

بعنوان پدر- مادر به بچه هایمان از نزدیک باید توجه داشته باشیم

Onunla istemeyerek evlendim, ama sonradan çok mutlu olduk

با او نخواسته ازدواج کردم، اما بعدش خیلی خوشبخت شدیم

Hiçbir şey yemeyerek zayıflamak pek sağlıklı değil

هیچ چیز نخوردن و لاغر شدن (لاغر شدن از طریق گرسنگی) خیلی بهداشتی نیست

Aramayarak onu çok üzüyorsun

با تماس نگرفتن او را خیلی ناراحت می کنی

eylem+(y)a/e eylem+(y)a/e - (۲)

eylem+ma/me+y+a/e eylem+ma/me+y+a/e

مثال:

Buraya yürüye yürüye geldim

با پای پیاده، اینجا آمدم

Dans etmeye etmeye figürleri unutmuşum

با رقص نکردن، حرکات رقص را فراموش کرده ام

Çocuklar bahçede hoplaya zıplaya oynuyorlar

بچه ها در باغچه، جستان و خیزان بازی می کنند
İstanbul'a gide gide yolları iyice öğrendim

با زیاد رفتن به استانبول، راهها را خوب یاد گرفتم

Sana seve seve yardım ederim

از جان و دل، به تو کمک می کنم

Görüşmeye görüşmeye birbirimizi unuttuk

آنقدر همدیگر را ندیدیم که همدیگر را فراموش کردیم

Hakan konuşmaya konuşmaya İngilizceyi unutmuş

هاکان آنقدر حرف نزده که انگلیسی را فراموش کرده است

Düşe kalka büyüdü

افتان و خیزان بزرگ شد

eylem+(y)asıya/esiye - (۳)

مثال:

Atları öldüresiye kırbaçladı

اسبها را تا دم مرگ تازیانه زد

توجه: در (ت. آ) نیز از موارد فوق استفاده می شود.

توجه: در مباحث بعدی به چند مورد دیگر از قیود وضعیت اشاره خواهیم کرد (مانند قیود نفی و پیوستگی).

olumsuzluk ulacı ----- **قیود نفی**

eylem+maksızın/meksizin

که جزو قیود وضعیت می باشد و با سوال? nasıl eylem? (چگونه فعل؟) مشخص می گردد.

مثال:

Yıllardır hiç şikayet etmeksizin birçok acıya katlandık

سالهاست بدون هیچ شکایت کردن تلخیهای زیادی را تحمل کردیم

Sabaha kadar dinmeksizin yağmur yağdı

تا صبح بدون قطع شدن (وقفه)، باران بارید

Polis hiç ara vermeksizin arka arkaya sorular soruyordu

پلیس بدون هیچگونه فاصله دادن (مکث)، پشت سرهم سوالها می پرسید

قیود پیوستگی ----- süreklilik ulaçları

که جزو قیود وضعیت می باشد و با سوال *nasıl eylem?* (چگونه فعل؟) مشخص می گردد.

۱- *eylem+(ma/me)dukça/dükçe/dıkça/dikçe*

مثال:

Yemek o kadar güzel olmuş ki yedikçe yiyelim geliyor

غذا آنقدر خوب شده که هر قدر می خورم باز هم می خواهم بخورم

Fırtınanın şiddeti artıkça denizde dalga çoğalıyor

با افزایش شدت طوفان در دریا، موج زیاد می شود

İnsan bu akıcı bir dilde yazılmış romanı okudukça okuyası geliyor

انسان با خواندن این رمان که به یک زبان روان نوشته شده، تشویق به خواندن آن می شود

۲- *eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki sürece*

مثال:

Sigara içmeye devam ettiğin sürece ilaçların faydası olmayacak

در طول ادامه دندت به کشیدن سیگار، داروها فایده ای نخواهند داشت

Bu yersiz kuruntuları kafanızdan atmadığınız sürece mutlu olamazsınız

تا وقتی این خیالات بیجا را از سرتان بیرون نینداختید، نمی توانید شاد باشید

توجه: همه موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است. فقط بجای *sürece* از *zaman* هم می توان استفاده نمود

مانند:

Yemek o kadar güzel olmuş ki yedikçe yemeğim gelir

غذا آنقدر خوب شده که هر قدر می خورم باز هم می خواهم بخورم

Sigar içmeye devam ettiğin zaman ilaçların faydası olmayacak

در طول ادامه دندت به کشیدن سیگار، داروها فایده ای نخواهند داشت

قیود سبب ----- sebep ulaçları

۱- eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki için

مثال:

Derse geç geldiğim için öğretmen biraz kızdı

معلم، به خاطر دیر آمدنم به درس کمی عصبانی شد

Param olmadığı için istediğim elbiseyi alamadım

به خاطر نبودن پولم (پول نداشتم)، لباس دلخواهم را نتوانستم بخرم

۲- eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki+(n)dan/den

مثال:

Derse geç geldiğimden öğretmen biraz kızdı

معلم، به خاطر دیر آمدنم به درس کمی عصبانی شد

Param olmadığından istediğim elbiseyi alamadım

به خاطر نبودن پولم (پول نداشتم)، لباس دلخواهم را نتوانستم بخرم

۳- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki için

مثال:

Bu akşam misafir geleceği için hazırlık yapıyorum

عصر به خاطر خواهد آمدن (آمدن) مهمان تدارک می بینم

Bu akşam yemeğe katılamayacağım için üzgünüm

عصر به خاطر نخواهد توانستم (نتوانستم) برای شرکت در غذا متاسفم

۴- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki+(n)dan/den

مثال:

Bu akşam misafir geleceğinden hazırlık yapıyorum

عصر به خاطر خواهد آمدن (آمدن) مهمان تدارک می بینم

Bu akşam yemeğe katılamayacağımdan üzgünüm

عصر به خاطر نخواهد توانستم (نتوانستم) برای شرکت در غذا متاسفم

۵- eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki+(n)a/e

مثال:

Bu kadar işin arasında bizi ziyaret ettiğimize sevindik

به خاطر زیارتتان از ما با این همه کار، خوشحال شدیم

Seninle tanıştığımıza çok memnun oldum

به خاطر آشناییم با تو، خیلی خوشبخت شدم

۶- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki+(n)a/e

مثال:

Yaz tatilinde anneannesinin köyüne gideceğine seviniyor

در تعطیلات تابستان به خاطر خواهد رفتنش (رفتنش) به ده مادر بزرگش شادی می کند

Babam kaza yaptığımi duyunca bana araba aldığına alacağına pişman oldu

پدرم موقع شنیدن تصادف کردنم، از ماشین خریدنش و خواهد خریدنش برایم (از ماشین خریدنش برای من در

گذشته و آینده) پشیمان شد

توجه: همه موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

benzetme ulaçları ----- قیود تشبیه

۱- eylem+zaman eki+casına/cesine

مثال:

söylenenleri anlamıyormuşcasına şaşkın şaşkın bakıyordu

گفته ها را انگار که نمی فهمیده، هاج و واج نگاه می کرد
"Uçarcasına" adlı gösterisinde müziğin tadına vardık

در نمایشی به اسم "انگار پرواز می کند"، مزه موزیک را چشیدیم

۲- eylem+zaman eki gibi

مثال:

Rüzgar, ağaçları kökünden sökecekmiş gibi deli deli esiyordu

باد انگار که می خواسته درختها را از ریشه اش بکند، دیوانه وار می وزید
Kıtlıktan çıkmiş gibi eline ne geçse ağzına atıyordu
انگار که از خشکسالی درآمده، هرچیزی که به دستش برسد به دهانش می انداخت

۳- ad/sıfat (değil)(miş)+casına/cesine

ad/sıfat (değil)(miş) gibi

مثال:

Gençler müziğin ritmiyle çalgıncasına dans ediyorlar

جوانان با ریتم موزیک، دیوانه وار می رقصند

۴- eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki gibi

مثال:

Ev sahibi, önceki kiracılarına da yaptığı gibi gece yarısı kapıma geldi

صاحب خانه شبیه عملکردش با مستاجرهای قبلیش، نیمه شب به درخانه ام آمد

۵- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki gibi

مثال:

TV'de bu akşam yayınlanacak açık oturumda insanlığı bekleyen tehlikeler tartışılacağı gibi, çözüm yolları da bildirilecek

عصر در T.V در جلسه علنی ای که پخش خواهد شد، ضمن اینکه خطراتی که در انتظار انسانیت است بحث خواهد شد، راه حل ها نیز مشخص خواهند شد

۶- eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki kadar

مثال:

Ondan nefret ettiğim kadar hiç kimseden nefret etmedim

به اندازه متنفر بودم (تنفرم) از او، از کسی متنفر نشدم

Daha önce hiç olmadığım kadar mutluydum, içim içime sığmıyordu

به اندازه ای که قبلا هیچ نبودم، شاد بودم (بیشتر از قبل شاد بودم)، دل تو دلم نبود

۷- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki kadar

مثال:

Fiyatlar düşebileceği kadar düştü, daha fazla düşeceğini sanmam

قیمتها به اندازه ای که خواهد توانست پائین بیاید (به اندازه کافی)، پائین آمد، فکر نکنم بیش از این پائین بیاید

۸- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek kadar

مثال:

Ayakta duramayacak kadar yorgundu, eve gelir gelmez yattı

به قدری که نخواهد توانست سر پا بایستد خسته بود (بقدری خسته بود که نتوانست سر پا بایستد)،

به محض آمدن به خانه، خوابید

توجه: موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است فقط بجای gibi از kimi/kimin/tek/tekin نیز استفاده می‌گردد.

قیود تضاد ----- **زیتلیک ۇلاچلاری**

۱- eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki halde

مثال:

Zengin olmadığı halde, zenginmiş gibi görünmeye çalışır

علی رغم پولدار نبودنش، تلاش می کند که پولدار به نظر آید

۲- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki halde

مثال:

Niçin resim sergisine gideceğimiz halde, Orhan'a söz veriyorsun?

چرا علی رغم اینکه نمایشگاه نقاشی خواهیم رفت، به ارهان قول میدهی؟

۳- eylem+(ma/me)ma/me+iyelik eki+(n)a/e rağmen/karşın/karşılık

مثال:

Hükümet, belirtmiş olmasına rağmen, halk somut gelişmeler bekliyor

حکومت علی رغم اینکه معین کرده، باز هم مردم منتظر پیشرفتهای مشخص و محسوس می باشند

Gelişmiş ülkeler, sürekli toplantılar yapmalarına karşın, savaş devam emektedir

کشورهای پیشرفته علی رغم اینکه مرتب جلساتی ترتیب می دهند، جنگ ادامه دارد

Onun sana bunca iyilik yapmasına karşılık, sen onu yalnız bırakıyorsun

علی رغم اینهمه خوبی کردنش به تو، تو او را تنها می گذاری

۴- eylem+mak/mek+tansa/tense

مثال:

Böyle aşağılanmaktansa ölmeyi tercih ediyorum

بجای چنین تحقیر شدن، مردن را ترجیح می دهم

۵- eylem+mak/mek varken/yerine

مثال:

Çözüm üretmek varken hayata küsmüş oturuyorsunuz

با وجود تولید راه حل (به جای حل مسئله)، از زندگی قهر می کنید

Söylediklerimi dinlemek yerine konuşmamı kesiyorsunuz

بجای گوش دادن به گفته هایم، صحبتم را قطع می کنید

۶- eylem+(y)a/e+cak/cek+iyelik eki+(n)a/e

مثال:

Karşılaştığın en küçük bir sorunda dünya başına yıkılmışcasına yaşama küseceğine zorluklarla mücadele etmeyi öğrenmelisin

موقع مواجه شدن با کوچکترین مشکل انگار که دنیا روی سرت خراب شده،

به جای قهر خواهد کردنت (قهر کردنت) با زندگی، مجادله کردن با سختی ها را باید بیاموزی

۷- eylem+(y)a/e+cak/cek+iyelik eki yerde

مثال:

İçine kapanık bir insandı. Dertlerini paylaşacağı yerde içine atar

آدم توداری بود. بجای تقسیم خواهدکردن (تقسیم کردن) دردهایش، به درونش می ریزد

توجه: موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

صفت ----- sifat (ön ad)

مثال:

Babam iyi insandır

پدرم، انسان خوبی است

Hırsızlar kötü insanlardır

دزدها، انسانهای بدی هستند

Mehmet tembel öğrencidir

محمد، دانش آموز تنبلی است

Çalışkan Ahmet bu sene takdirname aldı

احمد پرتلاش، امسال تقدیرنامه گرفت

Bahçede üç çocuk ağaçtan elma topluyor

۳ بچه در باغچه، سیب از درخت می چینند

Bende beş kedi var

من ۵ تا گربه دارم

Ben yedi kuş besliyorum

من ۷ تا پرندۀ می پرورانم (بزرگ می کنم)

Musluktan bulanık su akıyor

از شیر، آب آلوده می آید

Havuzda berrak su var

در حوض، آب شفاف وجود دارد

Yangında bazı kitaplar yanmış

در آتش سوزی، بعضی کتابها سوخته اند

Sen hangi evde oturuyorsun?

تو در کدام خانه زندگی می کنی؟

۱- صفت وصفی (niteleme sıfatı): قبل از اسم آمده، رنگ یا وضعیت یا شکل آن را مشخص می کند.
مثال:

Babamın mavi gömleği var (renk)

پدرم پیراهن آبی دارد (رنگ)

Bana kırmızı gül ver (renk)

به من گل قرمز بده (رنگ)

Dün siyah pantolon giydim (renk)

دیروز شلوار سیاه پوشیدم (رنگ)

Gri bulutlardan yağmur yağar (renk)

از ابرهای خاکستری باران می بارد (رنگ)

Çalışkan öğrenciler üniversiteyi kazandı (durum)

دانش آموزان پرتلاش، از دانشگاه قبول شدند (وضعیت)

Yaşlı adam yolda zor yürüyor (durum)

آدم مسن، در مسیر به سختی راه می رود (وضعیت)

Türkçe öğretmenimiz güleç yüzlüdür (durum)

معلم زبان ترکی مان، خنده رو است (وضعیت)

Mete ve Ertuğrul uzun boyludur (biçim)

مته و ارطغرل قد بلندند (شکل)

Kısa boylu adam koşuyor (biçim)

مرد قد کوتاه می دود (شکل)

Ablam dar elbise giymiş (biçim)

خواهرم لباس تنگ پوشیده (شکل)

Evimizin geniş salonu var (biçim)

خانه مان سالن فراخی دارد (شکل)

۲- صفت اشاره (işaret sıfatı):

Bu ev babamındır

این خانه، مال پدرم است

Şu sokakta bakkal var

در این خیابان، بقال هست

O kadınlar çamaşır yıkıyor

آن زنهارخت می شویند

Bu sınıfa değil, **öteki** sınıfa gir

به این کلاس نه، به آن یکی کلاس داخل شو

Bu elbiseyi beğenmedim, **diğer** elbise yok mu?

این لباس را نپسندیدم، لباس دیگر نیست؟

Beriki otomobile dikkat et

به این یکی اتومبیل دقت کن

توجه: اگر صفت اشاره جای اسم را بگیرد ضمیر اشاره (işaret zamiri) خواهد بود مانند:

O kitabı ben de okudum (işaret sıfatı)

آن کتاب را من هم خواندم (صفت اشاره)

Onu, ben de okudum (işaret zamiri)

آن را من هم خواندم (ضمیر اشاره)

توجه: کلمه **işte** (این، اینک) می تواند هم بعنوان صفت اشاره باشد وهم بعنوان تاکید قبل از صفت اشاره بیاید مانند:

İşte araba, **işte** ev benim (işaret sıfatı)

این ماشین و این خانه مال من است (صفت اشاره)

İşte bu adam beni kandırdı (işaret sıfatının anlamını pekiştirir)

اینک این مرد مرا فریب داد (بر مفهوم صفت اشاره تاکید می کند)

۳- صفت مبهم (belgisiz sıfat): قبل از اسم آمده تعداد یا مقدار آن را بصورت مبهم نشان می دهد مانند:

Birkaç soruma cevap veremedi

به تعدادی از سوالهایم نتوانست جواب بدهد

Birçok sorunum var, hangisini çözeceksin?

مقدار زیادی مشکل دارم، کدامش را حل خواهی کرد؟

Kimi insan, artık böyle düşünmüyor

بعضی انسانها، دیگر اینگونه نمی اندیشند

Bütün çocuklar güzeldir

تمام بچه ها خوشگلند

Fazla mal göz çıkarmaz

مال زیاد، چشم کسی را در نمی آورد

Öğretmen, her insana güvenilmeyeceğini söyledi

معلم گفت که به هر انسانی نمی شود اعتماد کرد

توجه: اسامی بعد از صفات مبهم زیر پسوند جمع (lar/ler) نمی گیرند:

her (هر)، birkaç (تعدادی، چندتائی)، hiçbir (هیچ یک)، herhangi (هر کدام)،

herhangi bir (هر کدام یک)، bir (یک)، biraz (کمی)، ne kadar (هر قدر) مانند:

Her insan böyle düşünmez

هر انسانی اینگونه نمی اندیشد

Her kuşun eti yenmez

گوشت هر پرنده ای خورده نمی شود

Her yemekten sonra su içmeliyiz

بعد از هر غذا خوردن باید آب بخوریم

Birkaç kitap okumakla adam olunmaz

با چند تا کتاب خواندن، نمی توان آدم شد

Sinemada birkaç seyirci filmi beğenmedi

در سینما چند تا از تماشاگران، فیلم را نپسندید

ولی اسامی بعد از صفات مبهم زیر پسوند جمع (lar/ler) می توانند بگیرند:

bütün (تمام)، **kimi** (بعضی)، **bazı** (بعضی)، **çoğu** (اکثر)،

birtakım (دسته ای، مقداری، نوعی)، **başka** (دیگر) مانند:

Bütün ağaçlar çiçek açtı

تمام درختها گل باز کرد

Bütün balıklar suda yaşar

تمام ماهی ها در آب زندگی می کنند

Bütün gün denizde yüzdüm

تمام روز در دریا شنا کردم

Bütün gece bebek ağladı

تمام شب ، نوزاد گریه کرد

Kimi kitaplar işe yaramaz

بعضی کتابها به کار نمی آیند

Kimi insanlar patlicanı sevmez

بعضی انسانها بادمجان را دوست نمی دارند

Bazı çocuklar ders çalışmayı sevmez

بعضی بچه ها درس خواندن را دوست نمی دارند

Bazı balıklar yenmez

بعضی ماهی ها خورده نمی شوند

Parkta **bazı** insanlar oturuyor

در پارک بعضی انسانها می نشینند

توجه: کلمه **bir** اگر در مفهوم **herhangi bir** بکار رود صفت مبهم ولی اگر در مفهوم **tek** (تک) بکار رود

صفت شمارشی (**sayı sıfatı**) خواهد شد مانند:

Bir bayram onu ziyaret edelim (belgisiz sıfat. Hangi bayram belli değil)

در یک روز عید، او را زیارت کنیم (صفت مبهم. کدام عید مشخص نیست)

Testte yalnızca **bir** soruyu çözememiş (sayı sıfatı. Kaç soru belli)

در تست فقط یک سوال را نتوانسته حل کند (صفت شمارشی. چند سوال را نتوانسته، مشخص است)

۴- صفت سوالی (soru sıfatı): قبل از اسم آمده و خصوصیات، تعداد یا جای اسم را سوال می کند مانند:

Nasıl bir ev istiyormuş?

چه جور خانه ای می خواسته است؟

Sınıfta kaç öğrenci vardı?

در کلاس، چند دانش آموز بود؟

Oraya hangi yoldan gidilir?

به آنجا از کدام راه می شود رفت؟

Asansör kaçıncı kata çıktı?

آسانسور، طبقه چندم رفت؟

توجه: کلمات پرسشی اگر قبل از اسم بیاید و اسم را توصیف کند صفت سوالی ولی اگر جای اسم را بگیرد ضمیر سوالی و اگر قبل از فعل آمده و بر فعل تاکید یا آن را محدود کند ظرف سوالی خواهد بود مانند:

Çocuk ne işle uğraşiyor? (soru sıfatı)

بچه به چه کاری مشغول است؟ (صفت سوالی)

Çarşıdan sana ne alayım? (soru zamiri)

از بازار برایت چی بخرم؟ (ضمیر سوالی)

Buralarda ne dolaşıp duruyorsun? (soru zarfı)

چی، همه اش در اینجاها می گردی؟ (ظرف سوالی)

توجه: بعضا کلمات پرسشی مفهوم سوالی به جمله نمی دهند مانند:

Hangi okula gidiyormuş? (soru anlamı verir)

به کدام مدرسه می رفته است؟ (مفهوم سوالی می دهد)

Hangi okula gittiğini bilmiyorum (soru anlamı vermez)

نمی دانم به کدام مدرسه می رود (مفهوم سوالی نمی دهد)

۵- صفت شمارشی (sayı sıfatı):

مثال:

İki, bir doğal sayıdır. Beş kere iki, on eder (ad)

۲، یک عدد طبیعی است. ۵ ضرب در ۲، ۱۰ می شود (اسم)

İki kişi yolda önünü kesmiş. Bugün altı elma yedim (sıfat)

دو نفر در راه جلوییش را سد کرده. امروز ۶ تا سیب خوردم (صفت)

توجه: کلمات son (آخر) و ilk (اول) نیز اگر قبل از اسم بیایند صفت شمارشی خواهند بود.

(الف)- صفت شمارشی اصلی (asıl sayı sıfatı):

مثال:

Çantamda beş kalem, üç defter ve altı kitap var

در کیفم ۵ قلم، ۳ دفتر و ۶ کتاب هست

Parkta üç çocuk kumda oynuyor

در پارک ۳ بچه در شنزار بازی می کنند

Dondurmanın tanesi bin liradır

یک دانه بستنی، هزار لیره است

(ب)- صفت شمارشی ترتیبی (sıra sayı sıfatı):

sayı+uncu/üncü/ıncı/inci/ncı/nci

که اگر آخرین حرف عدد، باصدا باشد از nci/nci و گرنه از چهارتای دیگر استفاده می گردد.

مثال:

Kardeşim birinci sınıfta okuyor برادرم در کلاس اول درس می خواند

Ayşe yarışmada kaçıncı sırada? عایشه در مسابقه نفر چندم است؟

Dayım evimizin dördüncü katında oturur

دایی ام در طبقه چهارم خانه مان می نشیند

Soldan üçüncü sokakta oturuyoruz

از سمت چپ، خیابان سوم می نشینیم

İkinci sınıf öğrencileri çok haylaz

دانش آموزان کلاس دوم، خیلی شیطان هستند

ج- صفت شمارشی توزیعی (üleştirme sayı sıfatı):
sayı+(ş)ar/er

مثال:

Birer birer içeriye girin یکی یکی داخل شوید
Herkesten onar tümce istiyorum از هر کدام از شما ۱۰ جمله می خواهم
Altışar kiloluk yiyecek paketleri hazırlayın بسته های خوراکی ۶ کیلوئی (هر کدام ۶ کیلو) را آماده کنید
Hepimizin tabağında üçer balık var در بشقاب هر کدام از ما ۳ ماهی وجود دارد
Annem hepimize ikişer elma verdi مادرم به هر کدام از ما ۲ تا سیب داد
Belediye memuru bakkallardan yüzer lira vergi topladı مامور شهرداری هر کدام از بقالها ۱۰۰ لیره مالیات جمع کرد

د- صفت شمارشی کسری (kesir sayı sıfatı):

مثال:

Bu hafta ayakkabı satışlarından yüzde elli kar ettim این هفته از فروش کفش ۵۰٪ سود کردم
Şoför kazada sekizde bir hata yaptı خطای راننده در تصادف، یک هشتم (۱/۸) بود
Sınavda yüzde on şansım var در امتحان، ۱۰٪ شانس دارم

و- صفت شمارشی اجتماع (topluluk sayı sıfatı): با پسوندهای (u/ü/ı/i) ساخته می شوند مانند:

Ablamın ikiz çocukları var

خواهرم بچه دوقلو دارد
Gazeteler, beşiz bebeklerin yaşadığını yazıyor
روزنامه ها زنده بودن نوزادهای ۵ قلو را می نویسند

صفت ساده (basit sıfat): اسامی که مشتق یا مرکب نباشند مانند:

Derede iki sandal yüzüyor

در جوی آب، ۲ تا قایق شناورند

Anneannem eski masaları antikacıya sattı

مادر بزرگم، میزهای قدیمی را به عتیقه فروش فروخت

Bu ev kimin?

این خانه مال کیست؟

صفت مشتق (türemiş sıfat): اسامی که با اضافه نمودن **yapım eki** به بن فعل یا اسم ایجاد می

شوند مانند:

Sakın bulanık suyu içme!

هرگز آب آلوده را نخور!

Bu adamların bitkin yüzleri var

این مردها قیافه های درمانده ای دارند

Kapıdaki nöbetçi bizi saraya almadı

نگهبان دم در، ما را به سرای راه نداد

İç Anadolu'da susuz yaz başladı

در آناتولی داخلی، تابستان بی آب شروع شد

صفت مرکب (bileşik sıfatı): از ترکیب چند کلمه ایجاد می شود که بر دو نوعند:

الف) - صفت مرکب پیوند یافته (kaynaşmış bileşik sıfatı):

مثال:

Yalınayak çocuklar yiyecek için çöp karıştırıyorlar

بچه های پا برهنه برای غذا خوردن، آشغالها را می گردند

Hamamda boşboğaz kadınlar dedikodu yaparlar

در حمام، زنهای پرچانه سخن چینی می کنند

ب) - صفت مرکب با قاعده (kurallı bileşik sıfatı): به صورت زیر ایجاد می گردند:

a) - در **sıfat tamlaması** برای اسم از **lu/lü/lı/li** استفاده می کنیم مانند:

Dedemin Bostancı'da büyük kapılı evi var

پدربزرگم در بستانجی خانه ای با در بزرگ دارد

Büyükada'daki güzel gözlü kıza aşık oldum

در بویوک آدا به دختری با چشمان زیبا عاشق شدم

(b) - در sıfat tamlaması هایی که با صفات شمارشی ایجاد شده اند برای اسم از luk/lük/lık/lik استفاده می کنیم مانند:

On yıllık bekleyişten sonra vatanıma kavuştum

بعد از انتظار ۱۰ ساله به وطنم بازگشتم

Bebeğin doğmasına iki aylık süre kaldı

به تولد نوزاد، یک مدت ۲ ماهه باقی است

Borcumu ödemem için beş günlük sürem kaldı

برای باز پرداخت بدهی ام، یک مهلت ۵ روزه باقی است

(c) - در takısız ad tamlaması برای tamlanan از lu/lü/lı/li استفاده می کنیم مانند:

Padişahlar mermer sütunlu sarayda yaşarlarmış

پادشاهان در سرای (کاخ) با ستون مرمری می زیسته اند

(d) - در sıfat tamlaması با عوض کردن جای اسم و صفت و آوردن iyelik eki مربوط به سوم شخص مفرد به آخر اسم مانند:

İşçi duvarı yıkık evi onardı

کارگر، خانه ای که دیوارش ریخته را تعمیر کرد

Camcı camı kırık pencereyi gördü

شیشه بر، پنجره ای که شیشه اش شکسته را دید

(e) - با آوردن ad+dan/den قبل از اسم فعل مانند:

Biz babadan kalma evde oturuyoruz

ما در خانه ای که از پدر باقی مانده، می نشینیم

Biz anadan doğma sağırız

صفت عنوان (san sıfatı): برای معرفی یا احترام قبل یا بعد و یا هم قبل و هم بعد از اسم شخص می آید مانند:

Bekir Sıtkı Bey bizim patronumuzdur

آقای بکیر صدقی، رئیس ماست

Damat Ferit Paşa Osmanlı devrinde yaşadı

داماد فرید پاشا، در دوره عثمانی زیست

Doktor Filiz Hanım annemi tedavi etti

خانم دکتر فلز، مادرم را مداوا کرد

Profesör İsmail Hakkı Üniversite rektörlüğünden istifa etti

پرفسور اسمعیل حقی از ریاست دانشگاه استعفا داد

Gazi Osman Paşa Osmanlı savaşlarında zaferler kazandı

قاضی عثمان پاشا، در نبردهای عثمانی ظفرها کسب نمود

صفت تاکیدی (**pekiştirme sıfatı**): به ۲ صورت زیر ساخته می شود:

(a) - بصورت (صفت +p/r/s/m+ تا بعد از اولین حرف باصدای صفت) خواهد بود مانند:

۱- برای p:

upuzun (کاملاً دراز)، kapkara (کاملاً سیاه)، yapıyalmız/yapayalmız (کاملاً تنها)، sapsarı (کاملاً زرد)، kıpkırmızı (کاملاً سرخ)، taptaze (کاملاً تازه)، capcanlı (کاملاً زنده)، ipince (کاملاً نازک)، kapkaranlık (کاملاً تاریک)، kıpkısa (کاملاً کوتاه)، kupkuru (کاملاً خشک)، taptatlı (کاملاً شیرین)، zapzayıf (کاملاً ضعیف)، dipdiri (کاملاً زنده)، şipşirin (کاملاً شیرین)، ıpslak (کاملاً خیس)، apaçık (کاملاً واضح)، yepyeni (کاملاً جدید)، sipsivri (کاملاً نوک تیز)، gepgenç/gepegenç (کاملاً جوان)، güpegündüz (روز روشن)، çepeçevre/çepeçevre (دورتادور).

۲- برای m:

sımsıcak (کاملاً گرم)، yemyeşil (کاملاً سبز)، bembeyaz (کاملاً سفید)، bomboş (کاملاً خالی)، sımsıkı (کاملاً سفت)، dümdüz (کاملاً درست)، simsiyah (کاملاً سیاه)، yamyassı (کاملاً پهن).

۳- برای s:

masmavi (کاملاً آبی)، koskoca (کاملاً بزرگ)، mosmor (کاملاً بنفش)، dosdoğru (کاملاً درست)، basbayağı (صاف و ساده)، besbelli (کاملاً مشخص)، tastamam (تمام و کمال)، yusuvarlak (کاملاً گرد)، büsbütün (تماماً)، pespembe (کاملاً صورتی).

۴- برای t:

tertemiz (تروتمیز)، çarçabuk (کاملاً سریع)، çırçıplak/çırılçıplak (کاملاً لخت)، sersefil (کاملاً فقیر و پست)، perperişan (کاملاً پریشان)، sırsıklam (کاملاً خیس).

مثالهای دیگر:

Haticelerin tertemiz evi var

خانواده خدیجه، خانه تروتمیزی دارند

Annem bana bembeyaz gömlek giydirdi

مادرم به من پیراهن کاملاً سفیدی پوشاند

Fenerbahçe kulübünün upuzun boylu basketçileri var

کلوپ فنرباغچه، بسگتبالیستهای کاملاً قد بلندی دارد

Ah! ben masmavi denizde yüzmek isterdim

آه! من می خواستم در دریای کاملاً آبی شنا کنم

(b) - با روش تشبیه مانند:

ışıl ışıl (روشن و براق)، pırıl pırıl (خیلی براق)

مثال:

Babam arabasını eğri büğrü yollarda sürdü

پدرم ماشینش را در راههای پر پیچ و خم راند (رانندگی کرد)

Bak! derede pırıl pırıl su var

نگاه کن! در نهر، آب خیلی شفاف وجود دارد

Tarladaki irili ufaklı taşlar yüzünden ayaklarımız mahvoldu

بخاطر سنگهای ریز و درشت مزرعه، پدر پاهایمان درآمد

Cebimde sarı sarı liralara ses çıkarıyor

لیره های کاملاً زرد، در جیبم سر و صدا می کنند

تصغیر در صفت (**sıfatda Küçültme**): با پسوندهای .ca/ce .cak/cek .cuk/cük/cık/cik

(u/ü/ı/i)mtrak، (u/ü/ı/i)msu/msü/msı/msi ساخته می شود مانند:

Ablam büyücek ev arıyor (büyüğe yakın)

خواهرم دنبال خانه نسبتاً بزرگی می گردد (نزدیک به بزرگ)

Seninki kalınca kitap, çok ağır değil mi? (kalın gibi)

مال تو (کتاب تو)، کتاب نسبتاً کلفتی است، زیاد سنگین نیست؟ (مانند کلفت)

Dağcılar yüksekçe tepeye çıktılar (yükseğe yakın)

کوه نوردان از تپه نسبتاً بلند، بالا رفتند (نزدیک به بلند)

Lütfen bir paket acımsı biber ver (acıya yakın)

لطفاً یک بسته فلفل نسبتاً تلخ بده (نزدیک به تلخ)

Kızın kızılımtrak saçına bayılıyorum. (kızıla yakın)

به موی نسبتاً قرمز دختر، مدهوش می شوم (نزدیک به قرمز)

توجه: در **sıfat tamlaması** صفت یا اسم می تواند بیش از یکی باشد مانند:

Uzun boylu esmer çocuk, benim yeğenimdir
sıfat ad

بچه قد بلند سبزه، برادر زاده من است

Kırmızı elbise, ayakkabı ve çanta giyerim
sıfat ad

لباس، کفش و کیف قرمز می پوشم

توجه: در **ad tamlaması**، یا **tamlayan** یا **tamlanan** می تواند **sıfat tamlaması** باشد مانند:

Yeşil köşkün lambası bozuldu

لامپ کاخ سبز، خراب شد

Çocuğun masmavi gözlerine hayranım

شیفته چشمهای کاملاً آبی بچه ام

Kareli yatak örtüsü nerede?

روختی شطرنجی، کجاست؟

Bir yaz günü denize gireceğim

در یک روز تابستان داخل دریا خواهم رفت

صفت اسم شده (adlaşmış sıfat): صفات بتنهایی نمی آیند و çekim eki نمی گیرند مگر اینکه

adlaşmış sıfat باشند مانند:

Yaşlı adam ayağa kalktı (sıfat)

مرد مسن، بلند شد (صفت)

Yaşlı ayağa kalktı (adlaşmış sıfat)

مسن، بلند شد (صفت اسم شده)

Umutsuz insanlar başarılı olamaz (sıfat)

انسانهای ناامید نمی توانند موفق شوند (صفت)

Umutsuzlar, başarılı olamaz (adlaşmış sıfat)

ناامیدها نمی توانند موفق شوند (صفت اسم شده)

توجه: همه موارد گفته شده برای صفت، در (ت. آ) هم صادق است.

sayılar

اعداد

از جدول زیر می توان بکارگیری کلیه اعداد را یاد گرفت:

۰	sıfır	۹	dokuz	۷۰	yetmiş
۱	bir	۱۰	on	۸۰	seksen
۲	iki	۱۱	on bir	۹۰	doksan
۳	üç	۲۰	yirmi	۱۰۰	Yüz
۴	dört	۲۱	yirmi bir	۲۰۰	iki yüz
۵	beş	۳۰	otuz	۲۰۶	iki yüz altı
۶	altı	۴۰	kırk	۱۰۰۰	Bin
۷	yedi	۵۰	elli	۱۰۰۰۰۰۰	bir milyon
۸	sekiz	۶۰	altmış	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰	bir milyar

توجه: در زبان (ت. آ) نیز اعداد به همین صورت ادا میگردد و فقط ممکن است کمی در لهجه متفاوت باشد مثلاً yedi در زبان (ت. آ) بصورت yeddi (d مشدد) ادا میگردد یا sekiz بصورت sekkiz ، dokuz بصورت dokkuz.

پسوند صفت ساز **li** ----- **li** sıfat yapma eki

ad+lu/lü/lı/li=sıfat

مثال:

Ahmet çok akıllı bir çocuk احمد یک پسر خیلی عاقلی است
 Zin Gözlüklü kadın yavaş yavaş yürüyor زن عینکی آرام آرام راه میروند

پسوند صفت ساز **siz** ----- **siz** sıfat yapma eki

ad+suz/süz/sız/siz=sıfat

مثال:

Babam şekersiz çay içiyor بابام چای بدون شکر می خورد
 Bu öğrenci çok başarısız این دانشجو خیلی ناموفق است

توجه: در (ت. آ) نیز ۲ قاعده فوق صادق است.

daha, en ile karşılaştırma ----- en, daha با مقایسه

۱- صفت برتر

از فرمول زیر استفاده می شود:

ad (ad+dan/den) daha sıfat

مثال:

İstanbul Ankara'dan daha büyük استانبول از آنکارا بزرگتر است

Ebru daha akıllı ابرو عاقل تر است

۲- صفت برترین

از فرمولهای زیر استفاده می شود:

۱) - en sıfat ad

مثال: بزرگترین فروشگاه در صحیه است En büyük market Sıhhiye'de

۲) - ad+(n)un/ün/ın/in en sıfat ad+iyelik eki

مثال:

استانبول بزرگترین شهر ترکیه است İstanbul Türkiye'nin en büyük şehri

۳) - ad+da/de+ki en sıfat ad

مثال: زیباترین زن فیلم ترکان است Filmdeki en güzel kadın türkan

توجه: در (ت. آ) در صفت برتر ضمن اینکه daha در بعضی مناطق بکار می رود از rax هم استفاده می گردد

مانند: زیباتر gözel rax, بزرگتر büyük rax

ولی در صفت برترین بجای en می توان از lap استفاده کرد مانند lap büyük

البته باید توجه داشت که lap در معنای خیلی هم بکار رفته است.

صفت فعلی ----- sıfat eylem (ortaç)

صفتی است که از فعل ساخته می شود که قبل از اسم می آید.
صفت می تواند جای اسم نیز بنشیند که صفت اسم شده (adlaşmış sıfat) خواهد بود.

۱- geniş zaman anlamlı (با مفهوم مضارع):

الف) - eylem+(ma/me)(y)an/en

مثال:

Eve giden kızı tanımıyorum

دختری که به خانه می رود را نمی شناسم

Gören gözün görmez oldu

چشم بینایت، نابینا شد

Dün akşama kadar yağan yağmur trafiği alt üst etti

دیروز باران بارنده تا عصر (بارانی که تا عصر بارید)، ترافیک را زیر و رو نمود

Gelmeyen öğrenci var mı? Gelmeyen var mı?

sıfat

adlaşmış sıfat

دانشجوی نیامده ای (دانشجویی که نیامده باشد)، هست؟ نیامده ای (کسی که نیامده باشد)، هست؟

ب) - eylem+(a/e/u/ü/ı/i)r

مثال:

Sabahları erken uyanmak için çalar saati kuarım

به خاطر زود بیدار شدن در صبح، ساعت زنگ زننده (زنگدار) را کوک می کنم

Kaza yerindeki hasarı tespit için bilir kişinin gelmesini bekliyoruz

برای تعیین خسارت در محل تصادف، منتظر آمدن شخص خبره هستیم

Görür gözlerim görmez oldu

چشمهای بینایم، نابینا شد

Koşar adımlarla gittim

با قدمهای دوان رفتم (دوان دوان رفتم)

ج- eylem+maz/mez

مثال:

Onların evi üçüncü caddedeki çıkmaz sokaktaymış, zor bulduk

خانه آنها در خیابان بن بست جاده سوم بوده، به سختی پیدا کردیم
Arabanın çadırı su geçirmez kumaştan yapılmış
چادر ماشین از پارچه عبور ندهنده آب (ضد آب)، درست شده است

۲- geçmiş zaman anlamlı (با مفهوم گذشته):

الف- eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik

مثال:

Tanıdık birini bulamadım

یک آشنا نتوانستم پیدا کنم

O bildik tavriyla şöyle bir gülümsedi

با آن ادای همیشگی اش تبسم کرد

ب- eylem+(ma/me)muş/müş/mış/miş

مثال:

Pişmiş aşı su katılmaz

به آش پخته، آب ریخته نمی شود

Yirmi yaşındaki genç, ağarmış saçlarıyla, olduğundan daha yaşlı görünüyordu

جوان ۲۰ ساله، با موهای سفید شده، بزرگتر از سنش به نظر می رسید

Fazla yıpranmamış eşyalarınızı fakirlere vererek onlara yardımcı olun

با بخشیدن اشیای زیاد خراب نشده تان (اشیای دست دوم) به فقیران، یاریشان دهید

۳- gelecek zaman anlamlı (با مفهوم آینده):

الف- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek

مثال:

Yapılacak işleri sırasıyla gözden geçirdi

کارهایی که انجام خواهند شد را بترتیبش از نظر گذراند

ب- eylem+(ma/me)(y)ası/esi

مثال:

Yaşanası güzellikler, bizi bekliyordu

روزهای خوشی که بسر خواهند شد، در انتظار ما بود

Kahrolası sivrisinekler her tarafımı ısırdı

پشه های لعنتی، همه جایم را نیش زدند

Büyükbabam çok saygıdeğer bir insan, öpülesi elleri var

پدربزرگم انسان خیلی محترمی است، دستان بوسیدنی ای دارد

Kör olası kedi, bütün gün miskin miskin oturuyor

الهی کور بشود گربه، تمام روز، مظلومانه می نشیند

Uzun zamandır anneannemden uzaktayım, onu çok göresim geldi

زمان طولانی است که از مادر بزرگم دورم، خیلی هوس دیدن او را کردم

توجه: مورد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

کاربردهای صفت فعلی ----- ortaç kullanımları

(۱) - eylem+(ma/me)(y)an/en (ad)ad durumu eki

مثال:

Sevginin sözünü eden insanlarla onu yaşayan insanlar arasında ne fark vardır?

بین انسانهایی که لاف عشق می‌زنند با انسانهایی که آن را تجربه می‌کنند چه فرقی است؟
Sevginin sözünü edenlerle onu yaşayanlar arasında ne fark vardır?

بین کسانی که لاف عشق می‌زنند با کسانی که آن را تجربه می‌کنند چه فرقی است؟

(۲) - eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek (ad)ad durumu eki

مثال:

Nostradamus gelecekte olacak olayları görebildi

نوستراداموس حوادثی که در آینده اتفاق خواهند افتاد (حوادث آینده) را توانست پیش بینی کند
Nostradamus gelecekte olacakları görebildi

نوستراداموس چیزهایی که در آینده اتفاق خواهند افتاد (آینده) را توانست پیش بینی کند

(۳) - eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki (ad)

مثال:

Geçen hafta çizdiğim proje üzerinde birkaç düzeltme yapıyorum

بر روی پروژه‌ی ترسیم کرده‌ام در هفته پیش (پروژه‌ای که در هفته پیش ترسیم کردم)، چند تایی تصحیح انجام می‌دهم

Gazetede okuduğun haberler doğruysa bakanlar kurulunda değişiklik olacak

اگر خبرهایی که در روزنامه خواندی درست باشد در هیئت وزرا تغییراتی خواهد شد

Gazetede okudukların doğruysa bakanlar kurulunda değişiklik olacak

اگر چیزهایی که در روزنامه خواندی درست باشد در هیئت وزرا تغییراتی خواهد شد

eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki (ad) - (۴)

مثال:

Bu akşam seyredeceği filmi ben daha önce seyrettim

فیلمی که عصر تماشا خواهد کرد را من قبلا دیدم

Seminerde sunacağınız bildiriyi hazırladınız mı?

بیانیه ای را که در سمینار ارائه خواهید کرد را آماده کردید؟

eylem+(ma/me)duk/dük/dık/dik+iyelik eki (ad)(n)ad durumu eki - (۵)

مثال:

Bu sözleri söylediğine pişman olacaksın

به خاطر این حرفها که زدی، پشیمان خواهی شد

Onu ikna edebildiğimi sanıyorum

فکر می کنم که او را توانستم قانع کنم

Geçen yıl gittiğimiz otelden çok memnun kaldık

از هتل رفته مان در سال پیش (از هتلی که پارسال رفتیم)، خیلی راضی شدیم

eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek+iyelik eki (ad)(n)ad durumu eki - (۶)

مثال:

Söyleyeceğim sözleri iyi dinleyin!

به حرفهایی که خواهم زد، خوب گوش بدهید!

Söyleyeceklerimi iyi dinleyin!

به چیزهایی که خواهم گفتم، خوب گوش بدهید!

Onun üniversitede de başarılı olacağından eminim

از موفق شدن او در دانشگاه هم مطمئنم

eylem+(ma/me)makta/mekte ol+an - (۷)

مثال:

Şu anda uygulamakta olan kanunlar değişmezse, trafik kazalarının azalması zor

اگر قانونهای در حال اجرا عوض نشوند، کم شدن تصادفات، مشکل خواهد بود

۸- eylem+(ma/me)muş/müş/mış/miş ol+an

مثال:

Geçmiş yıllarda uygulanmış olan kanunlar Meclis tarafından değiştirildi

قانونهای اجرا شده در سالهای پیش، از جانب مجلس عوض شدند

۹- eylem+(ma/me)(y)a/e+cak/cek ol+an

مثال:

Meclis, gelecek yıl uygulanacak olan kanunlar üzerinde çalışmaya devam ediyor

مجلس، کار بر روی قانونهایی که سال بعد اجرا خواهند شد را ادامه می‌دهد

۱۰- eylem+(ma/me)makta/mekte ol+duk+iyelik eki

مثال:

Şu anda üzerinde çalışmakta olduğumuz proje iki aya kadar tamamlanacak

پروژه ای که الان رویش کار می‌کنیم، تا دو ماه تمام خواهد شد

۱۱- eylem+(ma/me)muş/müş/mış/miş ol+duk+iyelik eki

مثال:

Sağ tarafta görmüş olduğunuz bina Türkiye Büyük Millet Meclisi'dir

در سمت راست، بنایی که دیدید مجلس بزرگ ملی ترکیه است

۱۲- eylem+(ma/me)(y)acak/ecek ol+duk+iyelik eki

مثال:

Firmamızın düzenleyecek olduğu toplantı çeşitli nedenlerden dolayı iptal edildi

جلسه ای که شرکتیمان ترتیب داد، بنا به دلایل مختلف ابطال شد

توجه: همه موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

ظرف ----- belirteç

بر مفهوم **eylem** (فعل)، **eylemsi** (فعل گونه) و یا ظرف دیگر تاکید کرده و یا آن را محدود می نماید.

که **eylemsi** (فعل گونه) بر سه نوع است:

۱- **ad-eylem** ها که با **mak/mek** یا **ma/me** یا **iş/iş/üş/üş(y)** درست می شوند که قبلا شرح داده شده است.

۲- **ortaç** ها که قبلا گفته شده است.

۳- **ulaç** ها که قبلا گفته شده است.

مثالها:

Adam akıllı davranıyor
zarf eylem

یارو، عاقلانه رفتار می کند

Adam, akıllı davranarak işini yürütüyor
zarf eylemsi

یارو با رفتار کردن عاقلانه، کارش را پیش می برد

Adam, çok akıllı birine benziyor
zarf sıfat ad

یارو، فرد خیلی عاقلی به نظر می رسد

Adam, bu işte çok akıllı davrandı
zarf zarf eylem

یارو، در این کار خیلی عاقلانه رفتار کرد

۱- zaman zarfı (ظرف زمان): زمان وقوع فعل یا فعل گونه را معین می کند.
در جواب ne zaman eylem? (کی فعل؟) مشخص می گردد.
مثال:

Demın buradaydı, şimdi yok oldu

کمی پیشتر اینجا بود، الان غیب شد

Geç fark ettim, taşın sert olduğunu

دیر متوجه شدم، سخت بودن سنگ را

Her sabah denize girerim

هر صبح داخل دریا می روم

Yıllar önce bir yeşil ota bile rastlayamazdık

سالها پیش حتی به یک گیاه سبز هم نمی توانستیم بر بخوریم

Yirmi yaşında evlenip çoluğa çocuğa karışmış

در ۲۰ سالگی ازدواج کرده و قاطی اهل و عیال شده است

Gece yarısı bir patlama oldu

نصف شب، انفجاری اتفاق افتاد

Erkenden yat, sabah yola çıkacaksın

زود بخواب، صبح عازم سفر خواهی شد

Ertesi gün başladı, gün doğmadan yolculuk

فردای آن روز قبل از طلوع آفتاب، سفر شروع شد

توجه: برای ظرف زمان می توان از پسوندهای **layın/leyin** یا از **In** استفاده نمود مانند:

Kışın giyeceğim diyerek ucuzluktan bir sürü kazak aldı

با بیان اینکه زمستان خواهم پوشید، از ارزان سرا یک سری پلیور خرید

Kış aylarında sabahlayın yüzlerce öğrenci okula gider

در ماههای زمستان موقع صبح، صدها دانش آموز به مدرسه می روند

توجه: در آذربایجانی بجای **layın/leyin** از **çağı** هم استفاده می شود مانند:

Kış aylarında seher çağı yüzlerce öğrenci okula gider

در ماههای زمستان موقع صبح، صدها دانش آموز به مدرسه می روند

۲- durum zarfı (ظرف وضعیت): وضعیت یا چگونگی انجام فعل یا فعل گونه را معین می کند. در جواب nasıl eylem? (چگونه فعل؟) مشخص می گردد.

مثال:

O iyi insan, iyi düşünüp güzel konuştu
sıfat ad zarf eylemsi zarf eylem

آن انسان خوب، خوب فکر کرده و عالی حرف زد

Okula koşarak gittim

به مدرسه دوان دوان رفتم

Bu soruları mutlaka sormalıyım

این سوالها را حتما باید بپرسم

Adam aniden karşıma çıktı

یارو، یکدفعه سر راهم سبز شد

Sahnedeki sanatçıyı hayranlıkla izliyor

با شیفتگی، هنرمند روی صحنه را تماشا می کند

Beni iyi dinle, sonra pişman olursun

به من خوب گوش بده، وگرنه بعدا پشیمان می شوی

Çocuklar odalarında sessiz sessiz oynuyor

بچه ها در اتاقشان بی صدا بازی می کنند

Deniz masmavi görünüyordu

دریا کاملا آبی دیده می شد

Çamaşırları sakız gibi yıkamış

رختها را مانند آدامس شسته

توجه: برای ظرف وضعیت می توان از پسوندهای ca/ce استفاده نمود مانند:

Kapıyı çalıp yavaşça girdi

در را زده به آرامی وارد شد

Yazın Ankara'nın nüfusu iyice azalır

در تابستان جمعیت آنکارا حسابی کم می شود

(a) – kesinlik zarfı (ظرف قطعیت): معمولا کلمات *elbette* (البته)، *mutlaka* (حتما)، *kuşkusuz* (بی شک)، *asla* (اصلا)، *şüphesiz* (بی شک)، *ne olursa olsun* (هرچه که باشد) و غیره می باشند. مانند:

Doğacaktır, elbet sana vadettiği günler Hakk'ın

روزهایی که حق (خدا) به تو وعده داده، البته که متولد خواهد شد (خواهد آمد)

Benimle bir daha asla böyle konuşma!

با من دیگر اصلا اینطوری حرف نزن!

Şüphesiz tüm söylenenleri anlıyor

بی شک تمام حرفهای زده شده را می فهمد

(b) – dilek zarfı (ظرف آرزو): معمولا کلمات *keşke* (ایکاش)، *bari* (باری، اقلا)، *inşallah* (انشالله) و غیره آورده می شود.

(c) – olasılık zarfı (ظرف احتمال): معمولا کلمات *belki* (بلکه)، *herhalde* (در هر حال)، *tutki* (فرض کن که)، *olaki* (باشدکه)، *sayki* (فرض کن که)، *varsayalım* (فرض کنیم)، *galiba* (گویا) و غیره می باشند. مانند:

Belki yarın, belki de yarından sonra gelir

شاید فردا شاید هم بعد از فردا می آید

Herhalde toplantıda konuşulanları hiç dinlemedin

در هر حال در جلسه به حرفها اصلا گوش نکردی

(d) – yaklaşıklık zarfı (ظرف تقریب): معمولا کلمات *aşağı yukarı* (کماییش)، *hemen hemen* (نزدیک به تمام، همانا)، *şöyle böyle* (اله بله) و غیره می باشند.

(e) – **sınırlama zarfı** (ظرف محدود سازی): معمولا کلمات **artık** (دیگر)، **ancak** (فقط، حداکثر)، **yalnız** (فقط)، **sadece** (فقط)، **en az** (حداقل)، **en çok** (حداکثر)، **en geç** (حداکثر) و غیره می باشند. مانند:

Artık bu sıkıntıya dayanamıyorum

دیگر این مشکل را نمی توانم تحمل کنم

Bu işi **ancak** üç gün sonra bitirebilirim

این کار را حداکثر سه روز دیگر می توانم تمام کنم

Beni **yalnız** sen anlarsın

فقط شما مرا درک می کنی

(f) – **koşul zarfı** (ظرف شرط): معمولا کلمات **eğer** (اگر)، **şayet** (شاید) و غیره می باشند.

(g) – **yineleme zarfı** (ظرف تجدید): معمولا کلمات **tekrar** (دوباره)، **bir daha** (یکباردیگر)، **gene** (باز)، **sık sık** (زود زود)، **çoğu kez** (غالبا)، **arada bir** (بعضا)، **bazen** (بعضا)، **yine** (باز) و غیره می باشند. مانند:

Bu konuyu **tekrar** ele almalıyız

به این موضوع دوباره باید بپردازیم

Kar **yine** savrula savrula yağıyordu

برف باز هم پخش و پلا می بارید

Çocuk **ikide bir** babasından para istiyor

بچه یک در میان (زود به زود) از پدرش پول می خواهد

(h) – **onaylama zarfı** (ظرف تایید): کلمات **evet** (بله)، **hayır** (خیر) می باشند مانند:

Kitap okur musun? **Evet**

کتاب می خوانی؟ بله

Sen de gittin mi? **Hayır**

تو هم رفتی؟ خیر

۳- yer-yön zarfı (ظرف مکان - جهت): جهت یا محل وقوع فعل یا فعل گونه را معین می کند.
در جواب nereye eylem?/ hangi yöne eylem? (کدام طرف فعل؟/ کجا فعل؟) مشخص می گردد.
مثال:

Az önce dışarı çıktı

کمی پیش، بیرون رفت

Adam bir adım geri çekildi

یارو، خودش را یک قدم عقب کشید

İleri atılıp sellercesine, göğsünden vurulup tam ercesine

مانند سیل جلو رفته و از سینه اش چون یک قهرمان کامل زده شده است

Bırak bekle, asansör yukarı çıkıyor

ول کن و منتظر باش، آسانسور بالا می رود

توجه: برای اینکه کلماتی مانند öte (آنطرف)، beri (اینطرف، نزدیک)، ileri (جلو)، geri (عقب)، içeri (داخل)، dışarı (بیرون)، aşağı (پایین)، yukarı (بالا)

ظرف مکان - جهت باشند باید ad durum eki نگیرند و قبل از فعل بدون اضافه کردن چیزی به آن بکار روند.

الف) - اگر کلمات فوق بعنوان اسم مکان یا اسم جهت باشند دیگر ظرف نخواهند بود مانند:

Dışarısı çok kalabalıktı

بیرون، خیلی شلوغ بود

Aşağısı oldukça sessiz ve sakindi

پایین، تا حد امکان بی صدا و آرام بود

ب) - اگر ad durum eki بگیرد دیگر ظرف نخواهند بود (مفعول یا متمم) مانند:

İçeriye bir yabancı girdi

یک خارجی، داخل شد

İçeriye ben temizledim

داخل را من تمیز کردم

Biraz geriye git

کمی عقب برو

Dışarıda kar, içeride sınısıcak bir hava vardı

در بیرون، برف و در داخل، یک هوای کاملاً گرمی بود

ج- اگر قبل از اسم هم بیابند باز هم ظرف نخواهند بود مانند:

Yukarı mahalle, aşağı kat, ileri adım

قدم رو به جلو، طبقه پایین، محله بالا

۴- **azlık-çokluk zarfı** (ظرف کمی-زیادی): مقدار یا تعداد یک فعل یا فعل گونه یا صفت یا ظرف دیگر را معین می کند.

در جواب **ne ölçüde eylem?/ ne kadar eylem?** (چقدر فعل! / چه اندازه فعل!) مشخص می گردد. شامل کلمات **daha** (تر)، **pek** (خیلی)، **çok** (زیاد)، **en** (ترین)، **fazla** (زیاد)، **oldukça** (تا حد امکان)، **epey** (فراوان)، **epeyce** (نسبتاً زیاد، بقدر کافی)، **az** (کم)، **biraz** (کمی)، **gayet** (خیلی)، **fevkalade** (فوق العاده)، **denli** (قدر)، **pek çok** (خیلی زیاد)، **pek az** (خیلی کم)، **çok fazla** (خیلی زیاد)، **çok az** (خیلی کم) و غیره می باشد.

مثال:

Çok yedim, daha fazla yiyemem
zarf eylem zarf zarf eylem

زیاد خوردم، بیشتر نمی توانم بخورم

Olanlara fevkalade sevindim
zarf eylem

به رویدادها فوق العاده خوشحال شدم

Çok çalışıp az dinlenirdi
zarf eylemsi zarf eylem

زیاد کار کرده و کم استراحت می کرد

Bir dahaki sınava daha iyi hazırlan
zarf zarf eylem

برای امتحان بعدی، بهتر آماده شو

Ondan daha iyi bir insana rastlamadım
zarf sıfat grubu ad

تا به حال به یک انسان بهتر از او برنخوردم

Ali en iyi, en akıllı öğrenciymiş
zarf sıfat zarf sıfat

علی بهترین و عاقلترین دانشجو بوده

Son günlerde gayet sakin bir çocuk olmuştu
zarf sıfat grubu ad

در روزهای اخیر یک بچه خیلی آرامی شده بود

توجه: اسمها می توانند با تشکیل تثنیه نیز این نوع ظرف را بوجود آورند مانند:

Yemeklerden tabak tabak yediler

از غذاها، چند بشقاب خوردند

Donmuş patatesler çuval çuval çöpe atıldı

سیب زمینی های یخ زده، گونی گونی به آشغال ریخته شد

۵- soru zarfı (ظرف سوالی): از طریق سوال فعل را مشخص می کند.

مثال:

Niçin geldin?

چرا آمدی؟

Parandan ne kadar harcadın?

از پولت چقدر خرج کردی؟

Neden her şeyden beni sorumlu tutuyor?

چرا مرا مسئول همه چیز می داند؟

Ne diye ağlayıp duruyorsun?

چرا مرتب گریه می کنی؟

Oradan ne zaman gelecekmiş?

از آنجا چه زمانی بنا بوده بیاید؟

توجه: همه موارد فوق در (ت. آ) هم صادق است.

ظروف زمان ----- zaman belirteçleri

در جواب ne zaman eylem? (چه زمانی فعل؟) مشخص می گردند یعنی زمان وقوع فعل را معین می کنند مانند:

Her sabah denize girerim هر صبح توی دریا میروم

ad+dur/dür/dır/dir -۱

مثال:

۵ yıldır evliyim

پنج سال است متاهلم

Aylardır sigara içmiyorum

ماههاست سیگار نمی کشم

ad+dan/den beri -۲

مثال:

۱۹۹۶'dan beri evliyim

از سال ۱۹۹۶ به این سو متاهلم

۵ yıldan beri evliyim

از پنج سال پیش به این سو متاهلم

Aylardan beri sigara içmiyorum

از ماهها پیش به این سو سیگار نمی کشم

Pazartesiden beri gemiyle seyahattayız

از دوشنبه به این سو با کشتی در سفر هستیم

توجه: در (ت. آ) نیز موارد فوق استفاده می گردند.

عناصر جمله ----- cümle öğeleri

۱- yüklem (فعل، مسند):

مثالها (آنهایی که زیرش خط کشیده شده در وضعیت yüklem هستند):

Gurbetten gelmişim, yorgunum hancı

ای کاروانسرادار، از دیار غربت آمده ام و خسته ام

Şuraya bir yatak ser, yavaş yavaş

به آرامی در اینجا یک رختخواب پهن کن

İçimde tuhaf bir hüzün vardı (var+idi)

یک اندوه عجیبی در درونم بود

İçimde tuhaf bir hüzün var

یک اندوه عجیبی در درونم است

Birinci vazifen Türk istiklalını, Türk Cumhuriyeti'ni ilelebet

muhafaza ve müdafaa etmektir (yardımcı eylem)

وظیفه اولت، حفظ و دفاع از استقلال و جمهوری ترک تا ابد می باشد (فعل کمکی)

Bu ev, kırmızı damlı eski bir köy eviydi (sıfat tamlaması)

این خانه، یک خانه قدیمی روستایی با بام قرمز بود (اسم و صفت)

Sizinle konuşan kadın, çocuğun halasıymış (ad tamlaması)

زن صحبت کننده با شما، عمه بچه بوده (مضاف و مضاف الیه)

O sabah güneş pırıl pırıldı (ikileme)

آن صبح، خورشید خیلی براق بود (تشبیه)

Bu kez galiba baltayı taş vurduk (deyim)

این بار، مثل اینکه تبر را به سنگ زدیم (اصطلاح)

Yurdumuzu kurtaran, Atatürk'tür (ad)

نجات بخش وطنمان، آتاترک است (اسم)

Bendim geçen ey sevgili, sandalla denizden (zamir)

ای معشوق، کسی که با قایق از دریا رد می شد، من بودم (ضمیر)

Biz üniversiteye giderken o küçüktü (adlaşmış sıfat)

او، موقع رفتن ما به دانشگاه، کوچک بود (صفت اسم شده)

Onun kaliteli malları çoktur (zarf)

اموال با کیفیت او زیاد است (ظرف)

Bunlar kara gün içindir (edat öbeği)

اینها برای روز سیاه (مبادا) است (گروه ادات)

Bağlaçlardan biri de "ve" dir (bağlaç)

یکی از حروف ربط هم "و" است (حرف ربط)

Ağızdan çıkan tek şey amandı (ünlem)

تنها چیزی که از دهانش خارج شد امان بود (ندا)

Bütün dileği insanların birbirini karşılık beklemeden sevmesiydi (ad eylem)

کل آرزوی این بود که انسانها همدیگر را بدون چشمداشت دوست داشته باشند (اسم فعل)

Adam, uzaktan bir tanıdıklarıymış (ortaç)

مرد، یکی از آشناهای دورش بوده (صفت فعلی)

Bütün gece konuştu da konuştu

تمام شب، یک ریز حرف زد

Bayram sabahı şehrin sokakları bomboştu

صبح عید، خیابانهای شهر کاملاً خلوت بود

توجه: در جمله می توانیم ortak yüklem (مسند مشترک) داشته باشیم مانند:

Oğlan dayıya çeker, kız halaya çeker

پسر به دایی (دایی اش) می رود (شبیه می شود)، دختر به عمه (عمه اش) می رود

که بصورت زیر نوشته می شود:

Oğlan dayıya, kız halaya çeker

پسر به دایی (دایی اش)، دختر به عمه (عمه اش) می رود

اما باید توجه داشت که حتما فعلها مشترک باشند مثلا در مثال زیر افتادن فعل اول اشتباه است:

Sigarayı az içer, içkiyi de hiç içmez

سیگار کم می کشد، مشروب هم اصلاً نمی خورد

که با افتادن فعل اول بصورت زیر خواهد بود که اشتباه است:

Sigarayı az içkiyi de hiç içmez

سیگار کم، مشروب هم اصلاً نمی خورد

توجه: بعضا مسند یا فعل در جمله آورده نمی شود و تکمیل آن بر عهده خواننده یا شنونده گذاشته می شود مانند:

Ev yapacaksan tuğladan yap. Kız alacaksan Muğla'dan al

اگر خانه خواهی ساخت از آجر بساز. اگر دختر خواهی گرفت از مغلا بگیر

که بصورت زیر نوشته می شود:

Ev yapacaksan tuğladan, kıza alacaksan Muğla'dan

اگر خانه خواهی ساخت از آجر، دختر خواهی گرفت از مغلا

۲- فاعل (özne): در جواب kim/ne eylem? (که/چه فعل؟) مشخص می گردد. البته آن چیزی که در جواب

kim/ne eylem? گفته میشود مفعول بی علامت (belirtisiz nesne) نیز می تواند باشد که اگر این

جواب، کننده کار باشد فاعل و اگر تحت تاثیر کار انجام شده باشد مفعول است مانند:

Yazar, bu romanda bir olayı anlatıyor

نویسنده در این رمان، حادثه ای را توضیح می دهد

Seni de ansızın yakalar bir gün ölüm

یک روز مرگ، تو را هم به طور ناگهانی بدام می اندازد

الف)- فاعل حقیقی (gerçek özne): مانند

Divan edebiyatında işlenen konular, genellikle soyuttur

موضوعات بکار رفته در ادبیات دیوان، عموماً مجردند

Hiçbir şair, hiçbir hikayeci yalnız bugün için yazmaz

هیچ شاعری و هیچ راوی ای فقط برای امروز نمی نویسد

ب)- فاعل مجازی (sözde özne): قبلاً گفته شده است مانند:

Yeni öğretmenler, Doğu Anadolu'ya atanmış

معلمین جدید، به آناتولی شرقی منصوب شده اند

Yerler, çok iyi temizlenmiş

زمین، خیلی خوب تمیز شده است

نکته: در جملات اسمی، فاعل همیشه فاعل حقیقی است مانند:

Kültür mirasına sahip çıkmak, bilinçli bir tavırdır

حفظ میراث فرهنگی، یک رفتار شعورمندانه است

چند مثال (آنهایی که زیرش خط کشیده شده در وضعیت özne هستند):

Bağışlayın beni arkadaşlar (ad)

دوستان، مرا ببخشید (اسم)

Ben, gül yanaklı bir çocuğa benzerim (zamir)

من، به یک بچه با لپهای گلی (مثل گل) شبیه ام (ضمیر)

Tembeller başarılı olamaz (adlaşmış sıfat)

تنبلهها نمی توانند موفق بشوند (صفت اسم شده)

Gece, bir tül gibi şehre iniyor (zarf)

شب، مثل یک تور به شهر فرود می آید (ظرف)

Gibi, sözcükler ve kavramlar arasında benzetme ilgisi kurar (edat)

مانند، بین کلمه ها و مفاهیم، رابطه تشبیه برقرار می کند (ادات)

Fakat, karşıt yargıları bağlar (bağlaç)

فقط، احکام متضاد را به هم مرتبط می کند (حرف ربط)

Ey, seslenme anlamı taşır (ünlem)

ای، مفهوم صدا زدن را دارد (ندا)

Sanatçının yaratıcılığı, sezgi ve duygu gücüne bağlıdır (ad tamlaması)

خلاقیت هنرمند، به قدرت حسش مرتبط است (مضاف و مضاف الیه)

Kimi şair ve yazarlar, düşüncelerinin kolayca anlaşılmasını istemezler

(sıfat tamlaması)

بعضی شعرا و نویسندگان، نمی خواهند افکارشان به آسانی فهمیده شوند (اسم و صفت)

Konu komşu bu duruma ne diyecek (ikileme)

در و همسایه به این وضعیت چه خواهند گفت (تشبیه)

Şiir okumak büyük bir zevktir

شعر خواندن، یک ذوق بزرگ است

Çok Konuşanlar dışarı çıksın

کسانی که زیاد حرف می زنند بیرون بروند

توجه: بعضا چند کلمه در توضیح فاعل آورده می شود که آن هم فاعل است مانند:
Annem, beni doğurup büyüten o yüce insan, artık yoktu

مادرم، آن انسان بزرگی که مرا زاده و بزرگ نموده، دیگر پیشم نبود

Sınıftan biri, genç bir kız, elini kaldırdı

یک نفر از کلاس، یک دختر جوان، دستش را بلند کرد

توجه: در جمله می توانیم ortak özne (فاعل مشترک) داشته باشیم مانند:

Her canlı doğar. Her canlı yaşar. Her canlı ölür

هر موجودی متولد می شود. هر موجودی زندگی می کند. هر موجودی می میرد
که بصورت زیر نوشته می شود:

Her canlı doğar, yaşar, ölür

هر موجودی متولد می شود، زندگی می کند، می میرد

اما باید توجه داشت که حتما فاعلها مشترک باشند مثلا در مثال زیر افتادن فاعل دوم اشتباه است:

Hepsi ona gülüp geçmiş, hiçbiri onu dinlememişti

همه به او خندیده و رد شده، هیچ یک به او گوش نداده بودند

که با افتادن فاعل دوم بصورت زیر خواهد بود که اشتباه است:

Hepsi ona gülüp geçmiş, onu dinlememişti

همه به او خندیده و رد شده، به او گوش نداده بودند

تطابق فاعل و فعل (özne- yüklem uygunluğu): از ۲ جهت بررسی می شود:
(الف)- از جهت مفرد و جمع بودن (tekillik- çoğulluk):

(a) - همانطور که قبلا هم گفتیم اگر موجودات بی جان، موجودات جاندار غیر انسان، مفاهیم مجرد، اسامی اعضای بدن و زمان، özne و جمع باشند yüklem، مفرد خواهد بود مانند:

Bütün eşyalar kapının önünde duruyor

تمام اشیا، جلوی در است

Bu düşünceler çoktan eskidi

این افکار از خیلی وقت پیش کهنه شدند

Kuzular uzaktan uzağa bağıştı

بره ها از دور به همدیگر ناله کردند

Ağaçlar sonbaharda yapraklarını döker

درختها، در پائیز برگهایشان را می ریزند

Günler gittikçe uzuyor

روزها، رفته رفته طولانی می شوند

Ellerim tutmuyor

دستهایم نمی گیرند (بی حسند)

(b) - اگر فاعل جمع بیش از یک صفت داشته باشد فعل، مفرد است مانند:

Bu iki kafadar yine yola koyuldu

این دو دوست باز به راه افتادند

(c) - همانطور که قبلا هم گفتیم فاعلهایی که با عدد (sayı) مشخص شده اند فعلش مفرد است مانند:

İki adam seni arıyor

دو مرد دنبال تو می گردند

Sınıftan on kişi dışarı çıktı

از کلاس ۱۰ نفر بیرون رفتند

(d) - اگر فاعل، ضمیر مبهم باشد فعل، مفرد است مانند:

Hepsi seni sormaya gelmiş

همه شان برای احوال پرسى تو آمده اند

Bazıları balık sevmez

بعضیها، ماهی دوست نمی دارند

(e) - اسامی اجتماع که از طریق ad aktarması (انتقال اسم) بوجود می آیند فعلش مفرد است مانند:

Gol atılınca stat ayağa kalktı

موقع گل شدن، استادیوم بیا خواست

Kasaba yollara döküldü

قصبه به راهها سرازیر شد (مردم قصبه به راهها سرازیر شدند)

(f) - اگر برای انسانها، فاعل جمع باشد فعلش، مفرد یا جمع می تواند باشد مانند:

Öğrenciler sınıfta ders dinliyorlar

دانش آموزان، در کلاس، درس گوش می دهند

Öğrenciler, ders bitince evlerine gitti

دانش آموزان، موقع تمام شدن درس به خانه هایشان رفتند

(g) - اگر بیش از یک فاعل داشته باشیم فعل، جمع است مانند:

Muhip Dranas da Cahit Sıtkı da Fransız şiirini örnek aldıklarını kabul etmezler

هم محب دراناس و هم جاهد صدقی الگو برداری از شعر فرانسوی را قبول نمی کنند

توجه: اگر فاعل، دارای صفت مبهم باشد فعلش مفرد یا جمع می تواند باشد مانند:

Kimi insanlar böyle düşünmez

بعضی انسانها، اینگونه فکر نمی کنند

Kimi insanlar böyle düşünmezler

بعضی انسانها، اینگونه فکر نمی کنند

توجه: اگر فاعل، موجود بی جان باشد ولی رفتارهای انسان به آنها نسبت داده شود فعلش مفرد یا جمع می تواند باشد مانند:

Dağlar, hatalarını düşünüyorlar

کوهها، به خطاهایشان فکر می کنند

Nehirler burada şarkılar söylüyordu

نهرها در اینجا ترانه ها می خواندند

(ب)- از جهت شخص (kişi):

(a)- اگر در گروه فاعل، اول شخص (ben و biz) داشته باشیم فعل، اول شخص جمع خواهد بود مانند:

O da ben de seni bekledik

هم او و هم من، منتظر تو شدیم

O konuya sen ve ben çalışacağız

روی آن موضوع، من و تو کار خواهیم کرد

Sen ve biz buluşacağız

تو و ما ملاقات خواهیم کرد

(b)- اگر در گروه فاعل، فقط دوم شخص و سوم شخص داشته باشیم فعل، دوم شخص جمع خواهد بود مانند:

Sen ve Ahmet beni dışarıda bekleyin

تو و احمد در بیرون منتظر من باشید

(c)- اگر در گروه فاعل، فقط سوم شخص داشته باشیم فعل، سوم شخص جمع خواهد بود مانند:

Ayşe ve o bize gelecekler

عایشه و او، خانه ما خواهند آمد

توجه: اگر فاعل، ضمیر مبهم یا ضمیر سوالی باشد هر ضمیر ملکی که بگیرند فعل هم همان را می گیرد مانند:

Bazılarımız görmemiştik

بعضی هایمان ندیده بودیم

Hanginiz çıkacaksınız?

کدام یکیتان، در خواهید آمد

۳- مفعول (nesne): موجود یا شیئی تحت تاثیر فعل را گویند که بر دو نوع است:

الف)- مفعول علامت دار (belirtili nesne): قبلا گفته شده است مانند:

Çocuğun elindeki minik siyah köpeği hepimiz sevmiştik

همه مان، سگ سیاه کوچولوی دست بچه را دوست داشته بودیم

Bu işin peşinde olduğunu biliyorum, saklama

به دنبال این کار بودنت را می دانم، مخفی نکن

Seni de onu da yakından tanıyoruz

هم تو و هم او را از نزدیک می شناسیم

Onun buraya gelişini görmedim

به اینجا آمدن او را ندیدم

Ders çalışmayı istemiyor

درس خواندن را نمی خواهد (نمی خواهد درس بخواند)

ب)- مفعول بی علامت (belirtisiz nesne): قبلا گفته شده است مانند:

Ona her zaman bir kucak dolusu çiçek götürürdüm

به او هر زمان، یک بغل پر از گل می بردم

Her gece, Güzel Kız adında bir masal anlatırdı

هر شب، قصه ای به اسم دختر زیبا تعریف می کرد

توجه: مفعول در جملات اسمی پیدا نمی شود مانند:

Bu adam, sorduğum tüm soruları yanıtız bıraktı

nesne

eylem

این مرد، تمام سوالهایی را که پرسیدم بی جواب گذاشت

توجه: مفعول می تواند بیش از یکی باشد مانند:

Kalemleri, defterleri, kitapları üst üste yığdı

قلمها، دفترها، کتابها را رویهم جمع کرد

توجه: بعضا چند کلمه در توضیح مفعول آورده می شود که آن هم مفعول است مانند:

Babamı, o büyük insanı, bir daha görmeyecektim

پدرم، آن انسان بزرگ را، دیگر هیچ وقت نمی دیدم (در آینده)

Yaşlı kadın, çocuğu – o kuru, sıska vücudu – son bir kez kucakladı

زن مسن، بچه را – آن موجود لاغر و مردنی را – برای بار آخر در آغوش گرفت

توجه: در جمله می توانیم ortak nesne (مفعول مشترک) داشته باشیم مانند:

Kitabı eline aldı, bir süre okudu, sonra yerine koydu

کتاب را در دستش گرفت، یک مدت خواند، بعد سرجایش گذاشت

۳- متمم (dolaylı tümleç): اسم در وضعیتهای bulunma, yönelme و uzaklaşma را گویند مانند:

الف- وضعیت حضور (bulunma): بصورت ad+da/de می باشد مانند:

Ahmet'te aynısından var

عینش در احمد هست (عین این را احمد دارد)

Yazıyı kitapta görmüş

نوشته را در کتاب دیده

Onu geçen gün sokakta gördüm

او را روز گذشته در خیابان دیدم

ب)- وضعیت دور شدن (uzaklaşma): بصورت ad+dan/den می باشد مانند:

Dedemden bütün aile çekinirdi

تمام خانواده از پدر بزرگم (با پدر بزرگم) رودربایستی داشتند

Şekerden böcek çıktı

از شکر، حشره درآمد

Uzaktan bir ses duyuldu

از دور یک صدایی شنیده شد

Bu düşünceleri okuduğu kitaplardan edinmiş

این افکار را از کتابهایی که خوانده بدست آورده

ج)- وضعیت جهت گیری (yönelme): بصورت ad+a/e می باشد مانند:

Bunu bir de babama soralım

این را یکبار هم از پدرم بپرسیم

Çocuk bir süre kitaba baktı

بچه یک مدت به کتاب نگاه کرد

Okula dilekçe verdim

به مدرسه، درخواست دادم

Ondan duyduklarına inanamayacaksın

به شنیده هایت از او (به حرفهای او) باور نخواهی کرد

Buraya geldiğine bin kere pişman oldu

به آمدنش به اینجا (از آمدنش به اینجا) هزار بار پشیمان شد

توجه: در مثالهای زیر هم متمم داریم ولی اینها بیشتر به متمم ادات (edat tümleci) معروفند مانند:

Gemiler, güneye doğru yöneldi

کشتی ها، به سمت جنوب رو نهادند

Babama göre çalışan kazanır

از نظر بابام، تلاش کننده برنده می شود

Rahat uyumak için ılık bir duş aldı

برای راحت خوابیدن، یک دوش ولرم گرفت

Çocuk, elindeki küçük kovayla su taşıyor

بچه، با سطل کوچک در دستش، آب حمل می کند

Okula annesiyile gidecekmış

با مادرش بنا بوده به مدرسه برود

Sen gelinceye kadar işleri bitiririm

تا آمدن تو کارها را تمام می کنم

توجه: البته اگر کلمه قبل از (a/e, da/de, dan/den) زمان (zaman) یا وضعیت (durum) فعل را نشان

دهد (zarf tümleç) belirteç یعنی ظرف خواهد بود مانند:

Sabaha orada oluruz

صبح، در آنجا خواهیم بود

Altı yaşında okuma öğrendi

در شش سالگی، خواندن (خواندن و نوشتن) آموخت

Sabaha kadar ders çalıştık

تا صبح، درس خواندیم

Bize içten davrandı

با ما مخلصانه رفتار کرد

Sıkıntıdan ne yapacağını şaşırılmış

از مشقت چه کار خواهد کرد حیران مانده (از مشقت نمی داند چه بکند)

توجه: بعضا چند کلمه در توضیح متمم آورده می شود که آن هم متمم است مانند:
Memleketine, özlemini çektiği o yerlere, dönüyordu
به وطنش، جایی که حسرتش را کشیده، برمی گشت

توجه: در جمله می توانیم ortak dolaylı tümlec ortak (متمم مشترک) داشته باشیم مانند:
Ona çok kızılıyordu. Ona her gördüğü yerde bağılıyordu
به او خیلی عصبانی می شد. به او هر جا که می دیدش داد می زد
که بصورت زیر نوشته می شود:

Ona çok kızılıyordu, her gördüğü yerde bağılıyordu
به او خیلی عصبانی می شد و هر جا که او را می دید داد می زد

۴- ظرف (zarf tümleci): فعل را از جهات وضعیت، زمان، مقدار، تعداد، مکان، جهت، سوال نشان می دهد.

الف)- وضعیت. مانند:

İnsan düşündüklerini açıkça söyleyebilir

انسان، اندیشه هایش را صراحتا می تواند بیان کند

Damlaya damlaya göl olur

با چکه چکه کردن، دریاچه درست می شود

Olanları ağlaya sızlaya anlattı

رویدادها را در حال گریه و زاری توضیح داد

ب)- زمان وقوع فعل. مانند:

O acılı haberi duyunca çok üzölmüştü

موقع شنیدن آن خبر تلخ، خیلی ناراحت شده بود

Tren on beş dakika sonra burada olur

قطار، ۱۵ دقیقه دیگر اینجا می باشد

Gelecek ay yeni bir araba alalım

ماه آینده، یک ماشین جدید بخریم

ج- مکان و جهت وقوع فعل. مانند:

Biraz bekleyip aşağı indim

کمی منتظر شده و پائین آمدم

Az önce dışarı çıktı

کمی پیش، بیرون رفت

Korkudan bir adım geri çekildim

از ترس، یک قدم خودم را عقب کشیدم

توجه: همانطوریکه قبلا هم گفتیم کلمات نشان دهنده مکان- جهت در صورت گرفتن ad durum eki دیگر ظرف نبوده، متمم یا مفعول خواهند شد مانند:

Bir de aşağıyı temizle

belirtili nesne

پائین را هم تمیز کن

Sizi içeride bekliyor

dolaylı tümleş

در داخل، منتظر شماست

Yukarıdan gürültü geliyor

dolaylı tümleş

از بالا، سروصدا می آید

د- مقدار، تعداد انجام فعل. مانند:

Onu bir saat daha bekleyelim

یک ساعت دیگر، منتظر او شویم

Bugün bırak, yeterince çalıştın

امروز را بی خیال شو، به اندازه کافی کار کردی

Çocuk ablasından biraz daha çalıştı

بچه، کمی بیشتر از خواهرش پرتلاش بود

و) - سوال برای مشخص شدن زمان، مکان، جهت، وضعیت یا مقدار فعل. مانند:

Nasıl dayanırım sensizliğe nasıl?

به بی تو بودن چگونه تحمل می کنم ، چگونه؟

Neden yapmadın söylediklerimi?

چرا گفته هایم را انجام ندادی؟

Niye bakıp duruyorsun yüzüme?

چرا همینطور به صورتم نگاه می کنی؟

توجه: بعضا چند کلمه در توضیح ظرف آورده می شود که آن هم ظرف است مانند:

Önümüzdeki hafta, Pazartesi günü, yeni bir sınav var

هفته پیش رویمان (این هفته)، روز دوشنبه، یک امتحان جدید هست

توجه: ulaç در جمله با وظیفه ظرف (zarf tümleci) بکار می رود مانند:

Eve uğrayıp eşyalarımı alacağım

به خانه سرزده و اشیائم را بر خواهم داشت

Düşünmeden hareket etme

بدون فکر حرکت نکن (هیچ کاری را بدون فکر انجام نده)

توجه: در جمله می توانیم ortak zarf tümleci (ظرف مشترک) داشته باشیم مانند:

Sana her zaman güvendim. Sana her zaman inandım

به تو همیشه اعتماد کردم. تو را همیشه باور کردم

که بصورت زیر نوشته می شود:

Sana her zaman güvendim, inandım

به تو همیشه اعتماد و باور کردم

اما باید توجه داشت که حتما ظرفها مشترک باشند مثلا در مثال زیر افتادن ظرف دوم اشتباه است:

Annem hiçbir zaman kendini düşünmedi;

her zaman bizim mutluluğumuz için çalıştı

مادرم هیچ زمانی به خودش نیاندیشید؛ همیشه برای شادی ما کوشید

که با افتادن ظرف دوم بصورت زیر خواهد بود که اشتباه است:

Annem hiçbir zaman kendini düşünmedi, bizim mutluluğumuz için çalıştı

مادرم هیچ زمانی به خودش نیاندیشید، برای شادی ما کوشید

توجه: ظرف می تواند بیش از یکی باشد مانند:

Görmeden, bilmeden, okumadan konuşuyorsun

zarf tümleci

بدون دیدن و دانستن و خواندن، حرف می زنی

Ertesi sabah, dinlenmiş bir biçimde okula gitti

zarf tümleci zarf tümleci

صبح روز بعد در یک وضعیت استراحت کرده (سرحال) به مدرسه رفت

توجه: تاکید روی عنصری از جمله است که قبل از فعل می آید مانند:

Ayşe, yazdığı cümleyi arkadaşına yüksek sesle okudu
zarf tümleci

عایشه، جمله ای را که نوشته برای دوستش با صدای بلند خواند

Ayşe, yazdığı cümleyi yüksek sesle arkadaşına okudu
dolaylı tümleç

عایشه، جمله ای را که نوشته با صدای بلند برای دوستش خواند

Ayşe, arkadaşına yüksek sesle yazdığı cümleyi okudu
belirtili nesne

عایشه، برای دوستش با صدای بلند جمله ای را که نوشته خواند

Arkadaşına, yazdığı cümleyi yüksek sesle Ayşe okudu
özne

برای دوستش، جمله ای را که نوشته با صدای بلند، عایشه خواند

توجه: ادات پرسشی (mu/mü/mı/mi) در جمله، بعد از هر عنصری بیاید آن را مورد سوال قرار می دهد مانند:

Bütün bunları sana Ayşe mi dün söyledi?
özne

دیروز تمام اینها را عایشه به تو گفت؟

Bütün bunları mı sana Ayşe dün söyledi?
belirtili nesne

دیروز تمام اینها را عایشه به تو گفت؟

Bütün bunları sana mı Ayşe dün söyledi?
dolaylı tümleci

دیروز تمام اینها را عایشه به تو گفت؟

Bütün bunları sana Ayşe dün mü söyledi?
zarf tümleci

دیروز تمام اینها را عایشه به تو گفت؟

Bütün bunları sana Ayşe dün söyledi mi?
yüklem

دیروز تمام اینها را عایشه به تو گفت؟

توجه: در جملات سوالی، جواب پرسش می تواند فاعل، مفعول، متمم یا ظرف باشد مانند:

Bu kitabı benden sonra kim okumak ister? (özne)

این کتاب را بعد از من چه کسی می خواهد بخواند؟

Bu eteğin üstüne ne giyeceksin? (belirtisiz nesne)

از روی این دامن چه چیزی خواهی پوشید؟

Bu soruyu nasıl çözdün? (zarf tümleci)

این سوال را چگونه حل کردی؟

Dün akşam nereden geliyordun? (dolaylı tümleş)

دیروز عصر از کجا می آمدی؟

Yerleri neyle sildin? (edat tümleci)

زمین را با چه چیزی پاک کردی؟

Bugün kimi gördün? (belirtili nesne)

امروز چه کسی را دیدی؟

توجه: موارد گفته شده برای عناصر جمله، در (ت. آ) هم صادق است.

حرف ربط ----- bağlaç

کلمات هم وظیفه و جملات را به هم مرتبط می کند.

مانند: **yalnız** (فقط)، **fakat** (فقط)، **ama** (اما)، **zira** (زیرا)، **yani** (یعنی)، **çünkü** (چونکه)، **yoksa** (وگرنه)، **dahi** (حتی)، **hatta** (حتی)، **bile** (حتی)، **hem** (هم)، **de** (هم)، **ve** (و)، **ya** (یا).
توجه: در بخشهای بعدی به مواردی از **bağlaç** ها اشاره خواهیم کرد.

کی ----- ki

سه نوع **ki** وجود دارد:

۱- **bağlaç** (حرف ربط) در معنای (که) که بعد از فعل می آید و بصورت جدا نوشته می شود. مانند:

یک برادر دارم که از او بزرگترم **Bir kardeşim var ki ondan daha büyüğüm**

۲- **ki** **sıfat kuran ki** (کی صفت ساز) که چسبیده نوشته می شود:

الف) - **ad+da/de+ki=sıfat**

مثالها:

اسم بازیگر این فیلم چیست؟ **Bu filmdeki aktörün adı ne?**

Sınıftaki televizyon ve videolar bakıma girdi

تلویزیون و ویدئوهای کلاس بازیابی شدند

فیلم این سینما را دیدی؟ **Şu sinemadaki filmi gördün mü?**

ب) - **zaman belirteci+ki=sıfat**

که **belirteç (zarf)** همان ظرف می باشد.

مثالها:

جلسه فردا در ساعت ۲:۳۰ است **Yarınki toplantı saat ۱۴:۳۰'da**

Sabahki sözlerim için özür dilerim

بخاطر حرفهای صبحم (حرفهایی که صبح زدم) معذرت می خواهم

جلسه بعدیتان چه زمانی است؟ **Sonraki toplantınız ne zaman?**

۳- ilgili zamiri یا ilgili adlı (ضمیر عطف):

ad/adıl+tamlayan eki+ki

بعبارت دیگر اگر در belirtili ad tamlaması بجای ki بکار رود را گویند.

مثلا بجای (خانواده ما) bizim ailemiz میتوان (مال ما) bizimki بکار برد.

چند مثال دیگر:

Benim arabam seninki kadar hızlı değil

ماشین من به اندازه مال شما سریع نیست

Ali'nin evi, Ahmet'inki gibi büyük خانه علی، مثل مال احمد بزرگ است

O numara, bu kapının değil, şununki آن شماره، مال این در نیست، مال اینست

توجه: همانطور که ملاحظه نمودید در همه موارد فوق ki با قانون ünlü uyumu (هماهنگی حروف با صدا)

مطابقت نمی کند مگر در موارد زیر:

dün/...gün/bugün+kü

مثال:

Dünkü yemek midemi bozdu غذای دیروز معده ام را خراب کرد

Bugünkü gençler daha özgür düşünüyor جوانان امروز آزادانه تر می اندیشند

Salı günkü toplantımız verimliydi جلسه روز سه شنبه مان مفید بود

توجه: در (ت. آ) نیز موارد فوق درست است فقط بجای dünkü از dünenki و بجای bugün از bugün

(هماهنگی اصوات) نیز استفاده می گردد.

حروف ربط با مفهوم انتخاب ----- seçme anlamlı bağlaçlar

hem ... hem ...

ne ... ne ...

ya ... ya ...

belki ... belki ...

ya, ya da, veya, yahut (یا اینکه),...

مثالها:

Vaktim var, hem sana hem ona yardım edebilirim

وقت دارم، هم به تو و هم به او می توانم کمک کنم

Hem soru soruyorsun hem de dinlemiyorsun

هم سوال می پرسی و هم گوش نمی دهی

Aylardır ne yağmur ne kar yağıyor

ماههاست نه باران و نه برف می بارد

Kararını ver! Ya git ya kal!

تصمیمت را بگیر! یا برو یا بمان!

Çok güzel bir kız. Ya mankendir ya da fotomodel

دختر بسیار زیبایی است. یا مانکن و یا فوتومدل است

Akşama belki sinemaya belki tiyatroya gideriz

عصر بلکه سینما بلکه هم تئاتر می رویم (عصر شاید به سینما یا تئاتر برویم)

توجه: در (ت. آ) نیز بعضی از حروف فوق استفاده می گردند.

رابطه علت و معلول ----- neden-sonuç ilgisi

bu için این رابطه از çünkü (چونکه)، için (برای)، bunun için (بخاطر این)، onun için (بخاطر آن)، bu

sebeple (به این سبب)، zira (زیرا)، madem (مادام، چون)، yani (یعنی)، açıkçası (صریحش)، ki

(که)، den (از)، den dolayı (به سبب) و... استفاده می گردد مانند:

Yemek yemeyeceğim, çünkü aç değilim غذا نخواهم خورد، چون گرسنه نیستم

Bu elbise bebek için biraz büyük değil mi? این لباس، برای بچه، کمی بزرگ نیست؟

Onunla yemeğe gitmek istemiyorum, bunun için "İşim var" dedim

نمی خواهم با او به غذا خوردن بروم، به همین خاطر به او گفتم که "کار دارم"

Başım çok ağrıyor, onon için toplantıya katılmayacağım

سرم خیلی درد می کند، به همان خاطر در جلسه، شرکت نخواهم کرد

O çok hasta, bu sebeple okula gelmedi

او خیلی مریض است، به همین خاطر به مدرسه نیامد

توجه: اکثر موارد فوق در (ت. آ) هم استفاده می گردد ولی مواردی مانند zira و madem زیاد استفاده نمی شود.

همچنین، وگرنه، پس ----- **ise, yoksa, o zaman ,öyleyse**

۱- ise (همچنین) مانند:

Ben güveci çok severim, kardeşim ise pek sevmez

من دیزی (güveç) را خیلی دوست دارم، ولی برادرم خیلی دوست ندارد

۲- yoksa (وگرنه، آیا) مانند:

Evlilik yıl dönümümüzü unuttun. Yoksa artık beni sevmiyor musun?

سالگرد ازدواجمان را فراموش کردی. نکند دیگر مرا دوست نداری؟

۳- o zaman (پس، آن وقت) مانند:

Çok açım. O zaman bir yerde karnımızı doyuralım

خیلی گرسنه ام. پس در یک جایی شکممان را سیرکنیم

۴- öyleyse (در اینصورت) مانند:

Davetli sayısı yüz kişiyi geçmeyecek. Öyleyse yüz kişilik salonu tutalım

تعداد دعوتی ها از صد نفر بیشتر نخواهد شد. پس سالن صد نفری را کرایه کنیم

توجه: در (ت. آ) نیز موارد فوق استفاده می گردند.

ادات ----- **ilğec**

برای ایجاد رابطه بین اجزای درونی جمله بکار می رود. می توان bağlaç ها را هم جزو ادات حساب نمود.

توجه: در بخشهای بعدی به مواردی از ilğec ها اشاره خواهیم کرد.

با، و ----- **ile**

اگر در مفهوم اتفاق و برابری (birliktelik anlamlı) باشد بطوریکه اگر بجای **ile** حرف **ve** (و) بگذاریم مفهوم جمله عوض نشود در این صورت **bağlaç** است.

اگر در معنی (با، بوسیله) بکار رفته باشد **edat (ilgeç)** یعنی ادات بوده و اسم قبل از **ile**، متمم (tümleç) خواهد بود.

اگر این متمم، چگونگی و وضعیت (durum) انجام فعل را مشخص کنند در اینصورت متمم ظرف (zarf tümleci) خواهد شد.

توجه: **ile** به کلمه قبلی خود هم بصورت جدا و هم متصل نوشته می شود که در حالت متصل بصورت زیر خواهد شد: **...+(y)la/le**

مثالها:

Ankara'yla İstanbul arası altı saat var (bağlaç)

فاصله بین آنکارا و استانبول ۶ ساعت است.

İşime **arabamla** gidiyorum (tümleç)

سر کارم با ماشینم می روم

Ben **seninle** evlenmek istiyorum (tümleç)

من با تو می خواهم ازدواج کنم

Her gece yataktan **korkuyla** fırlıyorum (zarf tümleci)

هر شب از رختخواب با ترس می پریم

Ahmet'le Ayşe yarın bize geliyorlar (bağlaç)

احمد و عایشه فردا خانه ما می آیند

Sevgi ile boynuma sarıldı (zarf tümleci)

با محبت گردنم را بغل کرد

Kalem ile kağıdı getirdim (bağlaç)

قلم و کاغذ را آوردم

Yazılarımı **bilgisayar ile** yazdım (tümleç)

نوشته هایم را با کامپیوتر نوشتم

توجه: در (ت. آ) از فرمول زیر نیز استفاده می شود:

...+(y/u/ü/ı/i)lan/len/nan/nen

مثال: sevgiy_nen Ahmet'inen korkuy_nan senn_nen arabamınan Ankara'y_nan

onnan bilgisayarınan kalem_nen

که *y* زمانی بکار می‌رود که آخرین حرف کلمه قبل از *lan/len/nan/nen* حرف باصدا (ünlü) باشد. در غیر اینصورت از *u/ü/ı/i* استفاده می‌گردد. که در مورد *men* هم بصورت *mennen* و در مورد *sen* بصورت *sennen* و در مورد *o* هم بصورت *onnan* خواهد بود.

توجه: اگر قبل از *(y)la/le* ضمیر شخصی (*kişi adılı*) بکار رود فرمول بصورت زیر خواهد شد:

ben	ben+im+le
sen	sen+in+le
o	o+n+un+la
biz	biz+im+le
siz	siz+in+le
onlar	onlar+la

توجه: در (ت. آ) اگر قبل از *(y/u/ü/ı/i)lan/len/nan/nen* ضمیر شخصی (*kişi adılı*) بکار رود فرمول

بصورت زیر خواهد شد:

men	ben+n _n en
sen	sen+n _n en
o	o+n+n _n an
biz	biz+in _n en
siz	siz+in _n en
olar	olar+ın _n an

مقایسه با **kadar, gibi** ----- **kadar ile karşılaştırma gibi**

الف) - برای شباهت (benzerlik) استفاده می گردد که بجایش از (si, ce, cesine, imsi) هم می توان استفاده کرد. مانند:

Asker <u>ce</u> selam verdi	مانند یک ارتشی سلام داد
yeşil <u>imsi</u> (yeşile yakın)	نزدیک به سبز
ekş <u>imsi</u> (az ekşi)	کمی ترش
çocu <u>ksu</u>	کودکانه

تو هم مثل بابات قدبلند خواهی شد **Sen de baban gibi uzun boylu olacaksın**

توجه: همانطور که در مثال بالا هم مشاهده می کنید **da/de** وقتی **bağlaç** (حرف ربط) باشد (یعنی اگر حذف شود مفهوم جمله عوض نشود) جدا نوشته می شود وگرنه چسبیده.

ب) - اگر بعد از فعل بیاید در مفهوم احتمال (olasılık) خواهد بود مانند:

برف احتمالاً خواهد بارید **Kar yağacak gibi**

۲- **kadar**:

الف) - برای شباهت (benzerlik) مانند:

دختر زیبایی چون گل بود **Gül kadar güzel bir kızdı**

ب) - در مفهوم تساوی (eşitlilik) مانند:

دوستم به اندازه من ماهر است **Arkadaşım benim kadar usta**

ج) - در مفهوم تقریب (yaklaşıklık) مانند:

تقریباً صدتا دانشجو آمدند **Yüz kadar öğrenci geldi**

توجه: در (ت. آ) نیز موارد فوق درست است فقط بجای **gibi** از **kimi/kimin/tek/tekin** نیز استفاده می گردد. مانند:

تو هم مثل بابات قدبلند خواهی شد **Sen de baban kimi uzun boylu olacaksın**

göre ve ca/ce eki ----- ca/ce پسوند göre

۱- göre:

(الف) - برای مقایسه (karşılaştırma) بکار می رود مانند:

Annem bana göre daha sakin مادرت نسبت به من آرامتر است

(ب) - در مفهوم görelık (نظر) بکار می رود مانند:

Bana göre bugün yağmur yağacak بنظر من امروز باران خواهد بارید

توجه: همانطوریکه می بینید göre در جمله بصورت göre ad/adıl+(y)a/e استفاده می گردد.

۲- ca/ce eki:

(الف) - در مفهوم اتفاق و برابری (birliktelik) مانند:

Sınıfça maça gittik به اتفاق کلاس، به مسابقه رفتیم

(ب) - در مفهوم نظر (göre) مانند:

Sizce o kız güzel mi? بنظر شما آن دختر، زیباست؟

(ت) - در مفهوم مثل (gibi) مانند:

Askerce selam verdi مانند یک ارتشی سلام داد

(ج) - در مفهوم تصغیر (küçültme) مانند:

Büyükçe bir ev aldım خانه نسبتا بزرگی گرفتم

Zayıfça bir adam içeri girdi آدم نسبتا ضعیفی داخل شد

(چ) - در مفهوم تاکید (pekiştirme) مانند:

Evi güzelce boyadım خانه را به خوبی رنگ زدم

Bu konuyu bana kısaca anlatır mısınız?

این موضوع را برایم مختصرا توضیح میدهی؟

(خ) - در مفهوم برازندگی و مناسب بودن (uygun, yakışır olma) مانند:

Bize dostça davrandı با ما، در خور یک دوست رفتار کرد

ج- برای مقایسه (karşılaştırma) مانند:

از لحاظ فکری، شخص فوق العاده ای بود Akılca üstün biriydi

د- در مفهوم اندازه (kadar) مانند:

به اندازه سنگینی‌ات پول دادند Ağırılığınca para verdiler
درباره این موضوع دهها کتاب خواندم Bu konuda onlarca kitap okudum

و- در مفهوم مبالغه (abartı) مانند:

روزها چشم براه ماندم Günlerce yolunu gözledim
در جنگ، اینهمه انسان مرد Savaşta bunca insan öldü
در جنگ، آنهمه انسان مرد Savaşta onca insan öldü

ه- برای زبان (dil) استفاده می گردد مانند:

در دانشگاه، زبان انگلیسی یاد گرفتم Üniversitede İngilizce öğrendim
در زبان ترکی، لغت عربی فراوان است Türkçede Arapça sözcük çoktur

توجه: همانطوریکه می بینید ca/ce در جمله بصورت ad/adıl/sıfat+ca/ce استفاده می گردد.
توجه: موارد گفته شده فوق در زبان (ت. آ) هم وجود دارد.

در حین، بموجب، بشرط üzere -----

در ۳ مفهوم زیر بکار می رود:

۱- هدف (amaç) مانند:

Soru sormak üzere tahtaya kalktı

بخاطر سوال پرسیدن جلوی تخته سیاه رفت

۲- شرط (koşul) مانند:

Geri vermek üzere iki ekmek istiyorum

بشرط پس دادن، دو تا نان می خواهم

۳- نزدیک بودن (yakın olma) مانند:

Gün doğmak üzere

خورشید در حال طلوع است

برای ----- için

۱- در مفهوم هدف (amaç) که می توان بجای için از amacıyla (با هدف) استفاده نمود مانند:
 اینجا با هدف یادگرفتن آمدم (amaç) için geldim (Buraya öğrenmek için)

۲- در مفهوم وسیله، سبب (neden) مانند:
 بعلت شیطنت کردنش، رانده شد (neden) için kovuldu (Yaramazlık yaptığı için)

۳- در مفهوم اختصاص داشتن (özgü olmak) مانند:
 این گلها را مخصوص دخترم گرفتم (özgü) için aldım (Bu gülleri kızım için)

۴- بمعنای در راه (uğrunda) مانند:
 FB için her şey yaparım (uğrunda)
 در راه (به خاطر) FB هر کاری می کنم
 توجه: کلمه şey مثل فوق همیشه جدا نوشته می شود.
 توجه: مورد فوق در (ت. آ) نیز بصورت için/üçün وجود دارد.

علامت ندا (!) ----- ünlem işareti

مشخص کننده تعجب، ترس، عصبانیت، غم، شادی، تحسین، اخطار و خطاب است.
 این علامت بعد از واژه مشخص کننده موارد فوق یا در آخر جمله می آید.
 واژه هایی از قبیل:

ey! hey! yuh! (اوه، مرده باد)، tüh! (تف)، vah! (وای)، ah! (آخ)
 مثالها:

تف، هر آنچه باید اتفاق می افتاد افتاد! Tüh, olan oldu!/ Tüh! olan oldu.
 (صدا کردن، خطاب، اخطار) Gençler! Daima ireli gidin!

ای جوانان! دائماً رو به جلو حرکت کنید!
 توجه: موقع هجو، تحقیر، کنایه علامت ! در داخل پارانتر آورده می شود مانند:
 دوستم (!) دلتنگ من شده. Dostum (!) beni özlemiş.

توجه: در (ت. آ) از بعضی واژه های فوق مانند ey! استفاده می گردد.

علامت برش (´) ----- kesme işareti

در موارد زیر استفاده می گردد:

- ۱- بعد از اسامی خاص اگر **çekim eki** بیاید یعنی: **özel ad+çekim eki**
مانند: به آنکارا با علی رفتم **Ankara'ya Ali'yle gittim**
- ۲- بعد از کلمات مخفف اگر **ek** ای بیاید مانند: در پست، تلفن، تلگراف **PTT'de**
- ۳- بعد از ساعت و دقیقه اگر **ek** ای بیاید مانند: در ۱۹:۳۰ **۱۹:۳۰'da**
- ۴- بعد از رقمها اگر **ek** ای بیاید مانند: در ۱۲۵ **۱۲۵'te**
- ۵- بعد از یک حرف یا **ek** اگر **ek** ای بیاید مانند: از **A** تا **Z** **A'dan Z'ye**

توجه: در مثالهای مربوط به **ile** هم این علامت بکار رفته است.